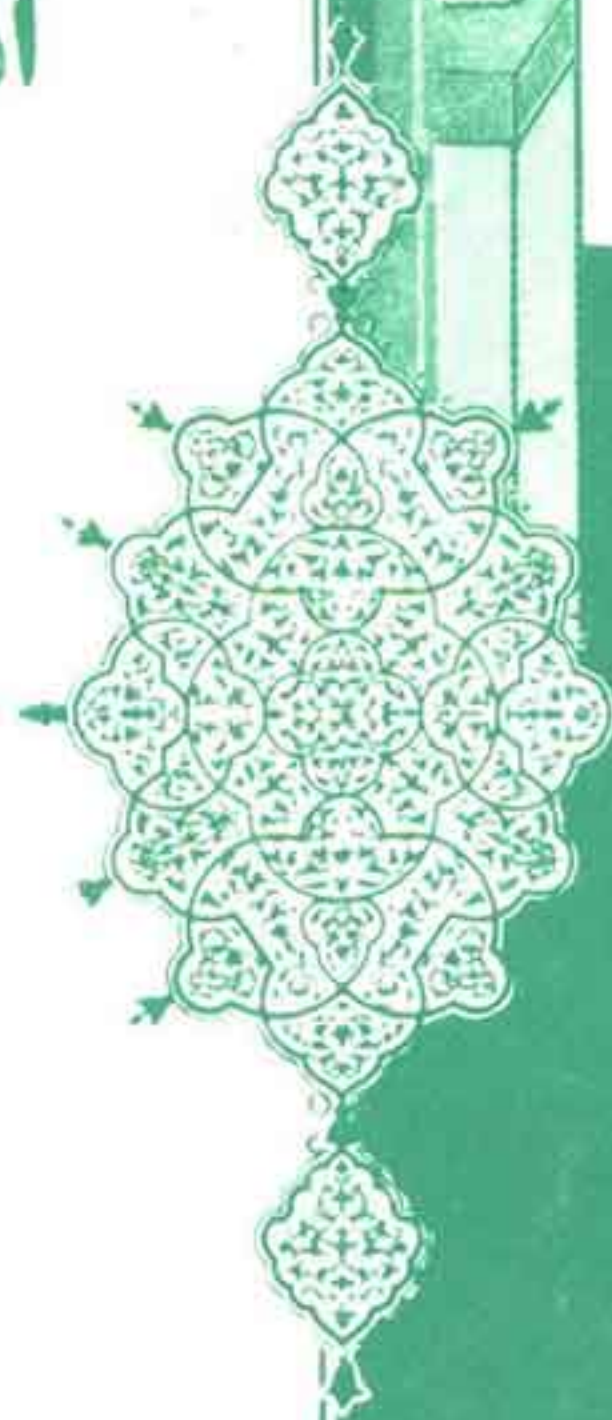


کد ۱۳۳/۱

امامت حضرت مهدی (عج)

در اعتقاد ما



اداره آموزش عقیدتی سیاسی
ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه

۱۳۵۷

اللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ

امامت حضرت مهدی (عج)

در اعتقاد ما

نماینده ولی فقیه در سپاه

مرکز تحقیقات اسلامی



نماینده‌گی ولی فقیه در سپاه
مرکز تحقیقات اسلامی

(شناسنامه)

نام کتاب :	امامت حضرت مهدی (عج) در اعتقاد ما
موضوع :	اعتقادات
کد :	۱۳۳/۱
تهیه کننده :	مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
مؤلف :	علیرضا علی نوری
ناشر :	اداره آموزشهای عقیدتی سیاسی - نمایندگی ولی فقیه در سپاه
حروفچینی و صفحه آرایی :	مرکز تحقیقات اسلامی
لیتوگرافی :	
نوبت چاپ :	اول
تاریخ انتشار :	بهار ۱۳۷۹
تیراژ :	۲۰۰۰ جلد

مرکز چاپ ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۲۷	* درس اول *
۲۸	آینده جهان
۲۹	الف - آینده جهان از دیدگاه ملل و ادیان . ۱۳
۳۰	ب - آینده جهان از دیدگاه قرآن ۱۷
۳۰	* درس دوم *
۳۱	حضرت مهدی (عج) زمامدار آینده جهان
۳۲	حضرت مهدی در روایات اهل سنت ۲۲
	حضرت مهدی در روایات شیعه ۲۳
	* درس سوم *
	ویژگیهای حضرت مهدی (عج)
	نام حضرت مهدی (عج) ۲۷
	* درس چهارم *
	امامت حضرت مهدی (عج) (۱)
	(سابقه تاریخی اعتقاد به آن حضرت)
۳۶	استفاده از عنوان «مهدی» ۳۶
۳۸	حکایت پرسشها ۳۸

*** درس هشتم ***

امامت حضرت مهدی (عج) (۵)

(حضرت مهدی در منابع اهل سنت)

- و - فرود حضرت عیسی از آسمان و یاری
حضرت مهدی (عج) ۶۷
- ز - آخرالزمان و فشارهای حوادث ۶۸
- ح - ظلم به اهل بیت (ع) پس از رحلت
پیامبر (ص) ۶۹

*** درس نهم ***

حضرت مهدی (عج) یک واقعیت موجود

- دیده شدن ایشان در زمان حیات پدرش ۷۳
- دیده شدن ایشان پس از رسیدن به مقام
امامت ۷۵
- آغاز غیبت صغری ۷۵
- تشرف افراد به حضور آن حضرت در غیبت
کبری ۷۷
- حضور هر ساله امام در موسم حج ۷۸

*** درس دهم ***

طول عمر حضرت مهدی (عج)

- امکان طول عمر ۸۱
- وجود افراد استثنایی ۸۳
- طول عمر در قلمرو قدرت الهی ۸۴

اندیشه مهدویت و ظهور در آینه ادبیات
و شعر ۳۹

*** درس پنجم ***

امامت حضرت مهدی (عج) (۲)

(حضرت مهدی در منابع شیعی)

- الف - روایات مربوط به تفسیر و تاویل
آیات ۴۴
- ب - روایات اهل بیت (ع) از پیامبر (ص) ۴۷

*** درس ششم ***

امامت حضرت مهدی (عج) (۳)

(حضرت مهدی در منابع شیعی)

- ج - گفتار اهل بیت (ع) درباره امامت
مهدی (عج) ۵۱

*** درس هفتم ***

امامت حضرت مهدی (عج) (۴)

(حضرت مهدی در منابع اهل سنت)

- الف - پیامبر (ص) و دوازده جانشین ۵۹
- ب - «مهدی» نام دوازدهمین جانشین
پیامبر (ص) ۶۱
- ج - «مهدی» از اهل بیت و پیامبر (ص) ۶۱
- د - «مهدی» از اولاد علی و فاطمه علیهم السلام ۶۲
- ه - «مهدی» از فرزندان امام حسین (ع) ۶۳

- علائم حتمی ۱۱۰
علائم غیر حتمی ۱۱۳

* درس پانزدهم *

پایان انتظار و آغاز انقلابی بزرگ

- ویژگیهای یاران حضرت مهدی (عج) ۱۱۸
فرود حضرت عیسی (ع) ۱۱۹
شیوه حکومت حضرت مهدی (عج) ۱۲۲
اجرای صحیح و دقیق قوانین الهی ۱۲۲
قضاوت به روش حضرت داوود (ع) ۱۲۳
تقسیم عادلانه ثروت ۱۲۳
ساده زیستی ۱۲۴

* درس شانزدهم *

ترسیمی از حکومت جهانی

حضرت مهدی (عج)

- پاک شدن زمین از لوٹ و جرم ستمگران ۱۲۷
حاکمیت مطلق بر جهان ۱۲۷
برقراری امنیت در سراسر دنیا ۱۲۸
پیشرفت برق آسای علم ۱۲۸
رشد مواد غذایی و گیاهی ۱۲۹
آبادانی شهرها و گسترش مساجد ۱۳۰
شکوفایی روحیه برادری و مساوات ۱۳۱
ترسیم زمان پس از ظهور، در گفتار
امام علی (ع) ۱۳۲
منابع و مأخذ ۱۳۵

* درس یازدهم *

راز غیبت

- الف - آماده نبودن جامعه جهانی برای پذیرش آن حضرت ۸۷
ب - بیم از کشته شدن ۸۹
ج - آزمایش مردم ۹۰
مشخص شدن راز واقعی غیبت پس از ظهور ۹۱

* درس دوازدهم *

آثار وجود حضرت مهدی (عج)

در زمان غیبت

- الف - وساطت فیض ۹۶
ب - امید بخشی ۹۸
توسل به حضرت مهدی (عج) و الطاف ویژه ۹۹

* درس سیزدهم *

در انتظار حضرت مهدی (عج)

- انتظار سازنده و مخرب ۱۰۱
پاداش منتظران ۱۰۳
وظایف منتظران در زمان غیبت ۱۰۴

* درس چهاردهم *

شرایط و علائم ظهور

- علائم حتمی و غیر حتمی ۱۰۹

شکفتار

انقلاب اسلامی ایران، بزرگترین و عمیق‌ترین انقلاب ارزشی و فکری بود که در عصر حاضر رخ داد.

بنیانگذار این نهضت مقدس اسلامی، حضرت امام خمینی رضوان الله علیه با پیروی از حضرت سیدالشهداء علیه السلام و با کوتاه کردن دستهای ستم و سلطه قدرتهای استکباری و نوکران آنان از کشور امام زمان (عج) به احیای سیره جدّ خود، رسول الله - صلی الله علیه و آله - و اصلاح امور امت و تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی پرداخت و با دستهای پرتوان خود، نهالها و نهادهای پرثمر را یکی پس از دیگری در سرزمین حاصلخیز جامعه اسلامی ایران بنا نهاد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از خجسته‌نهادهایی است که همزمان با شکل‌گیری نظام مقدس اسلامی به دستور آن پیر عارف و دوراندیش تأسیس شد و رسالت عظیم پاسداری از انقلاب اسلامی و ارزشهای الهی آن و دفاع از حریم ولایت فقیه را به عهده گرفت. تحقق این مأموریت مهم و خطیر، در گرو برخورداری این نهاد مقدس از «بینش اسلامی» و «آگاهی سیاسی» است که «آموزش» یکی از راههای تأمین‌کننده آن است.

از این رو، ارتقاء بینش اعتقادی - سیاسی سپاه و «تداوم آموزش» برای این نیروی نظامی مکتبی، امری ضروری و نیازی اجتناب‌ناپذیر است.

ولی امر مسلمانان جهان، حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای، بر این امر مهم تأکید کرده چنین می‌فرماید:

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک نیروی انقلابی است که بر پایه دین و تقوا و درک و عمل

انقلابی به وجود آمده و وظیفه اساسی نماینده این جانب در آن عبارت از: نظارت مستمر بر حفظ و استحکام این پایه اساسی و برخورد با تخلفات و پیشگیری از آنهاست.^(۱)

آموزشهای عقیدتی - سیاسی گرچه از ابتدای تأسیس سپاه به شکلهای مختلف وجود داشته است، لیکن اهمیت مسأله و نقش زیربنایی آن و دستیابی سپاه به اهداف تعیین شده، موجب شد تا این مهم در چارچوب «نظام آموزشی» جامع و فراگیر که در برگیرنده سطوح مختلف علمی و تخصصهای گوناگون باشد - تحقق یابد.

در پی این حرکت، آموزشهای عقیدتی - سیاسی در قالب «نظام آموزشی» از سال ۱۳۶۴ شروع شد و بیش از نیمی از پرسنل را تحت پوشش دوره‌های مختلف «تداوم آموزش» قرار داد.

اما با گذشت بیش از شش سال و کسب تجارب مفید به هنگام اجرا و نیز با توجه به تحولات سالهای اخیر در این نهاد مقدس، از جمله تشکیل نیروهای پنجگانه سپاه، تصویب قانون استخدامی آن و اعطای درجات و ...، ضرورت بازنگری به «نظام آموزشی» احساس شد و «نظام آموزشی» فعلی جایگزین نظام قبلی گردید.

« مشخصات «نظام آموزشی» عقیدتی - سیاسی »

با توجه به تفاوت سطح معلومات کلاسیک پرسنل سپاه و تقسیم‌بندی آنان به دو سطح «سیکل» و «دیپلم»، نظام آموزشی دربرگیرنده دو سطح زیر است:

۱ - ورودی سیکل

۲ - ورودی دیپلم

برای سطح یک، آموزش عمومی و سه مرحله آموزش ضمن خدمت (شامل دوازده دوره) و سه دوره آموزش تخصصی (تخصصی اولیه، تخصصی تکمیلی و سرپرستی) در نظر گرفته شده است.

۱ - بخشی از حکم مقام معظم رهبری به نماینده ولی فقیه در سپاه (مورخه ۶ / ۴ / ۶۹).

سطح دو، شامل دوره‌های: کاردانی، کارشناسی، مقدماتی رسته‌ای، عالی رسته‌ای، دافوس، عالی جنگ و چهار مرحله آموزش ضمن خدمت (در دوازده دوره) می‌باشد. برای هر یک از دوره‌ها کد مخصوصی در نظر گرفته شده است که مشخص‌کننده سطح، مرحله و دوره است. به عنوان مثال: در کد (۱۳۳) رقم سمت چپ نشانگر سطح، رقم وسط، بیانگر مرحله و رقم سمت راست گویای دوره است. از آنجا که دوره‌های عمومی، تخصصی و سرپرستی مرحله ندارند، رقم وسط با صفر مشخص شده است. به عنوان مثال کد « ۱۰۲ »، نشانگر سطح یک و دوره دوم از دوره‌های غیرتداوم است. موضوعات آموزشی شامل موارد زیر است:

- | | |
|-----------------|-------------------------|
| ۱- اصول عقاید | ۵- تاریخ اسلام |
| ۲- اخلاق اسلامی | ۶- دانش سیاسی - اجتماعی |
| ۳- احکام | ۷- نظام دفاعی |
| ۴- معارف قرآن | |

از آنجا که موضوعات مختلف می‌باشد، به منظور سهولت کار، برای هر موضوعی نیز کد خاصی مشخص شده است که در پی کد هر دوره پس از علامت (/) می‌آید. برای مثال عدد « ۲ » در کد « ۱۱۴/۲ » بیانگر این است که موضوع دوره یادشده، اخلاق اسلامی است.

در مورد دوره‌های تخصصی و سرپرستی برای رسته‌های مختلف کد جداگانه‌ای در نظر گرفته شده که با گذاشتن خط تیره (-) پس از کد گروه نوشته می‌شود. مثلاً تخصصی تکمیلی، ورودی سیکل از گروه عقاید در رسته بهداری با کد (۱۰۳/۱-۵) مشخص می‌شود.

مرکز تحقیقات اسلامی، عهده‌دار تدوین متون آموزشی مورد نیاز حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه است که با توجه به سطح معلومات و تخصص نیروهای آموزشی و نوع و حوزه مأموریت آنان، متن مورد نیاز را تهیه و تدوین می‌نماید.

متون و جزوات این مرکز توسط گروه‌های تحقیقاتی، تدوین و پس از طی مراحل بررسی و نظارت به تأیید «هیأت علمی» که جمعی از فضلا و اساتید حوزه علمیه قم هستند می‌رسد.

کتابی که در پیش رو دارید، کد ۱۳۳/۱، شامل ۱۶ درس از نظام آموزشی عقیدتی - سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌باشد. نظرات، پیشنهادهای و تجربیات شما مریبان ارجمند و برادران عزیز متربئی راهگشا و مشوق ما در رفع نقایص و کاستیهای متون آموزشی خواهد بود. از خدا می‌خواهیم که بر بینش و آگاهیهای اسلامی ما روز به روز بیفزاید، و آنها را عمیق‌تر سازد.

مرکز تحقیقات اسلامی

نمایندگی ولی فقیه در سپاه

... مقدمه

اندیشه مهدویت و ظهور، یکی از اصیل‌ترین اندیشه‌های اسلامی است و بنیانگذار آن پیامبر اکرم (ص) است. آن حضرت، خود عقیده به ظهور حضرت مهدی (عج) را در جدول عقاید اسلامی قرار داد، به همین جهت، این موضوع بطور یکسان در منابع شیعه و سنی منعکس گردیده، اهل بیت پیامبر (ع) نیز این اندیشه و اعتقاد را در جامعه اسلامی تبلیغ کرده‌اند. می‌توان ادعا کرد که هیچ مسأله اسلامی همانند عقیده مهدویت و ظهور، از قطعیت و سابقه تاریخی برخوردار نیست.

حضرت مهدی (عج) به عنوان دوازدهمین جانشین پیامبر (ص) در روایات شیعه و سنی مطرح و معرفی شده است. این معرفی چنان دقیق و مشخص است که قابل انطباق بر فرد دیگری جز شخص آن حضرت نیست که از فرزندان فاطمه (س) و امام حسین (ع) و نام پدرش امام حسن عسکری (ع) می‌باشد.

او آخرین حجت الهی از سلسله انبیا و اوصیاست که با ظهورش جهان را پر از عدل و داد می‌کند. او هم‌اکنون به عنوان یک امام زنده، ولی غایب، در روی زمین زندگی می‌کند و در زمان پدرش و بعد از او در غیبت صغری و کبری مشاهده شده است.

در این کتاب ادله امامت آن حضرت، ویژگیهای ایشان، مسأله انتظار، طول عمر، علائم ظهور، شیوه حکومت و کیفیت پیروزی ایشان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و تمام این موارد به منابع معتبر شیعه و سنی مستند گردیده است.

امید است این اثر ناچیز در تحکیم و تثبیت عقیده منتظران ظهورش مؤثر واقع شود و طول غیبت، موجب خروج آنان از صراط مستقیم امامت نگردد. اللهم عجل فرجه و اجعلنا من أعوانه و أنصاره.

معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی

مرکز تحقیقات اسلامی

آینده جهان

الف - آینده جهان از دیدگاه ملل و ادیان

دیدگاههای متفاوتی درباره آینده جهان وجود دارد؛ بعضی از دریچه یأس و ناامیدی و با ملاحظه قدرتهای اتمی که در اختیار سران ظلم و بیداد قرار دارد، می‌گویند که جهان به سوی یک جنگ جهانی و فراگیر پیش می‌رود که در آن، بشریت گور خود را کنده و تمدن کنونی را از بین خواهد برد. در ظاهر، قراین و شواهد، این دیدگاه را تأیید می‌کند؛ چرا که عواطف انسانی بشدت کاهش یافته، فاصله طبقاتی بین غنی و فقیر در حال گسترش است، مفاسد اخلاقی و جنایات در میان جامعه‌ها رو به افزونی است، اختلافات و اصطکاک بین دولتها روز به روز عمیقتر می‌شود و درگیریهای منطقه‌ای و مرزی میان کشورها شتاب بیشتری به خود گرفته است.

از طرف دیگر، سازمان ملل که یک نهاد بین‌المللی است و با هدف برقراری صلح و امنیت در جهان به وجود آمده، نه تنها بی‌خاصیت شده، بلکه تحت سلطه قدرتهای بزرگ جهانی درآمده است و آنان برای رسیدن به اهداف و مقاصد شیطانی خود از این سازمان استفاده می‌کنند. مواد اعلامیه حقوق بشر و قطعنامه‌های سازمان ملل که اغلب با اعمال فشار و دسیسه قدرتهای بزرگ به تصویب می‌رسد، همیشه اهرم فشاری در دست ابرقدرتهاست تا کشورهای کوچک و ضعیف را برای پذیرفتن آنچه آنان می‌خواهند، تحت فشار قرار دهند. علاوه بر این دو جهت، حس جاه‌طلبی و روحیه استکباری و جنون قدرت در میان سران کشورها، کافی است که روزی آتش جنگ را روشن کند و تمدن کنونی را به ویرانه‌ای تبدیل سازد. راسل می‌گوید:

اشخاصی هستند و از آن جمله انیشتاین که به زعم آنها بسیار محتمل است که انسان دوره حیات خود را طی کرده باشد و در ظرف سنین محدودی موفق شود با مهارت شگرف علمی خود، خویشتن را نابود سازد.^(۱)

نتیجه اینکه براساس شواهد ظاهری، آینده جهان تاریک و نگران کننده است. بررسی و ملاحظه مسائل فوق کافی است که انسان را نسبت به آینده بدبین و مأیوس سازد. در مقابل، یک اندیشه و اعتقاد تا اندازه‌ای عمومی و فراگیر در میان همه جوامع و ملل وجود داشته و دارد، مبنی بر اینکه روزی یک منجی آسمانی ظهور خواهد کرد و صلح و عدالت را برای بشر به ارمغان خواهد آورد و بشر در سایه حکومت وی با صلح و صفا و بدور از ناهنجاریهای ذکر شده خواهد زیست و مدینه فاضله انسانی در آن روز تحقق خواهد یافت. البته در چند و چون این اعتقاد و آن منجی بزرگ اختلاف است؛ اما مهم این است که اصل این اندیشه و اعتقاد، بین همه اقوام و ملل و ادیان، مشترک است. ما در اینجا به نقل قسمتی از نظریه‌ها و اندیشه‌ها می‌پردازیم:

در کتب هندیان: در کتاب «وید» که در نزد هندیان از کتابهای مقدس است، چنین می‌خوانیم:

پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخرالزمان پیدا می‌شود که پیشوای خلق باشد و نام او منصور باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود درآورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا خواهد برآید.^(۲)

در کتاب «باسک» که آن هم از کتابهای مقدس هندیان به شمار می‌رود، آمده است:

دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد و آنچه در دریا و زمینها و کوهها پنهان باشد، همه را به دست آورد و از آسمانها و زمین آنچه باشد خبر دهد و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید.^(۳)

۱ - قیام و انقلاب مهدی، شهید مطهری، ص ۵۸، انتشارات حکمت.

۲ - ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، ص ۱۶، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر؛ مجموعه‌ای از گفتارها درباره حضرت مهدی (عج)، (گفتار ششم از آقای مهدی پور - قم)، ص ۱۱۵، چاپ پنگوئن.

۳ - ادیان و مهدویت، ص ۱۸؛ مجموعه‌ای از گفتارها درباره حضرت مهدی (عج)، ص ۱۱۵.

در کتاب «وشن جوک»، یکی دیگر از کتابهای هندیان آمده است:

در اواخر، دنیا به کسی بگردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او فرخنده و خجسته باشد و خلق را زنده کند.^(۱)

در آیین زرتشت: در آیین زرتشت نیز بشارت و وعده‌های صریحی در این زمینه آمده است که قسمتی از آنها را از کتاب «زند»^{*} نقل می‌کنیم.

ای سپیتامان زرتشت، چون زمان سر رود، این دشمنان مانند بن درختی که یک شب سرد زمستانی که برسد و به یک شب بزرگ بپفکند، تباه شوند.^(۲)
هنگام گرگان به سر رسد و هنگام میشان اندر آید.^(۳)

در جاماسب‌نامه که شامل یک سلسله پرسشهایی است که گشتاسب شاه از جاماسب می‌کند و او پیشگوییهای زرتشت را برای گشتاسب شاه نقل می‌کند، این چنین آمده است:

و هنگام گرگ بشود (سر آید) و هنگام میش اندر آید و هوشیدر (نجات دهنده) زرتشتیان به نموداری دین پدید آید و اناثیه (زیان) و دروشک (دروغ) سر آید و رامش و شادی و خرمی باشد.^(۴)

در عهد عتیق و جدید: در عهد عتیق و جدید نیز پیشگوییهای خوش بینانه‌ای درباره آینده جهان و ظهور یک منجی آسمانی به عمل آمده است که مواردی از آنها نقل می‌شود.

به سبب شریبران، خویشتن را مشوش مساز و بر فتنه‌انگیزان جسد مبر؛ زیرا که مثل علف بزودی بریده می‌شوند و مثل علف سبز پژمرده خواهند شد... و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند شد، همان بعد از اندک زمانی شریز نخواهد بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و

۱ - ادیان و مهدویت، ص ۱۸؛ مجموعه‌ای از گفتارها درباره حضرت مهدی (عج)، ص ۱۱۵.

* - این کتاب شامل یک رشته حوادثی درباره آینده ملت و دین ایران است که اورمزد (خدای خوبیها) وقوع آنها را به زرتشت پیشگویی می‌کند، این پیشآمدها هر کدام در دوره مشخصی اتفاق می‌افتد، دوره‌های ماقبل آخر (یا آخرالزمان) هنگام تاخت و تاز اهریمن نژادان است تا اینکه «سوتیانس» (منجی آخرالزمان) نژاد دیوان و اهریمنان را ریشه کن می‌سازد.

۲ - کتاب «زند و هومن یسن» (مسأله رجعت و ظهور در آیین زرتشت)، ص ۶۰، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر. این کتاب در اواخر دوره پادشاهی خسرو اول یا کمی بعد از او از «اوستا» ترجمه شده است. ر. ک. همان، ص ۱۳.

۳ - زند و هومن یسن، ص ۶۶.

۴ - همان، ص ۱۲۰، گفتنی است که شرح داخل پراکنده از خود آن کتاب نقل شده است.

نخواهد بود و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد... صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود... و نجات صالحان از خداوند است و در وقت تنگی، او قلعه ایشان خواهد بود و خداوند ایشان را اعانت کرده نجات خواهد داد، ایشان را از شریران خلاص کرده، خواهد رهانید زیرا بر او توکل دارند.^(۱)

اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود... بلکه جمیع امتها را نزد خود جمع می‌کند و تمامی قومها را برای خویشتن فراهم می‌آورد.^(۲)

زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد... و پسر انسان را ببینند که برابره‌ای آسمان، با قوت و جلال عظیم می‌آید و فرشتگان خود را با صور بلند آواز فرستاده، برگزیدگان او را از بادهای اربعه از کران تا به کران فلک فراهم خواهند آورد... اما از آن روز و ساعت هیچ‌کس اطلاع ندارد حتی ملائکه آسمان جز پدر من و بس... لکن این را بدانید که اگر صاحب خانه می‌دانست در چه پاسی از شب دزد می‌آید، بیدار می‌ماند و نمی‌گذاشت که به خانه‌اش نفوذ کند. لکن شما نیز حاضر باشید زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید.^(۳)

کمرهای خود را بسته چراغهای خود را افروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی‌درنگ برای او باز کنند... لکن اگر آن غلام در خاطر خود گوید آمدن آقایم به طول انجامید و به زدن غلامان و کنیزان و به خوردن و نوشیدن و می‌گساری شروع کند، هر آینه مولای آن غلام آید در روزی که منتظر او نباشد و در ساعتی که او نداند.^(۴)

در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین تنگی و حیرت از برای امتها روی خواهد نمود به سبب شوریدن دریا و امواجش و دل‌های مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می‌شود زیرا قوای آسمان متزلزل خواهد شد و آن‌گاه پسر انسان را خواهند دید که برابری سوار شده با قوت و جلال عظیم می‌آید و چون ابتدای این چیزها بشود، راست شده سرهای خود را بلند کنید از آن جهت که خلاصی شما نزدیک است.^(۵)

۱ - عهد عتیق، کتاب، مزامیرداود، مزمور ۳۷.

۲ - همان، کتاب حقیق‌نبی، باب ۳.

۳ - عهد جدید، انجیل متی، باب ۲۴.

۴ - همان، انجیل لوقا، باب ۱۲.

۵ - همان، باب ۲۱.

همان‌گونه که ملاحظه کردید، در کتابهای هندیان، زرتشت و عهدین، حکومت جهانی صالحان پیش‌بینی شده است و می‌دانیم که تا کنون چنین چیزی اتفاق نیفتاده و حکومت پیامبر اکرم (ص) نیز بر بخشی محدود از کره زمین تحقق پیدا کرد. بنابراین با توجه به پیشگویی این کتابها باید جهان در انتظار چنین روز فرخنده‌ای بنشیند.

ناگفته نماند، از آنجا که بطور قطع دست تحریف در کتابهای ذکر شده راه یافته است، نمی‌خواهیم از آنها برای اثبات مدعای خود به عنوان دلیل استفاده کنیم، بلکه هدف ما، در درجه اول آشنایی با دیدگاه ملل و ادیان در مورد آینده جهان و بشریت و در مرحله دوم تأیید بر مطلب است و اینکه اگر شیعه با توجه به وعده‌ها و پیشگویی قرآن، در انتظار تحقق یک حکومت جهانی الهی به سر می‌برد و معتقد است که آینده جهان از آن صالحان و پرهیزکاران است و بینشهای مادی و بدبینانه نسبت به آینده تاریخ را محکوم می‌کند، در این اندیشه و اعتقاد تنها نیست و پیرو هیچ دین و مذهبی نمی‌تواند او را در این اندیشه تخطئه کند؛ بلکه از آنجا که قرآن تنها کتاب آسمانی است که مصون از هر تغییر و تحریفی است و اعتبارش صد در صد و قطعی است، دیگر کتابهای آسمانی تحریف شده که بنحوی مسأله ظهور و برقراری عدالت در آینده تاریخ را مطرح کرده‌اند، در طرح اصل مسأله، دلیلی بر اعتبار پیدا می‌کنند.

اکنون به بررسی دیدگاه قرآن در مورد آینده جهان می‌پردازیم.

ب - آینده جهان از دیدگاه قرآن

قرآن کریم در موارد مختلفی با تعبیرهای متفاوت به این مسأله پرداخته و با قاطعیت و تأکید اعلام کرده که جهان آینده، جهان صالحان و پرهیزکاران خواهد بود و اراده خداوند بر پیروزی یکتاپرستان و بندگان شایسته اوست. به آیه^۵ شریفه زیر توجه کنید:

«وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا

* - در این زمینه به آیات زیر نیز رجوع کنید: توبه (۹)، آیه ۳۳؛ فتح (۴۸)، آیه ۲۸؛ انبیا (۲۱)، آیه ۱۰۵؛ اعراف (۷)، آیه ۱۲۸؛ قصص (۲۸)، آیه ۵.

اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُكَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...» (۱)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنها را بطور قطع خلیفه روی زمین خواهد کرد همان‌گونه که به پیشینیان خلافت روی زمین بخشید و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده پا بر جا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترس آنها را به امنیت و آرامش تبدیل خواهد کرد، بگونه‌ای که تنها مرا پرستند و چیزی را برای من شریک نگیرند.

در هر وعده سه رکن وجود دارد: وعده دهنده که در اینجا خداوند است، وعده گیرنده که مؤمنان صالحند و سوم موارد وعده که در آیه فوق عبارتند از:

- ۱- استخلاف و حکومت روی زمین به نمایندگی از خداوند.
 - ۲- تمکین دین که نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمام پهنه زندگی است.
 - ۳- تبدیل خوف به امنیت و برطرف شدن تمام عوامل ترس و ناامنی و جایگزین شدن امنیت کامل و آرامش در همه زمین، آرامش و امنیت ریشه‌دار و دایمی نه ظاهری و نسبی که در جهان امروز شاهد آن هستیم چراکه امنیت حاکم بر جهان امروز بر اثر تعادل قوای نظامی و سلاحهای ویرانگر میان قدرتهای دنیاست و هر روزی که این تعادل بر هم بخورد، پایه‌های این امنیت کاذب و نسبی نیز فرو خواهد ریخت و در واقع می‌توان گفت که بر جهان تعادل وحشت حاکم است نه امنیت.
- همچنین در آخر آیه، هدف نهایی از تحقق حکومت واحد الهی بر پهنه گیتی، چنین ذکر شده که مردم تنها خدا را پرستند و چیزی را شریک او قرار ندهند. و این هدف، راه حکومت الهی را از راه حکومتهای غیر الهی جدا می‌کند، چراکه هدف نهایی در آنها، برخورداری همه از رفاه برتر و بهره‌مندی بیشتر از لذایذ مادی است.
- باید توجه داشت که وعده قرآن نسبت به تحقق حکومت صالحان در پهنه زمین، نوعی پیشگویی نسبت به فراهم شدن زمینه پذیرش دین حق در سطح وسیعی نیز هست.

و از نظر روایات اسلامی نیز افراد و گروه‌های ممتازی با عنایتهای خداوندی، موانع تشکیل حکومت واحد جهانی را از سر راه برداشته، زمینه را برای تحقق آن فراهم می‌کنند.^(۱)

نتیجه اینکه از دیدگاه قرآن با وجود همه عوامل یأس‌آور ظاهری، باید نسبت به آینده خوشبین بود و در انتظار تحقق وعده الهی در مورد حکومت صالحان بر تمام گیتی نشست و عنصر بدبینی و یأس نسبت به آینده جهان را از خود طرد کرد.

خلاصه

هر چند مشاهده وضع جوامع امروز، انسان را نسبت به آینده جهان بدبین می‌سازد، اما اعتقاد عمومی ملل و ادیان مختلف از هندیان، زرتشتیان، یهود، نصاری و مسلمانها بر این است که روزی یک منجی آسمانی ظهور خواهد کرد و عدالت را در پهنه زمین گسترش خواهد داد و بشارت این ظهور، در کتابهای مورد اعتماد آنان آمده است. البته از آنجا که دست تحریف در کتابهای آسمانی پیشین راه یافته، نمی‌خواهیم آنها را به عنوان دلیل مدعای خود ذکر کنیم، بلکه آنها را به عنوان مؤید آورده‌ایم و اینکه شیعه در اعتقاد به «ظهور» تنها نیست و کسی نباید او را در این عقیده تخطئه کند. خداوند در قرآن به مؤمنان صالح وعده می‌دهد که حکومت آینده جهان از آن شما خواهد بود و دین برقرار شده، امنیت کامل همه جا را فرا خواهد گرفت تا انسانها در محیط سالم به پرستش خدا بپردازند.

این پیشگویی، نوعی پیشگویی فراهم شدن پذیرش دین حق در سطح وسیع نیز هست. نتیجه اینکه براساس تعلیمات قرآن باید نسبت به آینده جهان امیدوار و خوشبین بود و در انتظار ظهور نشست.

پرسش

- ۱- وضع جوامع در جهان امروز چگونه است؟
- ۲- عقیده هندیان و زرتشتیان نسبت به آینده جهان چیست؟
- ۳- در عهد عتیق و جدید، در مورد ظهور چه مطالبی آمده است؟
- ۴- آیا کتابهای پیشینیان، دلیل بر مدعاست یا مؤید بر آن، چرا؟
- ۵- آینده جهان از دیدگاه قرآن چیست و قرآن چه مواردی را وعده می‌دهد؟

حضرت مهدی (عج) زمامدار آینده جهان

در درس پیشین معلوم شد که اعتقاد به ظهور یک منجی آسمانی، میان ملل و ادیان، مشترک است و از دیدگاه قرآن، حکومت آینده جهان در اختیار صالحان خواهد بود و آنان وارث زمین هستند. اکنون می‌خواهیم روشن کنیم که در اعتقاد مسلمانان اعم از شیعه و سنی آن منجی آسمانی که تشکیل دهنده حکومت واحد جهانی بر مبنای دین پیامبر (ص) است، حضرت «مهدی» (عج) است.

البته او در روایات به عنوان «قائم»، «صاحب الامر»، «دوازدهمین خلیفه پیامبر» و غیر اینها نیز معرفی شده است، اما مشهورتر از همه، نام مهدی است. این عناوین همه یک مصداق را معرفی می‌کنند و مسلمانان این واژه‌ها و نامها را فقط بر یک شخص منطبق می‌دانند که همان «مهدی» (عج) موعود پیامبر (ص) است.

اولین کسی که واژه «مهدی» را به عنوان نام آن منجی بزرگ به کار برده و او را به این اسم معرفی کرده، شخص پیامبر اکرم (ص) است، به همین جهت تمام مسلمانان از هر فرقه و گروه، با نام مهدی آشنا هستند و او را به عنوان دادگستر آینده جهان و موعود پیامبر (ص) می‌شناسند.*

* - اطلاق اسم بر کتیه و لقب، امری شایع و رایج است؛ از حضرت علی (ع) نقل شده که فرمود:

«پیامبر مرا ابوتراب نامید و هیچ اسمی برایم محبوبتر از این اسم نیست.» (منتخب الاثر، صافی، ص ۲۳۴)

در این روایت لفظ اسم را در مورد کتیه به کار برده است. از این رو، هر چند در درس سوم خواهیم گفت که لفظ مهدی از القاب آن حضرت است، اما منافات ندارد که اسم ایشان شمرده شود؛ می‌توان گفت: به خاطر استعمال زیاد واژه مهدی (به معنای هدایت‌شده به حق) در مورد آن منجی آسمانی، این لفظ به عنوان نام آن حضرت شناخته شده و به عبارت ادبی، برای حضرتش «علم بالغلبه» گردیده است. (لسان العرب، ج ۱۵، ص ۲۵۴، دار صادر، بیروت.)

حضرت مهدی (عج) در روایات اهل سنت

محدثان بزرگ اهل سنت در کتابهای خود بطور فراوان روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) را از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند؛ بعضی از این روایات در مورد نسب آن حضرت و بعضی در مورد شیوه حکومتداری و عدالت‌گستری اوست و بعضی دیگر در مورد علایم و حوادث قبل از ظهور و غیر اینها از مسایل مربوط به آن حضرت است. در اینجا به ذکر چند نمونه از آن روایات می‌پردازیم.

□ ابو سعید خدری می‌گوید: پیامبر (ص) فرمود:

«مهدی از من است. او دارای پیشانی باز، روشن و بینی کشیده‌ای است، زمین را پر از عدل و داد می‌کند آن سان که از ظلم و ستم پر شده است، هفت سال فرمانروایی می‌کند.^(۱)»

□ همو نقل می‌کند که پیامبر فرمود:

شما را به «مهدی» (عج) مژده دهم. او در حال اختلاف مردم و (وقوع) زلزله‌ها، در میان ائمتما برانگیخته می‌شود، زمین را از عدل و داد پر می‌کند آن گونه که از ظلم و جور پر شده است. ساکنان آسمان و زمین از او خشنود می‌شوند، ثروت را بطور صحیح تقسیم می‌کند. مردی گفت: منظور چیست؟ حضرت فرمود: (یعنی) بطور مساوی میان مردم تقسیم می‌کند...^(۲)

□ نیز همو می‌گوید: ترسیدیم بعد از پیامبر (ص) گرفتاری و مشکلاتی داشته باشیم، از این رو از پیامبر (ص) سؤال کردیم. او فرمود:

در میان ائمتما «مهدی» خواهد بود که خروج می‌کند و پنج یا هفت یا نه سال (تردید از راوی است) زندگی می‌کند... سپس فرمود: مرد نیازمند نزد مهدی می‌آید و می‌گوید: ای مهدی، با عطایت بی‌نیازم کن. پس مهدی آن قدر مال و ثروت در دامنش می‌ریزد که بتواند با خودش ببرد.^(۳)

□ محمد بن حنفیه از پیامبر (ص) چنین نقل می‌کند:

۱ - سنن ابی داوود، با حواشی محمد محیی‌الدین عبدالحمید، ج ۴، ص ۱۰۷، نشر دار احیاء السنة النبویة.
 ۲ - مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۳۷، دار صادر، بیروت.
 ۳ - سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۳، ناشر مکتبة السلفیه، مدینة المنوره. این حدیث با اختلاف کمی در الفاظ، در مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۲۱ نیز آمده است.

مهدی از ما اهل بیت است، خداوند کار او را در یک شب اصلاح می‌کند.^(۱)

□ عبدالله زبیدی می‌گوید پیامبر (ص) فرمود:

مردمی از مشرق زمین خروج می‌کنند و زمینه را برای (حکومت) مهدی (عج) آماده می‌نمایند.^(۲)

□ ابی سلمه، چوپان شتران پیامبر می‌گوید: از پیامبر (ص) شنیدم که فرمود:

شبی که خداوند مرا در آسمانها سیر داد، به من فرمود: ... ای محمد، من تو و علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان از فرزندان او را، از نور خود آفریدم... سپس فرمود: به طرف راست عرش توجه کن که من متوجه آن ناحیه شدم، ناگهان دیدم علی، فاطمه، حسن، حسین و فرزندان او تا مهدی را که در میان انبوهی از نور ایستاده و نماز می‌گزارند و مهدی در وسط آنها بود، انگار ستاره درخشانی است. خداوند فرمود: ای محمد، آنان حجت‌های منند و از میان عترت، مهدی انتقام گیرنده است. سوگند به عزت و جلالم، او حجت اولیایم و انتقام گیرنده از دشمنانم است.^(۳)

حضرت مهدی (عج) در روایات شیعه

محدثان و راویان شیعی نیز، روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) را از اهل بیت پیامبر (ص) نقل کرده‌اند. بخشی از این روایات مستند به پیامبر اکرم (ص) و بخشی دیگر سخنان خود آن بزرگواران است که به موجب حدیث ثقلین و منزلت و احادیث فراوان دیگر، مرجع رسمی امت بعد از پیامبر (ص) هستند. اینک به ذکر چند نمونه از آن روایات می‌پردازیم.

□ جابر از امام باقر (ع) این گونه نقل می‌کند:

عمر از امیرالمؤمنین (ع) در مورد مهدی و نام او سؤال کرد. امام (ع) در پاسخ فرمود: اما اسمش را نمی‌گویم، زیرا حبیب و دوستم (محمد ص) با من پیمان بسته که اسمش را نیاورم تا وقتی که خداوند او را برانگیزد و آن (احتمالاً زمان برانگیخته شدنش) از چیزهایی است که خداوند علم آن را نزد پیامبرش به ودیعه سپرده است.^(۴)

۱ - سنن ابن ماجه ، با حواشی محمد فؤاد عبدالباقي ، ج ۲ ، ص ۱۳۶۷ ، دار احیاء التراث العربی .

۲ - همان ، ص ۱۳۶۸ .

۳ - ر . ک . المهدي الموعود المنتظر ، ص ۹۲ - ۹۱ ، به نقل از فراید السمطین ، ابراهیم بن محمد شافعی .

۴ - بحارالانوار ، ج ۵۱ ، ص ۳۴ ، مؤسسة الوفا ، بیروت .

□ ابوبصیر از امام صادق (ع) و آن حضرت از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود:

مهدی از فرزندان من است، نامش نام من و کنیه اش کنیه من است، از نظر اخلاق و خلقت شبیه ترین مردم به من است، برای او غیبت و سرگردانی ای* خواهد بود تا اینکه مردم در آیین شان دچار گمراهی شوند. در آن زمان مهدی مانند ستاره فروزان به مردم رو می نماید و زمین را از عدل و داد پر می کند آن طور که از ظلم و ستم پر شده است.^(۱)

□ اصبع بن نباته می گوید: روزی نزد امیر مؤمنان علی (ع) آمدم، دیدم در حال فکر کردن است و بر روی زمین خط می کشد. گفتم: ای امیر مؤمنان، آیا (تفکر و اندوخت) به خاطر رغبت و اشتیاق به زمین است (که مالک آن شوی و فرمانت نافذ باشد؟) او فرمود:

نه، سوگند به خدا، هرگز حتی برای یک لحظه به زمین و دنیا رغبت و میلی نداشتم؛ لیکن به مولودی می اندیشیدم که بعد از من و یازدهمین از فرزندان من است؛ همان مهدی که زمین را از عدل و داد پر می کند آن سان که از ظلم و ستم پر شده است.^(۲)

□ صفوان از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود:

سوگند به خدا، مهدی شما از شما غایب می گردد تا حدی که فرد نادان می گوید: خداوند احتیاجی به آل محمد (ص) ندارد. سپس مهدی مانند ستاره فروزان به مردم رو می آورد و زمین را از عدل و داد پر می کند آن گونه که از ظلم و ستم پر شده است.^(۳)

□ عبدالعظیم حسنی می گوید: بر آقایم امام جواد (ع) وارد شدم و می خواستم از «قائم» سؤال کنم که آیا او همان مهدی است یا غیر اوست. حضرت قبل از سؤال من، سخن آغاز کرد و فرمود:

«ای ابوالقاسم! قائم ما همان مهدی است که لازم است در غیبت او انتظارش را بکشند و در هنگام ظهورش اطاعتش کنند و او سومین از فرزندان من است.^(۴)»

* - شاید مراد سرگردانی حضرت مهدی (عج) از نظر مسکن است که در هر زمانی در شهر و ناحیه ای باشد.

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۲.

۲ - کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی معروف به ابن ابی زینب، ص ۴۲ - ۴۱، مؤسسة الأعلمی، بیروت.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۵.

۴ - همان، ص ۱۵۶.

به کار بردن لقب «قائم» و «مهدی» توسط امام جواد (ع) در مورد امام دوازدهم نشان می‌دهد که این کاربرد، هیچ‌گاه در میان مردم بویژه شیعیان، موجب ایجاد حیرت نمی‌شد؛ زیرا همه می‌دانستند که این دو واژه به شخص واحدی برمی‌گردد و قائم، همان مهدی است که باید رسالت و نقش خود را به عنوان دادگستر جهان در آینده ایفا کند و تعلیم حضرت جواد (ع) به عبدالعظیم نیز، همین گونه بود.

در پایان این بحث برای تأیید و تثبیت بیشتر ادعای فراگیر بودن اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (عج) در میان همه مسلمانان حتی وهابیان که با شیعه سرستیز دارند، به نامه تعدادی از علمای حجاز در پاسخ به سؤال فردی کنیایی در ارتباط با حضرت مهدی (عج) اشاره می‌کنیم.

او مهدی موعودی است که خروجش در آخر زمان مورد انتظار است و خروج او از نشانه‌های قیامت کبری است. او از مغرب زمین آشکار می‌گردد و در حجاز در مکه مشرفه بین رکن و مقام، بین در کعبه و حجرالاسود با او بیعت می‌شود. او به هنگام گسترش فساد و انتشار کفر و ظلم و ستم ظاهر شده و زمین را از عدل و داد پر می‌کند. آن‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است. او بر تمام جهان حکومت می‌کند... او آخرین خلفای راشدین دوازده‌گانه‌ای است که پیامبر (ص) در کتب صحاح^(۱) از آنان خبر داده است و احادیث مهدی از طریق بسیاری از صحابه از پیامبر (ص) نقل شده است... محدثان و حافظان حدیث، تصریح کرده‌اند که احادیث وارد در مورد مهدی بطور قطع، صحیح و متواتر است. بنابراین، اعتقاد به ظهور مهدی واجب و این جزو عقاید اهل سنت و جماعت محسوب می‌شود و جز افراد نادان و بی‌خبر یا بدعت‌گزار، آن را انکار نمی‌کنند.

مدیر اداره مجمع فقهی اسلامی - مفصل منتشر کنانی^(۲)

نتیجه اینکه تأمل در روایات نبوی (ص) و اهل بیت او که بخشی از آنها به عنوان نمونه در این درس - از منابع شیعه و سنی - ذکر گردید، این مدعا را اثبات می‌کند که زمامداری آینده حکومت واحد جهانی، منحصر در شخصیتی به نام «مهدی» (عج) است و عقیده به ایشان، یک عقیده مشترک اسلامی میان همه فرقه‌ها و مذاهب اسلامی است.

۱ - صحاح شش‌گانه اهل سنت عبارتند از: صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن همامی، سنن ابی داوود، سنن ابن ماجه و سنن ترمذی.

۲ - ر. ک: البیان فی اخبار صاحب‌الزمان (ع)، ابی عبدالله محمد بن یوسف کنجی شافعی، بعد از ص ۱۶۴، فتوکچی نامه

مزبور، مؤسسه الهادی للمطبوعات.

خلاصه

به اعتقاد مسلمانان - اعم از شیعه و سنی - نام آن منجی آسمانی که همه ملل و ادیان به ظهورش اعتقاد دارند، «مهدی (عج)» است و اولین شخصی که او را با این نام معرفی کرده، پیامبر اکرم (ص) است.

راویان اهل سنت، روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) را با الفاظ گوناگون در مورد شیوه حکومتداری یا خصوصیات دیگرش، از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند و در منابع شیعه نیز احادیث فراوانی از اهل بیت (ع) در مورد حضرت مهدی (عج) وارد شده است.

حضرت مهدی (عج) با القاب دیگری نظیر «قائم» و «صاحب الامر» و غیر اینها نیز معرفی شده است اما همه می‌دانستند که این واژه‌ها به حضرت مهدی (عج) برمی‌گردد.

عقیده به حضرت مهدی (عج) به عنوان زمامدار دادگستر آینده جهان، یک عقیده اسلامی مشترک بین فرقه‌های مسلمانان است و پاسخ علمای حجاز به نامه‌ای از کنیا در مورد حضرت مهدی (عج) نیز، این مدعا را اثبات می‌کند.

پرسش

۱ - به اعتقاد مسلمانان، نام منجی آسمانی چیست و چه کسی او را به این نام معرفی کرده است؟

۲ - چند نمونه از روایات اهل سنت را در مورد حضرت مهدی (عج) ذکر کنید.

۳ - چند نمونه از روایات اهل بیت (ع) را در مورد حضرت مهدی (عج) بیان کنید.

۴ - نامه علمای حجاز را در مورد حضرت مهدی (عج) بنویسید.

ویژگیهای حضرت مهدی (عج)

بعد از آنکه دانستیم زمامدار و دادگستر آینده جهان، شخصی به نام حضرت «مهدی» است، لازم است با خصوصیات و ویژگیهای ایشان بیشتر آشنا شویم.

نام حضرت مهدی (عج)

نام ایشان به اتفاق شیعه و سنی «م ح م د» است. روایات زیادی بر این مطلب تصریح دارد که برای نمونه به دو حدیث از طریق شیعه و سنی اشاره می‌کنیم.

۱ - عبدالله بن عمر می‌گوید پیامبر (ص) فرمود:

در آخر زمان مردی از فرزندان من خروج می‌کند که همان من و هم کنیه من است، زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن‌گونه که از ظلم و جور پر شده است و او همان مهدی است. (۱)

۲ - امام سجاده (ع) از پیامبر اکرم (ص) چنین نقل می‌کند:

اگر از دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا اینکه مردی از عترت من بیاید که همان من است، زمین را از عدل و داد پر می‌کند آن سان که از ظلم و ستم پر شده است. (۲)

ممنوعیت بردن نام آن حضرت

اهل بیت پیامبر (ع) از بردن نام حضرت مهدی (عج) در زمان غیبت منع کرده و

۱ - منتخب‌الاثار، ص ۱۸۲، به نقل از تذکرة الخواص ابن جوزی.

۲ - همان، ص ۱۵۹.

توصیه نموده‌اند که او را با القاب و اسامی دیگرش یاد کنند. این دستور بطور قطع دارای حکمت و مصالحی است، هر چند ما از آن بی‌اطلاعیم. ریان بن صلت می‌گوید: از امام رضا (ع) (در حالی که از قائم (عج) سؤال می‌شد) شنیدم که فرمود:

«لَا يُرَى جِسْمُهُ وَلَا يُسَمَّى اسْمُهُ»^(۱)

جسمش دیده نمی‌شود و اسمش (همان نام مخصوص) برده نمی‌شود.*

داوود بن قاسم می‌گوید: از امام علی النقی (ع) شنیدم که می‌فرمود:

بعد از من جانشین، حسن است، ولی چگونه خواهید بود با جانشین بعد از جانشین؟ گفتم: خدا مرا فدایت کند چرا؟ فرمود: شما شخص او را نخواهید دید و بر شما روا نیست که او را به اسمش یادآوری کنید. عرض کردم: پس چگونه او را یاد کنیم؟ فرمود: بگویید «الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ع)» حجت از آل محمد^(۲).

کنیه و القاب

کنیه آن حضرت «ابوالقاسم»^(۳) و القاب ایشان، بنابر آنچه در روایات بیان شده، عبارتند از: «مهدی»، «قائم»، «منتظر»، «حجت»^(۴). البته القاب و اوصاف زیادی در روایات و دعاها همانند دعای ندبه برای حضرت مهدی (عج) بیان شده است و آنچه ذکر شد، القاب مشهور بود. باید توجه داشت که کاربرد این القاب در مورد آن منجی آسمانی به لحاظ ویژگیهایی است که در ایشان وجود دارد. برای نمونه به روایت زیر در مورد لقب «قائم» توجه کنید. ابی خدیجه می‌گوید: از امام صادق (ع) در مورد قائم سؤال شده فرمود:

۱ - اصول کافی، با حواشی علی اکبر غفاری، ج ۱، ص ۳۳۳، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
 * - این عبارت در اصطلاح اصولی، جمله خبریه در مقام انشاء است و منظور این است که نباید اسمش برده شود.
 ۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۳.
 ۳ - منتخب الاثر، ص ۱۸۲.
 ۴ - ر. ک. درس قبلی؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰ و اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۳.

«كُنَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّىٰ يَجِيءَ صَاحِبُ السَّيْفِ فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ
السَّيْفِ جَاءَ بِأَمْرِ غَيْرِ الَّذِي كَانَ»^(۱)

همه ما یکی بعد از دیگری به امر خدا به پا می‌خیزیم تا اینکه صاحب شمشیر بیاید، وقتی که او آمد، روش دیگری خواهد داشت.

از آنجا که ائمه (ع) همه نور واحد هستند، هر کدام واجد تمام صفات کمال بوده‌اند ولی در هر کدام از آنان به اقتضای شرایط، یک صفت ظهور بیشتری داشته و لقبی مناسب آن در ایشان شهرت بیشتری یافته است. از جمله امام زمان (ع) که مانند دیگر امامان برای تحقق امر حق و حکومت جهانی اسلام قیام می‌کند ولی فقط ایشان موفق به محقق ساختن این اراده خدا می‌شود و شاید از این رو لقب «قائم» در مورد آن حضرت کاربرد بیشتری داشته باشد.

پدر و اجداد

روایات زیادی بیانگر آن است که حضرت مهدی (عج) از اولاد پیامبر (ص) و علی (ع) و فاطمه (س) و از تبار امام حسین (ع) و نیز بقیه امامان (ع) است؛ از این رو سلسله نسب آن حضرت به ترتیب زیر است:

«حجة بن الحسن* بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی

۱ - اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳۶.

* - مردی به نام «زائده» از راویان اهل سنت در مورد نام پدر حضرت مهدی (عج) از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود: «اسم ابيه اسم ابي» نام پدرش (پدر مهدی) نام پدر من (عبدالله) است (منتخب الاثر، ص ۲۳۱، پاورقی). اما این مطلب به دلایلی مردود است: الف - در بیشتر روایات اهل سنت در مورد مهدی، جمله بالا وجود ندارد.

ب - بسیاری از علمای اهل سنت مانند سبط بن جوزی، محمد بن طلحه شافعی، کنجی شافعی، ابن خلکان شافعی، ابن صباغ مالکی، ابن حجر هیثمی شافعی، شبلینجی شافعی، شیخ سلیمان قندوزی حنفی و... او را فرزند امام حسن عسکری (ع) می‌دانند. (ر. ک: المهدی الموعود المنتظر، ص ۱۷۹ - ۱۸۰).

افراد یاد شده، روایات حضرت مهدی (عج) را در کتابهای خود آورده‌اند و بعضی مانند کنجی شافعی، کتاب خود را به ذکر روایات آن حضرت اختصاص داده و همه تصریح کرده‌اند که نام پدر حضرت مهدی (عج) «حسن» است.

ج - این روایت با مضمون روایات زیادی که در آنها نام پدر حضرت مهدی، «حسن» (ع) ذکر شده است، منافات دارد.

د - رجال شناسان اهل سنت «زائده» را در نقل احادیث امین نمی‌دانند و می‌گویند: او مطلب به احادیث اضافه می‌کرد. از این رو، احتمال دارد او جمله مزبور را به سخن پیامبر (ص) اضافه کرده باشد.

بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام»

مادر

نام مادر حضرت مهدی (عج) نرجس، دختر یشوعا پسر قیصر پادشاه روم است که بشر بن سلیمان او را به دستور امام هادی (ع) از برده فروشی به نام عمر بن یزید برای آن حضرت خرید؛ سپس امام او را به فرزندش بخشید و بدین ترتیب افتخار مادری حضرت مهدی (عج) را پیدا کرد.

نرجس دارای القاب دیگری از قبیل ریحانه، سوسن و صیقل نیز بود.^(۱)

سال و محل تولد

بنابر قول مشهور بین محدثان و مورخان، حضرت مهدی (عج) در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در سامرا به دنیا آمد و پدرش غیر از او فرزند دیگری نداشت.^(۲) محمد بن علی می گوید: از امام حسن عسکری (ع) شنیدم که فرمود:

ولّی خدا و حجت او بر بندگانش و خلیفه بعد از من، شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری هنگام طلوع فجر، در حالی که ختنه شده بود، متولد شد و نخستین کسی که او را با آب کوثر و سلسبیل (از آبهای بهشت) شستشو داد، رضوان، نگهبان بهشت، با جمعی از فرشتگان مقرب الهی بود...^(۳)

«ارامه از صفة قبل»، ه - ممکن است در زیاد کردن این جمله به آخر روایت، دست سیاست در کار باشد، چرا که نام پسر منصور خلیفه عباسی، محمد، اسم پدرش عبدالله و لقبش مهدی بود و چه بسا برای تأیید حکومت وی، این عبارت ساختگی به آخر روایت افزوده شده باشد.

و - در روایت ابن ابی لیلی از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود:

«إِسْمُهُ كَاسِمِي وَأَسْمُ أَبِيهِ كَاسِمِ ابْنِي وَهُوَ مِنْ وَلَدِ ابْنَتِي». (به نقل از منتخب الاثر، ص ۲۳۶، ج ۴)

نام او مانند نام من و نام پدرش نام فرزندم (امام حسن مجتبی) است که از فرزندان دخترم می باشد.

احتمال دارد نقطه نون در این روایت حذف شده و «ابنی» به اشتباه «ابی» خوانده شده است. با توجه به دلایل و شواهد بالا، روایت «زائده» قابل اعتنا نیست. (ر. ک: منتخب الاثر، ص ۲۳۱ - ۲۳۳).

۱ - کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲ - ۱، ص ۴۲۲.

۲ - ارشاد، شیخ مفید، ص ۳۴۶، مؤسسة الاعلمی بیروت.

۳ - منتخب الاثر، ص ۳۲۰.

خصوصیات حمل و ولادت

نرجس دوران بارداری خود را بدون اینکه آثاری از بارداری در وجود او ظاهر شود سپری کرد؛ از این رو کسی متوجه حاملگی او نشد، همان‌گونه که مادر موسی (ع) نیز در دوران حاملگی چنین بود؛ زیرا فرعون شکم زنان حامله را می‌شکافت و می‌خواست پیامبری که سلطنت او را سرنگون خواهد کرد، متولد نشود. مادر حضرت مهدی (عج) از این جهت همانند مادر موسی بود^(۱) تا اینکه دوران بارداری‌اش سپری شد و آن حضرت به دنیا آمد. حضرت مهدی (عج) در شرایطی پا به عرصه گیتی گذارد که خبر ولادت و غیبتش توسط پیامبر (ص) و اهل بیت آن حضرت بارها به مردم داده شده و جامعه اسلامی بویژه شیعیان به او معتقد گشته بودند.

در همان عصری که امام هادی و امام حسن عسکری (ع) از غیبت فرزندشان حضرت مهدی (عج) سخن می‌گفتند، صاحبان کتب صحاح، بخاری، مسلم، ابوداؤد، ترمذی و ابن ماجه^(۲) می‌زیستند و روایات نبوی مربوط به حضرت مهدی (عج) را در کتابهای خود ثبت می‌کردند. از این رو، برای خلیفه عباسی فرصت بسیار مغتنمی بود تا اگر بتواند به مولود امام حسن (ع) دسترسی پیدا کرده، او را از بین ببرد.

این شرایط اقتضا می‌کرد که ولادت امام مهدی (عج) پوشیده بماند. از این رو، امام حسن (ع) کودک خود را فقط به شیعیان خاصش نشان داد تا آنان امام پس از او را بشناسند؛ زیرا هر چند که او از طرفی باید برای حفاظت از جان حضرت مهدی (عج) تلاش نماید و تمام اصول پنهان‌کاری را مراعات کند، اما از طرف دیگر وظیفه دارد که وجود آخرین حجت الهی را برای مردم و نسلهای بعد بویژه شیعیانش ثابت کند. بدین جهت کودک خود را به شیعیان مورد اعتمادش نشان می‌داد تا بدانند مهدی موعود (ع) پا به عرصه گیتی نهاده است و دیگر در انتظار تولدش نباشند و به آنان سفارش می‌کرد که این قضیه را فاش نسازند.

۱- ر. ک: تاریخ الغیبة الصغری، سید محمد صدر، ج ۱، ص ۲۶۲، انتشارات مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی (ع).

۲- این افراد بین سالهای ۲۵۶ و ۲۷۹ درگذشتند. (ر. ک: تاریخ الغیبة الصغری، ص ۲۴۱).

احمد بن حسن می‌گوید: بعد از تولد خلف صالح (ع)، امام حسن عسکری (ع) با خط خود نامه‌ای به جدم احمد بن اسحاق نوشته و در آن فرموده بود:

برایمان فرزندی متولد گردیده، این مطلب نزد تو پوشیده بماند و آن را از مردم کتمان نما که ما آن را جز برای خویشاوندان نزدیک و دوستان خاص خود آشکار نمی‌کنیم. دوست داشتیم این خبر را به تو دهیم تا خداوند تو را مسرور سازد، چنان که ما را خوشحال کرده است.^(۱)

ولادت حضرت مهدی (عج) به حدی مخفی بود که امام حسن (ع) از بین زنان، تنها به عمه‌اش حکیمه اطلاع داد که به هنگام وضع حمل نرجس، نزد او باشد و او را یاری کند. حضرت مهدی (عج) لحظاتی پس از تولد سر بر سجده عبودیت نهاد، و روی بازوی راستش نوشته شده بود:

«جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^(۲)

حق آمد و باطل نابود شد، بیقین باطل نابود شدنی است.^(۳)

آخرین حجت الهی

حضرت مهدی (عج) پس از رحلت پدر بزرگوارش در سن پنج سالگی به امامت برگزیده شد، آن سان که حضرت عیسی در کودکی به پیامبری برگزیده شد. ایشان آخرین حجت الهی از سلسله پیامبران و اوصیا در طول تاریخ است که خداوند او را برای روز موعود ذخیره کرده است و همان‌گونه که نبوت به حضرت محمد (ص) ختم شد، وصایت و امامت نیز به حضرت مهدی (عج) ختم می‌شود. روایات زیادی از طریق شیعه و سنی بیانگر این است که پیامبر دارای دوازده جانشین به عدد نقبای بنی اسرائیل است که همه از قریش و از اهل بیت او هستند و آخرین آنان حضرت مهدی (عج) است.^(۴) در اینجا به ذکر یک روایت بسنده می‌کنیم.

۱- کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲- ۱، ص ۴۳۴.

۲- اسراء (۱۷)، آیه ۸۰.

۳- منتهی‌الامال، شیخ عباس قمی، ج ۲- ۱، باب ۱۴، ص ۴۲۲، کتابفروشی اسلامیة.

۴- منتخب‌الاثار، ص ۱۴۰- ۴۶.

ابن عباس از پیامبر (ص) این گونه نقل می‌کند:

جانشینان و اوصیای من و حجت‌های خدا بر خلق بعد از من، دوازده نفرند اولین آنان برادرم و آخرینشان فرزندم است. گفته شد: ای رسول خدا! برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. گفته شد: فرزندت کیست؟ فرمود: مهدی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده است... (۱)

ابن ابی الحدید می‌گوید:

همه فرقه‌های مسلمانان اتفاق نظر دارند که دنیا و تکلیف جز با مهدی (عج) پایان نمی‌پذیرد. (۲)

با توجه به ویژگیهایی که برای مهدی موعود برشمردیم، یوچی و بطلان ادعای مدعیان مهدویت در طول تاریخ آشکار خواهد شد و باید مسلمانان در انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) با چنین ویژگیهایی باشند.

۱ - بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۱.

۲ - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۵۱۵، دار احیاء التراث العربی بیروت.

خلاصه

نام حضرت مهدی (عج) «م ح م د»، کنیه اش «ابوالقاسم» و القاب مشهورش «مهدی، قائم، حجت و منتظر» است. اهل بیت (ع) از بردن نام او در زمان غیبت نهی کرده‌اند. کاربرد این القاب به لحاظ ویژگی‌های خاصی است که در حضرت مهدی (عج) وجود دارد. به عنوان مثال، کاربرد لقب «قائم» بر این است که او با قیامش پیروز می‌شود و حکومت واحد الهی را در سراسر جهان برپا می‌کند. در روایات اهل بیت (ع) لقب «قائم» در مقایسه با القاب دیگر بیشتر استعمال شده است.

او از فرزندان پیامبر (ص) علی و فاطمه و از تبار حسین و بقیه امامان شیعه علیهم‌السلام است. مادر مهدی (عج) نرجس دختر پادشاه روم است. حضرت مهدی (عج) در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ. ق متولد شد. نرجس دوران بارداری خود را بدون هیچ اثری از حاملگی سپری کرد تا حضرت مهدی (عج) به دنیا آمد، در حالی که خیر ولادت و غیبتش از قبل داده شده بود. از این رو، خلیفه عباسی در صدد از بین بردن فرزند امام حسن عسکری (ع) برآمد، اما امام کودک خود را مخفی کرد و او را فقط به شیعیان خاصش نشان داد تا بدانند که حضرت مهدی (عج) متولد شده است و در انتظار تولدش نباشند.

حضرت مهدی (عج) پنج ساله بود که به امامت برگزیده شد. او آخرین حجت الهی در روی زمین است و جانشینی پیامبر (ص) به او ختم می‌شود. با توجه به ویژگی‌های یاد شده برای حضرت مهدی (عج) بطلان ادعای مدعیان مهدویت در طول تاریخ آشکار است.

پرسش

- ۱- نام و القاب مشهور حضرت مهدی (عج) را بنویسید.
- ۲- کاربرد لقب «قائم» در مورد مهدی (عج) به چه مناسبت است؟
- ۳- اجداد حضرت مهدی (عج) را ذکر کنید.
- ۴- خصوصیات دوران حمل و تولد حضرت مهدی (عج) را بنویسید.
- ۵- آیا حضرت مهدی (عج) آخرین حجت الهی است؟ در این زمینه توضیح دهید.

امامت حضرت مهدی (عج) (۱) (سابقه تاریخی اعتقاد به آن حضرت)

در درسه‌های پیش با حضرت مهدی (عج) و ویژگی‌های ایشان آشنا گشته و یادآور شدیم که او آخرین حجت الهی است که امامت و جانشینی پیامبر (ص) به وی ختم می‌شود. اکنون باید امامت آن حضرت را از راه‌های گوناگون مطالعه و بررسی کنیم تا در زمینه امامت ایشان به دلایلی روشن دست یابیم. در این باره نخست سابقه تاریخی عقیده به حضرت مهدی (عج) را بررسی می‌کنیم تا با اثبات سابقه دیرینه و کهن این اعتقاد در میان امت اسلامی، این نتیجه را بگیریم که می‌بایست شخص پیامبر اکرم (ص) بنیانگذار این عقیده در میان امتش باشد و گرنه امکان ندارد اندیشه و اعتقادی این چنین فراگیر در طول تاریخ، بدون دخالت پیامبر (ص) در میان امت اسلامی شکل بگیرد.

بررسی سابقه تاریخی عقیده به مهدویت، چنان نتیجه روشنی در اثبات امامت حضرت مهدی (عج) دارد که اگر از پیامبر (ص) و اهل بیتش هیچ گونه حدیث و روایتی هم در مورد حضرت مهدی (عج) به ما نمی‌رسید، کافی بود که ما امامت حضرتش را بپذیریم و بدان معتقد گردیم؛ زیرا می‌بینیم در میان امتی که افکار و اعتقاداتش را از پیامبر (ص) و قرآن کریم اقتباس کرده، کمتر موضوعی است که به اندازه عقیده به مهدی موعود (ع) از قطعیت و سابقه دیرینه برخوردار باشد و از آنجا که معتقد کردن مردم و جامعه نسبت به موضوعی، تنها با چند مورد بیان و گفتار انجام نمی‌گیرد بلکه باید در مناسبت‌های مختلف بطور مکرر به مردم گوشزد شود تا به صورت یک عقیده ریشه‌دار در دلها جای گیرد، روشن می‌شود که معمار اندیشه مهدویت و ظهور حضرت مهدی (عج)

شخص پیامبر اکرم (ص) بوده و ایشان حضرت مهدی (عج) را به عنوان امام و آخرین جانشین خود به مردم معرفی کرده و انتظار فرجش را توصیه کرده است. اکنون شواهد تاریخی پیدایش عقیده به مهدی (عج) را بررسی می‌کنیم. ولید بن محمد موقری می‌گوید: با زهری^(۱) بودم که سر و صدایی به گوشمان رسید، از پنجره به بیرون نگاه کردم، دیدم مردم اطراف سر بریده زید بن علی بن الحسین (ع) اجتماع کرده‌اند، به زهری گفتم: سر زید بن علی را آورده‌اند، او با شنیدن این سخن نشست و گفت:

چه صدمه‌هایی که بر اثر عجله کردن بر این خاندان وارد شده است، چرا آنان زود قیام می‌کنند، روزی خواهد رسید که یک قیام موفق و پیروز توسط «مهدی» آنها انجام پذیرد.^(۲)

البته اعتراض زهری بر زید که علیه ستمگریهای حاکمان زمان خودش به پا خاسته بود، وارد نیست، ولی مهم اشاره او به قیام حضرت مهدی (عج) است که بیانگر قطعیت امامت آن حضرت و قیامش در افکار و عقیده مردم آن دوره است.

استفاده از عنوان «مهدی»

از قرن اول هجری افراد و گروههایی پیدا شدند که لقب «مهدی» را در کاربرد اعتقادی آن، به عنوان یگانه منجی که باید انتظار ظهورش را داشت، در مورد رهبران سیاسی خود به کار می‌بردند و از این عنوان برای رسیدن به مقاصد سیاسی خود سوءاستفاده می‌کردند. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

□ فرقه‌ای معروف به کیسانیه معتقد شدند که بعد از شهادت امام حسین (ع)، امامت به برادرش محمد بن حنفیه منتقل گردید. آنان او را مهدی موعود می‌دانستند و می‌گفتند: او نمرده و در کوه «رَضْوَى» - بین مکه و مدینه - اقامت دارد و بزودی برمی‌گردد و فرمانروای زمین می‌شود.^(۳)

۱ - یکی از علمای اهل سنت در زمان امام سجاد (ع) و امام باقر (ع) بوده است.

۲ - مقاتل الطالبیین، ابی الفرج اصفهانی، ص ۹۷ - ۹۸، چاپ دوم، مؤسسه دارالکتاب للطباعة والنشر قم - ایران.

۳ - کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲ - ۱، ص ۳۲: فرق الشیعه، ابومحمد حسن بن موسی نوبختی، ص ۴۱ - ۴۶، چاپ چهارم

□ عباسیان و حتی بعضی از علویان برای رسیدن به مقاصد سیاسی خود در برابر امویها، در صدد بهره‌برداری از اعتقاد جامعه نسبت به مهدویت برآمدند؛ آنان در اوج مبارزه با امویان با محمد بن عبدالله محض، معروف به نفس زکیه به عنوان اینکه او «مهدی امت» است، بیعت کردند.

عمیر بن فضل می‌گوید: روزی منصور عباسی را به حال انتظار جلو منزل نفس زکیه دیدم. محمد از خانه خارج شد و خواست بر اسبش سوار شود، منصور با احترام تمام او را بر اسب سوار کرد و ایشان رفت. پرسیدم او کیست که این همه احترامش کردی؟ منصور گفت: مگر نمی‌شناسی، او محمد بن عبدالله بن حسن، مهدی ما اهل بیت است. (۱)

عبدالله بن حسن علوی در جمع بنی هاشم سخنرانی کرد و ضمن دعوت آنان به قیام علیه امویها گفت: بیاید با پسر محمد بیعت کنیم، شما می‌دانید که او «مهدی» است. عده‌ای از حاضران گفتند: ابو عبدالله جعفر بن محمد (ع) در این مجلس حضور ندارد، بهتر است او نیز بیاید. بعد از حضور امام صادق (ع) در مجلس، عبدالله بن حسن خطاب به ایشان گفت: شما می‌دانید که بنی امیه با ما چگونه رفتار کردند، نظر ما این است که با این جوان (اشاره به پسرش محمد) به عنوان مهدی بیعت کنیم. حضرت پاسخ داد:

این کار را نکنید، هنوز زمان قیام بحق فرا نرسیده است و اگر منظور تو این است که پسر، مهدی است، بدان که در اشتباهی و او مهدی نیست... (۲)

□ نیرنگ منصور عباسی در بهره‌برداری از اعتقاد جامعه به مهدویت و ظهور ادامه یافت تا اینکه نام فرزندش را مهدی گذاشت تا به مردم بگوید فرزند من همان مهدی است که در انتظارش هستید. (۳)

یکی از غلامان منصور می‌گوید: روزی منصور مرا خواست و گفت: پای منبر محمد

دارامه از صفحه قبل، المطبعة الحیدریه نجف.

۱ - مقاتل الطالبیین، ص ۱۶۱ - ۱۶۲.

۲ - همان، ص ۱۴۱.

۳ - مهدی عباسی بعد از پدرش به خلافت رسید.

بن عبدالله بن حسن بنشین بین چه می گوید: او می گوید: از محمد شنیدم که می گفت: مردم شما شکی ندارید که من مهدی هستم. من این سخن را برای منصور نقل کردم، او گفت: دشمن خدا دروغ می گوید، بلکه مهدی، پسر من است.^(۱)

□ بعد از شهادت امام صادق (ع) گروهی به نام ناووسیه، واژه «مهدی» را در مورد آن حضرت به کار بردند و معتقد شدند که او نمرده و ظهور خواهد کرد و او همان «مهدی موعود» است. آنان برای اثبات عقیده خود این سخن را به دروغ به امام صادق نسبت می دادند که فرمود: اگر کسی به شما گفت من خودم امام صادق (ع) را غسل دادم و کفن نمودم، سخنش را نپذیرید زیرا که صاحب شمشیر من هستم.^(۲)

□ فرقه ای نیز معتقد شدند امام موسی کاظم (ع) نمرده و نخواهد مرد تا زمانی که مالک شرق و غرب زمین شود و او همان «مهدی» است که زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد. اینان گمان داشتند که امام هفتم (ع) از زندان خارج شده و کسی او را ندیده و غایب شده است.^(۳)

حکایت پرسشها

بخشی از پرسشها در مورد امام قائم از امامان علیهم السلام، بیانگر این مطلب است که مهدویت و ظهور و قیام حضرت مهدی (عج)، در فرهنگ مردم نفوذ داشته و از حتمیت برخوردار بوده است. در این زمینه به دو روایت اشاره می کنیم:

۱ - بنا بر نقل امام باقر (ع) خلیفه دوم عمر از حضرت علی (ع) در مورد نام حضرت مهدی (عج) سؤال کرد.

حضرت فرمود:

اسمش را نمی گویم، زیرا حبیبم رسول خدا (ص) با من پیمان بسته که اسمش را نیاورم تا خدا او را برانگیزد...^(۴)

۱ - مقاتل الطالبيين، ص ۱۶۲.

۲ - کلیات فی علم الرجال، جعفر سبحانی، ص ۳۹۸، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

۳ - فرق الشیعه، ص ۹۰.

۴ - ر. ک: درس دوم.

این سؤال بیانگر آن است که خلیفه دوم با موضوع مهدویت آشنا بوده و سؤالش برای کسب اطلاعات بیشتر بوده است.

۲ - اَبی حمزه می گوید: نزد امام صادق (ع) رفتم و عرض کردم:

- آیا صاحب این امر^(۱) تو هستی؟

- نه.

- آیا فرزند شماست؟

- نه.

- آیا او نوه شماست؟

- نه.

- آیا او فرزند نوه شماست؟

- نه.

- پس صاحب این امر کیست؟

- آن که بعد از گذشت زمانی از دسترسی نیافتن مردم به امام ظاهر و آشکار، ظهور می نماید و زمین را از عدل و داد پر می کند، آن سان که از ظلم و جور پر شده است؛ همان گونه که رسول خدا (ص) بعد از گذشت زمانی از بعثت پیامبران، برانگیخته شد.^(۲)

اندیشه مهدویت و ظهور در آینه ادبیات و شعر

قطعیت امامت حضرت مهدی (عج) و قیام او در افکار و اندیشه جامعه اسلامی از صدر اسلام تاکنون، موجب شده که این مسأله وارد جهان ادبیات و شعر شود و شاعران در این زمینه سروده هایی داشته باشند. به عنوان نمونه به دو مورد اشاره می شود:

۱ - دَعْبِل خِزَاعِی اشعاری درباره مصیبت های اهل بیت سرود و آنها را در حضور امام رضا (ع) خواند. او در ضمن اشعارش به امامت حضرت مهدی (عج) و قیام او اشاره کرد:

۱ - منظور، صاحب قیام و به دست گیرنده رهبری جهانی است.

۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۱.

خُرُوجِ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ
 مُيِّزٌ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ وَ يَجْزِي عَلَى النَّعْمَاءِ وَالنَّقَمَاتِ

امید بیرون آمدن امامی را دارم که البته خروج خواهد کرد. - و به نام خدا و برکاتش قیام خواهد نمود. او در میان ما حق و باطل را از همدیگر جدا می نماید. - و مردم را بر نعمتها و کیفرها پاداش می دهد. (نیکوکاران را تشویق و مجرمان را کیفر می دهد)

دعبل می گوید: چون این دو بیت را خواندم، حضرت رضا (ع) بسیار گریست. بعد فرمود: ای خزاعی، روح القدس این دو بیت را بر زیانت جاری کرد؛ می دانی آن امام قائم کیست؟ عرض کردم: ای مولای من، نه. فقط شنیده ام که امامی از میان شما اهل بیت خروج خواهد کرد که زمین را از آلودگی فساد پاک کرده، از عدالت پر خواهد ساخت. حضرت فرمود:

ای دعبل، او «حجت قائم» فرزند حسن است که در غیبتش مورد انتظار مردم است... (۱)

۲ - حافظ، شاعر فارسی زبان در اشعارش به حضرت مهدی (عج) و ظهورش اشاره کرده است:

کجاست صوفی دجال فعل ملحد شکل

بگو بسوز که «مهدی» دین پناه رسید (۲)

و در مورد دیگر این چنین سروده است:

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید

که ز انفس خوشش بوی کسی می آید

از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش

زده ام فـالی و فریادرسی می آید

۱ - کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲ - ۱، ص ۳۷۲.

۲ - دیوان حافظ، به اهتمام ابوالقاسم انجومی شیرازی، ص ۵۸، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ چهارم.

ز آتش وادی ایمن نه منم خرم و بس
 موسی این جا به امید قبسی می آید
 هیچ کس نیست که در کوی تو اش کاری نیست
 هر کس آن جا به طریق هوسی می آید
 کس ندانست که منزلکه مقصود کجاست
 این قدر هست که بانگ جرسی می آید
 جرعه‌یی ده که به میخانه ارباب کرم
 هر حریفی ز پی ملتمنسی می آید
 خبر بلبل این باغ مپرسید که من
 ناله‌یی می شنوم کز قفسی می آید^(۱)

تأمل در نمونه‌های یاد شده، این نتیجه را اثبات می‌کند که امامت حضرت مهدی (عج) در کنار توحید و نبوت و همانند آنها، از سابقه و قطعیت برخوردار بوده و به همان خاطر به صورت یک عقیده عام و فراگیر درآمده است، بگونه‌ای که شیعه و اهل سنت هر دو درباره آن سخن گفته، از آن دفاع نموده‌اند و این خود گویای آن است که امامت حضرت مهدی (عج)، توسط پیامبر اکرم (ص) در متن دین اسلام و در جدول عقاید و معارف اسلامی قرار گرفته است، بلکه به خاطر تأکیدهای فراوان حضرتش در مقایسه با دیگر مسایل اعتقادی اسلام، بعد از توحید و نبوت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

خلاصه

یکی از راههای اثبات امامت حضرت مهدی (عج) بررسی سابقه تاریخی عقیده به امامت آن حضرت است و شواهد زیادی بر سابقه دیرینه این عقیده وجود دارد. به عنوان نمونه، زهری در اعتراض خود به قیام زید می‌گوید: چقدر این اهل بیت عجله دارند، روزی خواهد رسید که مهدی آنها قیام پیروزمندانه‌ای داشته باشد.

تعدادی از گروههای سیاسی از عنوان «مهدی» سوء استفاده کردند، همانند کیسانیه که محمد بن حنفیه را مهدی می‌دانستند و ناووسیه که امام صادق (ع) را مهدی نامیدند و فرقه‌ای که به مهدی بودن امام هفتم معتقد شدند.

عباسیان نیز از عنوان «مهدی» سوء استفاده کردند؛ همانند منصور که پسرش را مهدی نامید و از علویان نیز عبدالله بن حسن فرزندش نفس زکیه را به عنوان مهدی امت معرفی کرد. بخشی از پرسشها در مورد مهدی از امامان (ع) نیز بیانگر حتمیت امامت حضرت مهدی (عج) در فرهنگ مردم آن دوره است.

قطعیت امامت حضرت مهدی (عج) موجب ورود این اندیشه در عالم شعر و ادبیات شد و اشعار دعبل خزاعی و حافظ گویای این مطلب است.

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که امامت حضرت مهدی (عج) توسط شخص پیامبر (ص) بنیانگذاری شده است.

پرسش

۱- چگونه سابقه تاریخی عقیده به امامت حضرت مهدی (عج) دلیل بر امامت آن حضرت است؟

۲- چه گروههایی از عنوان مهدی در جهت اهداف سیاسی خود استفاده کردند؟

۳- چه پرسشهایی از امامان در مورد حضرت مهدی (عج) می‌شد؟

۴- به نمونه‌هایی از نفوذ این عقیده در ادبیات اشاره کنید.

۵- بررسی نمونه‌هایی که ذکر شد ما را به چه نتیجه‌ای می‌رساند؟

امامت حضرت مهدی (عج) (۲) (حضرت مهدی در منابع شیعی)

شکی نیست که اعتقادات، اصلی‌ترین نقش را در سرنوشت انسان یازی می‌کند. نیکبختی یا بدبختی انسان در مرحله اول، در گرو اندیشه و اعتقاد اوست؛ از این رو باید در مسائل اعتقادی به منابع مطمئن و دلایل استوار تکیه کرد.

براساس قرآن و سنت، اهل بیت پیامبر (ص) مرجع رسمی امت بعد از پیامبر (ص) هستند و آنان به اعتراف دوست و دشمن، برترین افراد جامعه از نظر دانش، عبادت، زهد و تقوا بودند و هر کدام در عصر خود همچون ستاره‌ای فروزان در شب تاریک می‌درخشیدند. آنان هر چند از رهبری سیاسی جامعه کنار گذاشته شدند، اما همان عبادت، مناجات، سیره و روش زاهدانه‌شان، یاد و سیره پیامبر (ص) را در فرهنگ جامعه زنده نگه می‌داشت و گفتار و کردارشان نقش مؤثر و عمیقی در هدایت اندیشه و افکار جامعه داشت؛ از این رو انسان می‌تواند با اطمینان و آرامش کامل، اندیشه و اعتقادات خود را براساس گفته‌های آنان شکل دهد.

شیعه این افتخار را دارد که همیشه باورهای دینی و فرهنگ خود را از اهل بیت (ع) اقتباس نموده و در پرتو نور هدایت آنان قدم برمی‌دارد.

بر پژوهشگران حق‌جو، لازم است که درباره امامت حضرت مهدی (عج) به عنوان یک مسأله اعتقادی، به اهل بیت که مرجع رسمی و مطمئن بعد از پیامبر (ص) هستند مراجعه کرده و از سخنانشان در این زمینه بهره گیرند.

روایات اهل بیت (ع) در مورد امامت حضرت مهدی (عج) گوناگون و چند قسم

است؛ بخشی بیانگر تأویل^(۱) و تفسیر آیاتی است که در مورد آن حضرت نازل شده و بخشی به نقل سخنان پیامبر (ص) در مورد حضرت مهدی (عج) مربوط می‌شود؛ پاره‌ای دیگر سخنان خود آن بزرگواران در این زمینه است؛ گرچه آنان تمام علم و دانش خود را از پیامبر (ص) به ارث برده‌اند.

ما در این درس به بررسی روایات اهل بیت (ع) دربارهٔ بخش اول و دوم می‌پردازیم.

الف - روایات مربوط به تفسیر و تأویل آیات

□ ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل می‌کند که در مورد آیه:

«وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»^(۲)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کردار شایسته دارند، وعده می‌دهد که بطور قطع آنان را وارث زمین سازد.

فرمود:

این آیه در مورد قائم (عج) و یارانش نازل شده است.^(۳)

از این سخن استفاده می‌شود که حکمرانی حضرت مهدی (عج) و یارانش در روی زمین، از آن روست که آنان مصداق کامل مؤمن صالحند و در واقع این آیه پیروزی نوعی عقیده و رفتار را اعلام می‌کند.

□ همو از امام صادق (ع) نقل می‌کند که در مورد آیه:

«... فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً»^۴

در نیکیها و اعمال خیر بر یکدیگر پیشی گیرید، هر کجا باشید خداوند همهٔ شما را حاضر می‌کند.

۱ - تأویل در لغت، بازگشت دادن چیزی است. بنابراین هر کار یا سخنی را که به هدف نهایی برسانیم، تأویل نامیده می‌شود. اقتباس از تفسیر نمونه، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۳۲۴.
 ۲ - نور (۲۴)، آیه ۵۵.
 ۳ - غیبت نعمانی، ص ۱۶۰.
 ۴ - بقره (۲)، آیه ۱۴۸.

فرمود:

این آیه در مورد قائم (عج) و یارانش نازل گشته که بدون وعده قبلی یکباره (پیرامون مهدی (عج)) جمع می شوند. (۱)

□ نیز همو می گوید: از امام صادق (ع) در مورد این گفته خداوند سؤال نمودم:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۲)

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه آیینها چیره گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند.

آن حضرت پاسخ داد:

سوگند به خدا، هنوز تاویل این آیه فرود نیامده است. عرض کردم: فدایت شوم، پس کی فرود می آید؟ فرمود: هنگامی که قائم (عج) به خواست خداوند قیام کند، وقتی که او خروج کرد، هیچ کافر و مشرکی نخواهد بود مگر اینکه خروج قائم (عج) برایش ناپسند خواهد بود... (۳)

□ نیز همو می گوید: امام باقر (ع) در مورد این آیه:

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ» (۴)

(پیامبر) بگو: به من خبر دهید که اگر آبهای شما در زمین فرو رود، چه کسی می تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟!

فرمود:

این آیه در مورد قائم (عج) نازل شده و منظور این است که اگر امامتان غایب بود و شما ندانستید او کجاست، چه کسی برای شما امام ظاهر و آشکار می آورد که از اخبار آسمان و

۱ - غیبت نعمانی، ص ۱۶۰.

۲ - صفا (۶۱)، آیه ۹.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۰.

۴ - ملک (۶۷)، آیه ۲۰.

زمین و از حلال و حرام خداوند خبر دهد؟ سپس فرمود: سوگند به خدا، هنوز تاویل این آیه نیامده و بناچار باید بیاید. (۱)

مفاد دو آیه آخرین این است که علی رغم خواست مشرکان و تبهکاران، امور جهان همچنان بر وفق اراده آنان پیش نخواهد رفت و روزی فرا می رسد که آیین محمدی (ص) در پهنه زمین گسترش می یابد و جامعه ای که قرنهای تشنه عدالت و حقیقت بوده، با دسترسی به امام معصوم سیراب گشته و بشر در سایه تعلیمات وی و عمل به گفتار او، به آرمان انسانیت و اهداف آفرینش خود نایل می گردد.

□ همچنین امام باقر (ع) در مورد آیه:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (۲)

در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

فرمود:

آنان یاران مهدی (عج) در آخر زمان هستند. (۳)

□ حضرت علی (ع) درباره آیه شریفه:

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ الْأُورَثِينَ» (۴)

ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.

فرمود:

آنان خاندان محمدند (ص) که بعد از تحمل رنجها و سختیها، خداوند مهدی شان را برمی انگیزد. او آنان را سربلند و سرافراز می نماید و دشمنانشان را خوار و ذلیل می گرداند. (۵)

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۲.

۲ - انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵.

۳ - مجمع البیان، طبرسی، ج ۷-۸، ص ۱۰۶، دارالمعرفه بیروت.

۴ - قصص (۲۸)، آیه ۵.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۴.

از مجموع این دو آیه شریفه استفاده می شود منظور از مستضعفانی که وارث زمین خواهند شد، بندگان صالح خدا هستند و گرنه هر مستضعفی شایسته وراثت نیست و چه بسا برخی از آنان به آتش قهر الهی در جهنم خواهند سوخت.^(۱)

□ صالح بن عقبه می گوید: امام صادق (ع) در مورد آیه:

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ»^(۲)

(آیا معبودهایی که شریک خدا قرار می دهید بهترند) یا کسی که دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد و شما را خلفای زمین قرار می دهد.

فرمود:

این آیه در مورد قائم (عج) نازل شده است. سوگند به خدا، او مضطر است؛ آن هنگام که در مقام ابراهیم (ع) دو رکعت نماز می گزارد و خدا را می خواند و او اجابتش می کند و گرفتاری اش را برطرف کرده، او را خلیفه و جانشین خود در زمین قرار می دهد.^(۳)

آنچه ذکر شد، نمونه های برگزیده ای از روایات در مورد تفسیر و تأویل آیات مربوط به حضرت مهدی (عج) است که بیانگر قطعیت ظهور آن حضرت از دیدگاه قرآن است. خلاصه آنکه اندیشه مهدویت و ظهور، پایه و اساس قرآنی دارد؛ جز اینکه این مسأله همانند بسیاری از مسائل مهم اسلام بطور صریح در قرآن بیان نشده است و تفسیر آیات مربوط به آن، بر عهده پیامبر (ص) و اوصیای آن حضرت نهاده شده است.

ب- روایات اهل بیت (ع) از پیامبر (ص)

□ امام صادق (ع) از پدران گرامی اش از پیامبر (ص) چنین نقل می کند:

امامان بعد از من دوازده نفرند؛ اولین آنان علی بن ابی طالب و آخرینشان قائم (عج) است.

انان جانشینان و اوصیا و دوستان من و حجت های خداوند بر امتم بعد از من هستند...^(۴)

۱- ر. ک: سبأ (۳۴)، آیات ۳۱-۳۳.

۲- نمل (۲۷)، آیه ۶۲.

۳- بخارالانوار، ج ۵۱، ص ۴۸.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲-۱، ص ۲۵۹.

□ در نقل دیگری ایشان از پدران بزرگوارش و از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود:

قائم (عج) از فرزندان من است، نامش نام من، کنیه اش کنیه من و در شمایل (اوصاف و منس) و روش، مانند من است، مردم را بر آیین و شریعتم استوار می گرداند و آنان را به (عمل و رفتار بر طبق) کتاب خدا فرا می خواند، هر کس از او پیروی کند، از من پیروی کرده و هر کس از او سرپیچی نماید از من نافرمانی کرده است، آن که در غیبتش او را انکار نماید، همانا مرا انکار نموده است، هر که او را تکذیب کند، مرا تکذیب کرده و آن که او را تصدیق نماید، مرا تصدیق نموده است. به خدا شکایت می برم از آنان که گفتارم را درباره قائم (عج) تکذیب کرده و منکر می شوند... (۱)

□ امام سجاد از پدران بزرگوارش از پیامبر (ص) این گونه نقل کرده است:

امامان بعد از من دوازده نفرند. ای علی، تو اولین آنان هستی و آخرینشان قائم است؛ همان کسی که خداوند شرق و غرب زمین را به دست او فتح می نماید. (۲)

امام باقر از امام حسین علیهما السلام نقل می کند که فرمود:

من و برادرم (امام حسن) نزد جدم رسول خدا رفتیم، او ما را در آغوش گرفت و بر دامتش نشاند و بوسید؛ سپس فرمود: پدرم فدای دو امام شایسته و صالح باد. خداوند خواست شما از من و از پدر و مادرتان پیدا شوید. ای حسین، خدا خواسته از تو نه امام و پیشوا بیافریند که نهمین آنها قائم (عج) است... (۳)

□ امام رضا (ع) از رسول خدا (ص) چنین روایت می کند:

قیامت بر پا نمی شود تا اینکه قائم ما به اذن خدا قیام کند. هر که از او پیروی کند، نجات می یابد و هر که فرمانش نبرد، زیان می بیند. ای بتدگان خدا، شما را به خدا (برای یاری) به سوی مهدی بشتابید، گرچه روی برفها راه بروید. (۴)

۱ - منتخب الاثر، ص ۱۸۳.

۲ - کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲ - ۱، ص ۲۸۲.

۳ - منتخب الاثر، ص ۹۳.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۵.

□ و در روایتی دیگر از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود:

سوگند به آن که مرا بحق برانگیخت تا بشارت دهنده باشم، همانا قائم از فرزندان من است، او طبق پیمانی که از من دارد، در غیبت فرو می‌رود تا اینکه بیشتر مردم گویند: خداوند به خاندان محمد (ص) نیاز ندارد و گروهی در اصل ولادتش شک نمایند. هر که زمان غیبتش را درک کرد، بر دینش استوار باشد، مبادا شیطان بر او چیره گشته (نسبت به امامت مهدی) در شکش اندازد و از شریعت و دین من خارجش کند... (۱)

نمونه‌های یاد شده هر یک به شکلی بیانگر امامت مهدی (عج) است و نشان می‌دهد که پیامبر و اوصیای آن حضرت، اهتمام خاصی در مطرح نمودن حضرت مهدی (عج) داشتند. امامان (ع) علاوه بر سخنانی که خود درباره امامت آن حضرت بیان کرده‌اند، عنایت خاصی داشتند که سخنان پیامبر (ص) را در مورد حضرت مهدی (عج) برای مردم بازگو کنند تا سخنان آن حضرت به فراموشی سپرده نشود و اگر امت اسلامی بعد از پیامبر (ص) گرفتار تفرقه و انحراف شدند، با انتظار ظهور، بارقه امید در دل‌های آنان زنده گردد و خود را برای ظهور و قیام حضرت مهدی (عج) آماده کنند.

سخنان اهل بیت (ع) در تفسیر آیات و نقل گفتار پیامبر (ص) در مورد امامت حضرت مهدی (عج) دلیل روشن و استواری است که حجت را بر شخص حق جو و بی طرف تمام می‌کند؛ از این رو باید مورد پذیرش امت اسلامی قرار گیرد و تشکیک در این مورد، موجب خروج از صراط مستقیم می‌گردد. ما در زندگی روزمره خود به گفتار اشخاصی ترتیب اثر داده و اعتماد می‌کنیم که شاید تنها راستگو باشند، در حالی که ممکن است از عدالت لازم نیز برخوردار نباشند؛ حال چگونه ممکن است، گفتار کسانی که از مقام عصمت برخوردارند و خداوند جهان آفرین در قرآن به طهارت و پاکی آنها تصریح کرده، (۲) دلیل بر اثبات واقعیت نباشد! تو خود با سرشت پاک خداوندی و وجدان بیدارت داوری کن!

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۸.

۲ - احزاب (۳۳)، آیه ۳۳.

خلاصه

گفتار اهل بیت (ع) به عنوان مرجع رسمی امت بعد از پیامبر(ص)، بهترین و قویترین دلیل بر امامت حضرت مهدی(عج) است.

بخشی از گفتار آنان درباره تفسیر آیات مربوط به حضرت مهدی(عج) است و روشن می‌سازد که در واقع منظور آیاتی که از پیروزی و وراثت مستضعفان و مؤمنان صالح بر روی زمین خبر داده‌اند، حضرت مهدی(عج) و یارانش هستند و لحن آیات بیانگر پیروزی ایمان و عمل صالح در آینده جهان است.

بخش دیگری از گفتار اهل بیت در مقام نقل سخنان پیامبر(ص) در مورد حضرت مهدی(عج) است. این مطلب بیانگر اهتمام آنان به مسأله مهدویت است تا گفتار پیامبر(ص) به فراموشی سپرده نشود. در این روایات، رسول خدا(ص) بطور صریح دوازدهمین جانشین خود را با نام «مهدی» معرفی کرده و تشکیک در امامت آن حضرت را روانداشته است. آن حضرت فرمود، هر کس ظهورش را درک کرد، به سوی او بشتابد.

با توجه به برخورداری اهل بیت(ع) از مقام عصمت، هیچ دلیلی بعد از قرآن برای اثبات امامت حضرت مهدی(عج) به استواری سخنان آن بزرگواران نخواهد بود.

پرسش

- ۱- چرا باید عقاید خود را با عقاید اهل بیت(ع) تطبیق کنیم؟
- ۲- روایات اهل بیت را در مورد آیات مربوط به حضرت مهدی(عج) بنویسید.
- ۳- چه نکته‌هایی از آیات مربوط به حضرت مهدی(عج) استفاده می‌شود؟
- ۴- دو نمونه از روایات اهل بیت(ع) را درباره حضرت مهدی(عج) که از پیامبر(ص) نقل شده بنویسید.

امامت حضرت مهدی (عج) (۳) (حضرت مهدی در منابع شیعی)

ج - گفتار اهل بیت (ع) درباره امامت مهدی (عج)

نام مقدس حضرت مهدی (عج) مشخصات و ویژگیهای او، امامت آن حضرت، ظهور و قیامت و دیگر موضوعات و مسائل مربوط به ایشان در سخنان پیامبر (ص) و اهل بیت گرامی اش انعکاس وسیعی دارد، بگونه‌ای که هر کدام از آن بزرگواران به شکلی این مسأله را مطرح کرده‌اند.

این مطلب بیانگر آن است که از دیدگاه اهل بیت (ع) سعادت و رشد و تکامل جامعه، در گرو انتظار فرج و اعتقاد به ظهور آخرین امام و پیشوای نجات بخش از خاندان پیامبر (ص) است. در درس پیش با نمونه‌هایی از سخنان امامان در تأویل و تفسیر آیات مربوط به حضرت حجت (عج) و نیز روایات نقل شده از پیامبر (ص) آشنا شدیم؛ در این درس به ذکر نمونه‌های دیگری از گفتار اهل بیت (ع) در این زمینه می‌پردازیم:

۱ - امیر مؤمنان (ع)

- کمیل بن زیاد می‌گوید: حضرت علی (ع) دستم را گرفت و به سوی قبرستان کوفه برد. هنگامی که به صحرا رسیدیم، آهی کشید و فرمود:

... آری، هرگز زمین از کسی که به حجت الهی قیام کند خالی نمی‌شود؛ خواه ظاهر باشد و آشکار یا ترسان و پنهان! تا دلایل و نشانه‌های روشن خداوند باطل نگردد، ولی آنها چند نفرند و کجا هستند؟! سوگند به خدا، تعداد آنان کم و ارزش و مقامشان نزد خدا بسیار است...

آنان جانشینان خدا در روی زمین و دعوت کنندگان به دین او هستند.^(۱)

کلام امیر مؤمنان علی (ع) در مورد «حجت ترسان و پنهان خدا» اشاره به امام غایب (عج) است.

- عبدالعظیم حسنی از امام جواد (ع) و از پدران گرامی اش و از امیر مؤمنان (ع) این گونه نقل کرده است:

قائم ما غیبتی طولانی خواهد داشت، شیعیان زمان غیبتش را همانند گله‌ای می‌بینیم که دنبال چراگاه است، ولی آن را نمی‌یابد. آگاه باشید هر کدام از آنان بر دینش ثابت و استوار بماند و به خاطر طول غیبت قائم (ع) دلش سخت نگردد، روز قیامت با من و هم پایه من خواهد بود...^(۲)

۲- لوح حضرت زهرا (ع)

جابر بن عبدالله می‌گوید: برای تبریک ولادت امام حسن (ع) نزد سرورم حضرت فاطمه (ع) رفتم، در دستش صحیفه‌ای از دُر سفید دیدم. عرض کردم: ای بهترین زنان عالم، این صحیفه چیست؟ فرمود:

در این صحیفه نام امامان و پیشوایان از فرزندان من نوشته شده است.

عرض کردم: ممکن است آن را به من دهید تا نگاه کنم؟ فرمود:

ای جابر، اگر اشکال نداشت می‌دادم، اما جز پیامبر (ص) یا وصی اهل بیت او نمی‌تواند به این لوح دست بزند. به تو اجازه می‌دهم که فقط به آن نگاه کنی.

جابر می‌گوید: نگاه کردم دیدم نام پیامبر (ص) و امامان و نام پدر و مادر هر کدام در آن نوشته شده است. مشخصات آخرین امام، عبارت بود از:

ابوالقاسم م ح م د بن حسن، حجت خدا بر آفریدگانش، مادرش کنیزی به نام نرجس است.^(۳)

۱- نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۱۳۹.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲-۱، ص ۲۰۷. حضرت زهرا (ع) در روایت دیگری از رسول خدا (ص) شبیه این مضمون را

نقل کرده است. (ر. ک. منتخب الاثر، ص ۱۱۵).

۳ - امام حسن (ع)

ابو سعید می گوید: امام حسن (ع) خطاب به مردم می فرمود:

... آیا نمی دانید که هر یک از ما بیعت طاغوت زمانش را بر گردن دارد جز قائم،^(۱) همان کسی که روح خدا عیسی بن مریم پشت سرش به نماز می ایستد. از این رو، خداوند ولادتش را پنهان خواهد کرد و شخص او از دیده ها غایب خواهد بود تا اینکه قبل از خروج، بیعت کسی را بر گردن نداشته باشد. او نهمین از فرزندان حسین و فرزند سرور کنیزان است، خداوند عمرش را طولانی می کند، سپس به قدرتش او را در سیمای جوان زیر چهل سال ظاهر می کند تا همه بدانند خداوند بر هر کاری تواناست.^(۲)

۴ - امام حسین (ع)

عبدالرحمان بن ثابت می گوید: امام حسین (ع) فرمود:

دوازده نفر (امام و پیشوا) از ما اهل بیت است، نخستین آنها امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) و آخرین آنها نهمین از فرزندان من و قائم به حق است. خداوند زمین را بعد از مرگش^(۳) توسط او زنده می کند و دین حق را به وسیله او بر تمام دینها چیره می گرداند، گرچه برای مشرکان ناپسند باشد. او غیبتی خواهد داشت که در آن گروهی از دینشان (از عقیده به امامت آن حضرت) برمی گردند و عده ای بر دینشان ثابت و استوار می مانند؛ این گروه (توسط مخالفان) آزار می شوند و به آنان گفته می شود: اگر راست می گوید، این وعده (ظهور مهدی) کی خواهد بود؟ آگاه باشید، آنها که در زمان غیبتش در برابر اذیت و آزار (مخالفان) صبر پیشه کنند (و از عقیده به امامت مهدی (عج) دست برندارند)، همانند کسانی اند که در کنار رسول خدا (ص) یا شمشیر جهاد می کردند.^(۴)

۱ - هر یک از امامان ما در عصر خود در شرایطی زندگی می کردند که طاغوتی رهبری جامعه را به دست داشت، اما وقتی امام غایب (ع) ظهور کند، تمام رهبران فاسد را نابود می کند و خود زمام رهبری جهان را به دست می گیرد؛ از این رو بیعت هیچ فرمانروایی بر گردن آن حضرت نیست.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲.

۳ - در گمراهی مردم مرگ و در هدایتشان حیات و زندگی است.

۴ - منتخب الاثر، ص ۲۰۵.

۵- امام سجاد (ع)

سعید بن جبیر می‌گوید: امام زین العابدین (ع) فرمود:

ولادت قائم ما از مردم پوشیده می‌ماند، بگونه‌ای که تعدادی از مردم می‌گویند: هنوز متولد نشده است و آن (غیبت قائم و پوشیده بودن ولادتش) برای این است که وقتی ظهور کرد، بیعت هیچ طاغوتی را برگردن نداشته باشد.^(۱)

۶- امام محمد باقر (ع)

محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر (ع) شنیدم که فرمود:

قائم ما (عج) با (ایجاد) بیم و هراس (در دل دشمنانش) یاری می‌شود، به پیروزی تأیید می‌گردد... شعاع سلطنت و حکومتش به شرق و غرب زمین می‌رسد، خداوند به وسیله او دینش را بر تمام دینها پیروز می‌کند، گرچه برای مشرکان ناپسند باشد، خرابیها از روی زمین برچیده شده و همه جا آباد شود، روح خدا عیسی بن مریم (ع) فرود آمده و پشت سرش نماز می‌گذارد...^(۲)

۷- امام صادق (ع)

مسعده می‌گوید: نزد امام صادق (ع) بودم که پیرمرد قد خمیده‌ای با عصا وارد شد و به آن حضرت سلام کرد. سپس دستش را بوسید و گریه کرد. امام صادق (ع) فرمود: پیرمرد چه چیز باعث گریه‌ات شد؟ او عرض کرد: فدایت شوم ای پسر رسول خدا (ص)، صد سال است که در انتظار قائم شما هستم؛ با خودم می‌گویم این ماه ظهور می‌کند، امسال می‌آید، اما سنم بالا رفته و اجلم نزدیک شده و می‌بینم برای شما اهل بیت حوادث ناخوشایندی رخ می‌دهد، یا کشته می‌شوید یا تبعید و آواره می‌گردید ولی دشمنانتان غالب و پیروزند؛ بنابراین چرا گریه نکنم.

مسعده می‌گوید: با شنیدن سخنان او چشمان امام صادق (ع) پر از اشک شد و فرمود:

۱- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۵.

۲- منتخب‌الانوار، ص ۲۹۲.

ای پیرمرد، اگر خداوند به تو عمری دهد که قائم ما را ببینی، در بهشت برین با ما خواهی بود و اگر قبل از آن مرگت رسید، روز قیامت با خاندان محمد (ص) محشور خواهی شد... ای پیرمرد، قائم ما، فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی است و موسی فرزند من است، ما دوازده نفر همه پاک و معصومیم... ای پیرمرد، سوگند به خدا، اگر از دنیا فقط یک روز مانده باشد، خداوند آن را طولانی می‌کند تا قائم ما اهل بیت خروج نماید... (۱)

۸- امام موسی کاظم (ع)

یونس بن عبدالرحمان می‌گوید: نزد امام موسی کاظم (ع) رفتم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، آیا قائم به حق تو هستی؟ فرمود:

من قائم به حقم، لیکن آن قائمی که زمین را از لوث وجود دشمنان خدا پاک می‌کند و آن را از عدل و داد پر می‌نماید، آن سان که از ظلم و جور پر شده است، پنجمین از فرزندان من است که غیبتی طولانی خواهد داشت... (۲)

۹- امام رضا (ع)

رئان بن صلت می‌گوید: به امام رضا (ع) عرض کردم: آیا صاحب این امر تو هستی؟ فرمود:

من صاحب امر هستم، اما آن کس نیستم که زمین را از عدل و داد پر می‌کند آن گونه که از ستم پر شده است؛ چگونه من همو باشم باضعفی که در اندامم مشاهده می‌کنی، در حالی که وقتی قائم خروج کند، در سن پیرمردان و در سیمای جوانان است، بدنی نیرومند دارد، بگونه‌ای که قویترین درخت را می‌تواند با دست از زمین بزرکند... او چهارمین از فرزندان من است، خداوند او را از دیده‌ها می‌پوشاند تا روزی که آشکار شده، زمین را از عدل و داد پر کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است. (۳)

۱۰- امام جواد (ع)

عبدالعظیم حسنی گوید: به امام جواد (ع) عرض کردم: امیدوارم قائم خاندان

۱- منتخب الاثر، ص ۲۵۴.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱.

۳- منتخب الاثر، ص ۲۲۱.

محمد (ص) شما باشی، همان کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن سان که از ظلم و جور پر شده است. فرمود:

ای ابوالقاسم، همه ما (امامان) قائم به امر خدا و هدایتگر مردم به سوی دینش هستیم، لیکن آن قائمی که خداوند توسط او زمین را از لوث وجود کافران پاک می‌گرداند و از عدل و داد پر می‌نماید، کسی است که ولادتش از مردم پوشیده می‌ماند و شخص او از دیده‌ها پنهان می‌شود و بر مردم حرام است نام (مخصوص) او را ببرند، او همنام و هم‌کنیه رسول خداست... (۱)

۱۱ - امام هادی (ع)

آبی دُلف می‌گوید؛ از امام علی‌التقی (ع) شنیدم که فرمود:

امام و پیشوای بعد از من فرزندم حسن است و بعد او فرزندش قائم (عج) است، همان کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند آن گونه که از ظلم و جور پر شده است. (۲)

۱۲ - امام عسکری (ع)

موسی بغدادی می‌گوید: از امام حسن عسکری (ع) شنیدم که فرمود:

گویا شما را می‌بینم که در مورد جانشین بعد از من اختلاف دارید. آگاه باشید هر که به امامان بعد از رسول خدا عقیده‌مند باشد، ولی امامت فرزندم را انکار نماید، همانند این است که به نبوت تمام پیامبران و رسولان اقرار کند و منکر نبوت رسول خدا باشد (چنین فردی در حقیقت منکر همه پیامبران است): زیرا پیروی از آخرین امام، مانند پیروی از اولین امام است و آن که آخرین امام را انکار نماید، همانند این است که اولین امام را منکر شده است. آگاه باشید، فرزندم غیبتی خواهد داشت که مردم در آن (نسبت به امامتش) به شک می‌افتند، جز آنها که خداوند حفظشان کند. (۳)

گفتنی است که روایات اهل بیت (ع) در زمینه امامت حضرت مهدی (عج) فراوان و بیش از حد شمارش است؛ آنچه ذکر شد، نمونه‌ای مختصر، گویا، صریح و روشن است

۱ - منتخب الاثر، ص ۲۸۶.

۲ - همان، ص ۲۲۵.

۳ - همان، ص ۲۲۶.

و تأمل در آنها این مطلب را اثبات می‌کند که امامان (ع) عنایت خاصی داشتند که امامت حضرت مهدی (عج) در جامعه مطرح شود تا خاتمیت وصایت را اعلام کنند، آنان همچنین از فتنه‌هایی که ممکن است دامنگیر مردم زمان غیبت شود، خبر داده‌اند تا آنان هشیار گردند و فریب شیاطین جن و انس را نخورده و در امامت امام غایب (عج) تشکیک ننمایند. از این رو هر بار که شیعه‌ای به امام زمان خویش مراجعه و از ظهور حضرت مهدی (عج) سؤال می‌کرد، آن امام با دلداری او و بیان مطالبی در مورد آن حضرت موجب آرامش وی می‌گردید و روحیه امید و انتظار را در وجود او تقویت می‌کرد و با عبارات گوناگون، بر حتمیت و قطعیت ظهور حضرت حجت (ع) تأکید می‌کرد. تمام سؤال و جوابها حکایت از این دارد که شیعه علی‌رغم فشارهای دستگاه حاکمه بر امامان، همچنان در انتظار ظهور روزشماری می‌کرده و این خود قطعیت مسأله مهدویت و ظهور را در فرهنگ و افکار مردم نشان می‌دهد.

در بیشتر روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) بر این مطلب تأکید شده که گسترش عدل و داد در روی زمین، پس از ظهور آن حضرت است؛ همان چیزی که جامعه بشری همیشه تشنه آن بوده و تبهکاران و ستمکاران، تنها شعار آن را سر داده‌اند. امامان (ع) با تأکید بر اینکه عدل و داد توسط حضرت مهدی (عج) در پهنه گیتی مستقر خواهد شد، به ما گوشزد کرده‌اند که انتظار عدالت از تبهکاران، پیهوده است و شعاری که آنان در این زمینه سر می‌دهند، فریب و سرابی بیش نیست؛ چگونه ممکن است غیر عادل، عدالت پیشه کند و فاسد و تبهکار، صلاح و درستی را در جامعه گسترش دهد!

هر انسانی بطور طبیعی به مقتضای ذات و صفاتش عمل می‌کند، پس عدالت را باید از صالحان انتظار داشت. استقرار عدل و داد در تمام گیتی از کسی غیر از امام عصر (عج) ساخته نیست و تواناییهای روحی‌ای که خداوند در وجود آن حضرت نهاده، در حدی است که می‌تواند رهبری جهان را به دست گرفته، عدالت را در تمام گیتی گسترش دهد و چه بسا مردم جهان نیز طی قرن‌ها تجربه به این مطلب برسند که تحقق عدالت واقعی جز از یک رهبر الهی بر نمی‌آید که این خود موجب سرخوردگی آنان از رهبران فاسدشان گردیده، از روی اضطراب و بیچارگی دست به سوی آسمان دراز کنند و از خداوند استمداد جویند و این خود گامی دیگر در تحقق شرایط ظهور باشد.

خلاصه

هر کدام از امامان (ع) بگونه‌ای موضوع مهدویت را مطرح کرده‌اند؛ حضرت امیر (ع) فرمود: خداوند همیشه در روی زمین حجتی دارد خواه ظاهر باشد یا ترسان و پنهان، چنان که جابر نقل کرده که نام حضرت مهدی (عج) و پدر و مادرش در لوح حضرت زهرا (ع) ثبت شده است. بعضی دیگر از امامان درباره راز غیبتش گفته‌اند: برای اینکه بیعت هیچ طاغوتی را بر گردن نداشته باشد. در این زمینه آنان، شیعه را به صبر و استقامت در برابر مخالفان سفارش کرده‌اند. برخی از ائمه (ع) در پاسخ این سؤال که آیا شما قائم به حق هستید؟ می‌فرمودند: ما قائم به حق هستیم اما آن کس که عدل و داد را در جهان گسترش می‌دهد، دوازدهمین جانشین پیامبر (ص) است.

تأمل در گفتار اهل بیت و سؤالهایی که از آنان می‌شد، این نتیجه را می‌دهد که مهدویت و ظهور برای مردم بعد از صدر اسلام یک مسأله قطعی بوده است و امامان نیز با تأیید حتمیت آن و بیان مطالبی درباره حضرت مهدی (عج) موجب آرامش و تقویت روحیه شیعیان می‌شدند. در بیشتر روایات به مسأله گسترش عدل و داد توسط حضرت مهدی (عج) اشاره شده و این مطلب را می‌رساند که فقط باید از صالحان انتظار عدالت داشت و چه بسا مردم جهان نیز سرانجام به این مطلب برسند که تحقق عدالت واقعی فقط از رهبران الهی امکان‌پذیر است و این موجب شود که آنان در این زمینه از خداوند استمداد جویند و این خود از شرایط ظهور باشد.

پرسش

- ۱ - یک نمونه از سخنان حضرت امیر (ع) را درباره حضرت مهدی (عج) بنویسید.
- ۲ - جابر در مورد لوح حضرت زهرا (ع) چه گفت؟
- ۳ - شیوه اهل بیت در طرح مهدویت و ظهور چگونه بود؟
- ۴ - از اشاره روایات به گسترش عدل و داد توسط حضرت مهدی (عج) چه استفاده‌ای می‌شود؟

امامت حضرت مهدی (عج) (ع) (حضرت مهدی در منابع اهل سنت)

اهل سنت در کتابهای روایی خود، روایات فراوانی درباره امامت حضرت مهدی (عج) از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند و حتی بعضی از دانشمندان آنها کتاب مستقلی در این موضوع نگاشته‌اند.

مضمون روایات اهل سنت درباره حضرت مهدی (عج) چند قسم است و در آنها از زوایای مختلفی به این مسأله پرداخته شده است. ما در این درس به بررسی چند بخش از آنها می‌پردازیم:

الف - پیامبر (ص) و دوازده جانشین

□ جابر بن سمره می‌گوید: از پیامبر (ص) شنیدم که فرمود:

(بعد از من) دوازده امیر خواهند بود و سخنی فرمود که من آن را نشنیدم؛ پدرم گفت، فرمود:
همه آنان از قریشند.^(۱)

□ همو می‌گوید: از پیامبر (ص) شنیدم که فرمود:

این دین تا روز قیامت همواره برپاست و دوازده خلیفه بر مردم خواهد بود که همگی از قریشند.^(۲)

۱ - صحیح بخاری، ج ۷ - ۹، ص ۷۲۹، دارالقلم بیروت.

۲ - ینابیع المودة، شیخ سلیمان قندوزی حنفی، ج ۳ - ۱، جزء سوم، ص ۱۰۴، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات بیروت.

□ عبدالله بن مسعود می گوید: از پیامبر (ص) سؤال کردیم (بعده از شما) چند خلیفه فرمانروای این امت خواهند شد؟ فرمود:

دوازده نفر به تعداد نقبای* بنی اسرائیل.^(۱)

این گونه احادیث که در منابع اهل سنت به تعداد زیاد ذکر شده،^(۲) بیانگر این است که پیامبر (ص) جانشینان خود را با دو ویژگی کلی معرفی کرده است:

۱ - تعدادشان دوازده نفر است.

۲ - همه آنان از قبیله قریشند.

با چشم پوشی از دیگر سخنان آن حضرت^(۳) در مورد جانشینان خود، ویژگیهای یاد شده جز بر امامان شیعه قابل انطباق نیست و اهل سنت می دانند که شیعه امامیه به جانشینی دوازده امام بعد از پیامبر (ص) معتقد است که اول آنان حضرت علی بن ابی طالب و آخرشان حضرت مهدی (عج) است. اگر مراد آن حضرت کسانی از اصحابش باشند که بعد از او به خلافت رسیدند، تعدادشان به دوازده نفر نمی رسد و اگر خلفای اموی را به آنها اضافه کنیم، تعدادشان بیش از دوازده نفر می شود، علاوه بر اینکه لیاقت و شایستگی برای جانشینی پیامبر (ص) را نیز نداشتند. آری با توجه به معیارها و شرایطی که در قرآن و روایات برای زمامدار جامعه اسلامی بیان شده، چگونه ممکن است معاویه و یزیدی که آن همه جنایت مرتکب شدند و در برابر حکومت حقه امیرمؤمنان و دو فرزندش امام حسن و امام حسین علیهما السلام ایستادند و آنان را به شهادت رساندند و دستشان به خون هزاران انسان حق جوی دیگر آلوده است، از سوی پیامبر (ص) به جانشینی وی معرفی شوند؟! دیگر خلفای بنی امیه و بنی عباس نیز دست

«ارامه از صفحه قبل» همان مدرک ظاهراً روایت اول هم هست که در عبارت آخر آن به جای قریش بنی هاشم ذکر شده است.

* خداوند در سوره مائده (۵)، آیه ۱۲، می فرماید: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا» خداوند

از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آنها دوازده نقیب (سرپرست) برانگیختیم.

۱ - ینابیع الموده، ج ۱ - ۳، جزء سوم، ص ۱۰۵.

۲ - ر. ک. المنتخب الاثر، ص ۱۰ - ۱۴.

۳ - همانند حدیث ثقلین، منزلت و حدیث سفینه.

کمی از آنان نداشتند و هر کدام بگونه‌ای پرونده‌ای سیاه و ننگین داشتند. با توجه به این مطالب، آیا می‌توان پذیرفت که خلفای اموی به منزلهٔ نقبای بنی اسرائیل باشند!!^(۱)

ب - «مهدی» نام دوازدهمین جانشین پیامبر (ص)

□ ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر (ص) فرمود:

جانشینان و اوصیای من و حجت‌های خدا بر آفریدگانش بعد از من، دوازده نفرند؛ اولین آنها علی و آخرین آنها فرزندان مهدی است، روح خدا عیسی بن مریم فرود آمده و پشت سر مهدی نماز می‌گزارد و زمین به نور پروردگارش روشن و تابناک می‌گردد و (شعاع) سلطنت و حکومتش شرق و غرب زمین را فرا می‌گیرد.^(۲)

□ همو می‌گوید پیامبر (ص) فرمود:

من آقای پیامبران هستم و علی بن ابی طالب سرور اوصیاست؛ اوصیای من دوازده نفرند؛ اولین آنها علی بن ابی طالب و آخرین آنها مهدی (عج) است.^(۳)

ج - «مهدی» از اهل بیت و عترت پیامبر (ص)

□ ام سلمه می‌گوید: از پیامبر شنیدم که فرمود:

مهدی از عترت من است.^(۴)

□ ابوسعید خدری می‌گوید: پیامبر (ص) فرمود:

۱ - گفتنی است آنچه در ذیل حدیث بخاری آمد که پیامبر (ص) آهسته فرمود: همگی آن دوازده نفر از قریشند، نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا آن حضرت هیچ‌گونه خوفی از اعلام قرشی بودن خلفایش نداشت تا آن را آهسته بیان کند و می‌بایست صحیح همان باشد که در نقل ینابیع الموده آمده که پیامبر (ص) فرمود: همه آنها از بنی‌هاشمند؛ زیرا آن حضرت می‌دانست خلافت بنی‌هاشم برای قریش ناخوشایند است به همین جهت از اعلام خلافت و ولایت علی (ع) به دستور الهی در روز غدیر نیز بی‌مناک بود.
ر. ک. ینابیع الموده، ج ۳ - ۱، جزء سوم، ص ۱۰۵ - ۱۰۶؛ پاورقی منتخب‌الانتر، ص ۱۴ - ۲۳.

۲ - ینابیع الموده، ج ۳ - ۱، جزء سوم، ص ۱۰۸.

۳ - همان.

۴ - عقدالدرر فی أخبار المنتظر، یوسف بن یحیی شافعی سلمی، ص ۱۵، مکتبه عالم‌الفکر، چاپ اول.

قیامت بر پا نمی‌شود تا اینکه زمین از ظلم و ستم و دشمنی پر گردد، سپس مردی از عترت یا اهل بیت^(۱) خروج می‌کند و آن را از عدل و داد پر می‌کند.^(۲)

د - «مهدی» از اولاد علی و فاطمه علیهما السلام

□ ابن عباس از پیامبر (ص) این گونه نقل کرده است:

علی بن ابی طالب پیشوای امت و جانشین بعد از من در میان آنهاست و «قائم منتظر» از فرزندان اوست، زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن گونه که از ظلم و جور پر شده است.^(۳)

از طریق اهل سنت از امیر مؤمنان علی (ع) نقل شده است که فرمود:

اگر از عمر جهان چیزی روز باقی نمانده باشد، خداوند مردی از اهل بیت را برمی‌انگیزد تا زمین را از عدل و داد پر نماید، آن سان که از ظلم و ستم پر شده است.^(۴)

□ ام سلمه از پیامبر (ص) نقل می‌کند که فرمود:

مهدی از فرزندان فاطمه است.^(۵)

□ ابو ایوب انصاری می‌گوید: پیامبر (ص) به فاطمه (س) فرمود:

بهترین پیامبران از ماست و او پدر توست، برترین اوصیا از خاندان ماست و او شوهر توست، بهترین شهیدان از تبار ماست و او حمزه عموی پدرت می‌باشد، و از خاندان ماست آن که در بهشت با دو بال پرواز می‌نماید و او پسر عموی توست، از ما هستند دو آقای جوانان اهل بهشت، حسن و حسین که فرزندان تو اند و از ماست مهدی.^(۶)

۱ - ممکن است تردید از راوی باشد .

۲ - مسند احمد حنبل ، ج ۳ ، ص ۳۶ ، دارالفکر ، این گونه روایات هاشمی بودن حضرت مهدی (عج) را نیز اثبات می‌کند .

۳ - ینابیع الموده ، ج ۳ - ۱ ، جزء سوم ، ص ۱۰۹ .

۴ - عقد الدرر فی أخبار المنتظر ، ص ۱۸ .

۵ - همان ، ص ۲۱ ؛ المستدرک الوسایل علی الصحیحین ، حاکم نیشابوری ، ج ۴ ، ص ۵۵۷ ، کتاب الفتن ، دارالفکر بیروت .

۶ - عقد الدرر فی أخبار المنتظر ، ص ۲۵ .

هـ- «مهدی» از فرزندان امام حسین (ع)

□ حذیفه می گوید: پیامبر (ص) فرمود:

اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند در آن روز مردی را برمی انگیزد که همانام من است... مردم در بین رکن و مقام با او بیعت می کنند، خداوند به وسیله او دین را (به حال اولش) برمی گرداند و فتوحات زیادی خواهد داشت، بگونه ای که در روی زمین کسی باقی نمی ماند، جز اینکه «لااله الا الله» می گوید.

سلمان فارسی از جا برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا، او از کدامین فرزندان است؟ پیامبر (ص) دستش را بر دوش حسین زد و فرمود:
از فرزندان این پسر است.^(۱)

□ سلمان فارسی می گوید: بر پیامبر (ص) وارد شدم، دیدم امام حسین (ع) را بغل کرده و چشمان و دهانش را می بوسد و می فرماید:

تو آقا فرزند آقایی، امام فرزند امام و برادر امامی، تو حجت فرزند حجت برادر حجتی و پدر نه حجت الهی هستی که نهمین آنها «مهدی» قائم است.^(۲)

تأمل در احادیث یاد شده و حدیث ثقلین^(۳) که در آن پیامبر (ص) عترت خود را در کنار قرآن به عنوان پناهگاه و مرجع امت معرفی کرده است، ما را به این نتیجه می رساند که حضرت مهدی (عج) آخرین امام از عترت و خاندان پیامبر است و پیامبر (ص) در معرفی آن حضرت چنان دقیق و مشخص عمل کرده که جای هیچ شک و شبهه ای نسبت به امامت حضرتش باقی نگذاشته است. کثرت روایاتی که از پیامبر (ص) در مورد حضرت مهدی (ع) نقل شده، موجب گشته که بعضی از علمای اهل سنت همانند صاحب کتاب «عقد الدرر فی أخبار المنتظر» کتاب جداگانه و مستقلی را درباره حضرت مهدی (ع) به

۱ - عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۳۱ - ۳۲.

۲ - ینابیع الموده، ج ۳ - ۱، ص ۱۰۵؛ مؤلف ینابیع الموده می نویسد: این حدیث را حموی بنی شافعی و موفق بن احمد خوارزمی نیز ذکر کرده اند.

۳ - ر. ک. مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۱۴، ۱۷، ۲۶، ۵۹.

رشته تحریر درآورند و عده زیادی از آنان نیز اعتراف کرده‌اند که حضرت مهدی (ع) فرزند حسن بن علی (ع) است و متولد شده،^(۱) در غیبت به سر می‌برد. بعضی از علمای شیعه نام ۶۶ نفر از آنان را در کتابهای خود جمع کرده^(۲) و نوشته‌اند. از جمله آنان محی‌الدین ابن عربی را ذکر کرده‌اند که درباره حضرت مهدی (ع) گفته است:

بدانید که ناچار مهدی خروج خواهد کرد اما خارج نمی‌شود تا زمین از ظلم و جور پر شود پس مهدی آن را از عدل و داد پر می‌کند و او از عترت پیامبر از فرزندان فاطمه است، در سیره و اخلاق شبیه پیامبر است، همنام رسول خداست، مسلمانها بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند، مال را بطور مساوی تقسیم می‌کند، در میان رعیت به عدل رفتار می‌کند، با قضاوتش به نزاع و خصومتها پایان می‌دهد... خداوند کار او را در یک شب اصلاح می‌کند، پیروزی، پیشاپیش او در حرکت است، از روش رسول خدا پیروی می‌کند، خطا و اشتباه نداشته و فرشته‌ای او را تأیید و تثبیت می‌نماید...^(۳)

۱ - بر خلاف بعضی از آنها که معتقدند حضرت مهدی (ع) هنوز متولد نشده است .

۲ - ر . ک . منتخب الاثر ، ص ۳۲۲ - ۳۴۱ ؛ المهدي الموعود المنتظر ، شیخ نجم‌الدین جعفر بن محمد عسکری ، ص ۱۸۲ - ۲۲۶ ، مؤسسة الامام الهادی .

۳ - الفتوحات المکیه ، محی‌الدین معروف به ابن عربی حاتمی ، ج ۲ ، ص ۳۲۷ ، دار صادر بیروت .

خلاصه

مضمون روایات اهل سنت درباره حضرت مهدی (عج) چند قسم است. در بعضی از آنها آمده است که پیامبر (ص) فرمود: جانشینان من دوازده نفر به تعداد نقبای بنی اسرائیل هستند که همگی از قریش و از بنی هاشمند.

با چشم پوشی از دیگر سخنان آن حضرت در مورد خلفای بعد از خود، ویژگیهای یاد شده در این روایات، جز بر امامان شیعه قابل انطباق نیست، زیرا افرادی که بعد از پیامبر (ص) به خلافت رسیدند، بیش از دوازده نفر می‌شوند. علاوه بر اینکه خلفای اموی به خاطر ظلم و جنایت فراوان شایستگی خلافت از پیامبر را نداشتند.

بخشی دیگر از روایات اهل سنت نام دوازدهمین جانشین پیامبر را حضرت مهدی (عج) ذکر می‌کند، چنانچه بخشی دیگر از آنها حاکی است که حضرت مهدی (ع) از عترت و اهل بیت پیامبر (ص) و از اولاد علی و فاطمه (علیهما السلام) و از فرزندان امام حسین (ع) است. با توجه به حدیث ثقلین روشن می‌شود که حضرت مهدی (عج) آخرین امام از خاندان پیامبر (ص) است. کثرت روایاتی که از پیامبر (ص) نقل شده موجب گشته که بعضی از علمای اهل سنت کتاب مستقلی درباره حضرت مهدی (ع) بنویسند و عده زیادی از آنان نیز به وجود آن حضرت و تولدش اعتراف کنند که بعضی از علمای شیعه نام ۶۶ نفر از آنان را جمع‌آوری کرده‌اند.

پرسش

- ۱- بخش اول از روایات اهل سنت چه ویژگی‌هایی را برای خلفای پیامبر (ص) بیان می‌کند؟
- ۲- ویژگی‌های یاد شده در روایات بر چه کسانی منطبق است؟
- ۳- مضمون بخش سوم و چهارم از روایات اهل سنت را در مورد حضرت مهدی (عج) بیان کنید.
- ۴- با توجه به آن احادیث و حدیث ثقلین چه نتیجه‌ای گرفته می‌شود؟

امامت حضرت مهدی (عج) (۵) (حضرت مهدی در منابع اهل سنت)

و - فرود حضرت عیسی از آسمان و یاری حضرت مهدی (عج)

□ ابوهریره گوید: پیامبر (ص) فرمود:

چگونه خواهید بود وقتی که فرزند مریم در میانتان فرود آید و امامتان از خودتان باشد. (۱)

□ حدیقه از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود:

مهدی متوجه می شود که عیسی بن مریم فرود آمده، گویا از موهایش آب می ریزد، پس مهدی به او می گوید: (ای عیسی) پیشقدم شو و با مردم نماز بخوان، عیسی (ع) پاسخ می دهد: نماز برای شما برپا شده (امروزه شما امام مردم هستی) پس عیسی (ع) پشت سر مردی از فرزندانم نماز می گذارد، وقتی نماز به پایان می رسد، عیسی (ع) با مهدی (عج) بیعت می کند. (۲)

بیعت حضرت عیسی (ع) با حضرت مهدی (عج) به معنای پذیرفتن رهبری اوست و فرودش از آسمان برای این است که حضرت مهدی (عج) را یاری کند و جهان مسیحیت را به بیعت آن حضرت فرا خواند. همچنین نزولش از آسمان و اقتدایش به حضرت مهدی (عج) در نماز، این معنی را می رساند که هدف نهایی مردان الهی پرستش و بندگی

۱ - صحیح مسلم، ج ۲ - ۱، جزء اول، باب نزول عیسی بن مریم، ص ۹۴، دارالمعرفه بیروت.

۲ - عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۲۲۹ - ۲۳۰.

خداست و حضرت عیسی (ع) به کمک حضرت مهدی (عج) می‌شناید تا با برچیده شدن بساط ظلم و ستم، جامعه به سوی عبودیت و بندگی خدا سوق داده شود؛ زیرا کمال واقعی انسان در سایه پرستش و بندگی خداوند است.

ابو امامه باهلی می‌گوید: پیامبر (ص) بعد از بیان ظهور حضرت مهدی (عج) و فرود عیسی بن مریم (ع) و دادگری او فرمود:

«وَمَمْلَأُ الْأَرْضَ مِنَ السَّلَامِ كَمَا مَمْلَأُ الْأَنْهَارُ مِنَ الْمَاءِ وَ تَكُونُ الْكَلِمَةُ وَاحِدَةً، فَلَا يُعْبَدُ إِلَّا اللَّهُ وَ تَضَعُ الْحُزْبُ أَوْزَارَهَا...»

زمین سرشار از صلح و صفا می‌شود آن گونه که ظرف از آب پر می‌گردد، اتحاد کلمه و وحدت در میان مردم برقرار شده، فقط خداوند مورد پرستش قرار می‌گیرد و جنگ فرو می‌نشیند... (۱)

ز - آخرالزمان و فشارهای حوادث

دسته دیگر روایاتی است که از پریشانی حال و فشارهای حوادث بر مردم آخر زمان خبر می‌دهد و اینکه با ظهور حضرت مهدی (عج) همه آنها رفع شده، در امور مردم گشایش حاصل می‌شود و آنان از برکات زمین و آسمان بهره‌مند می‌گردند.

□ ابو سعید خُدَری می‌گوید: پیامبر (ص) فرمود:

در آخرالزمان سختیهای زیادی بر امت از ناحیه سلاطینشان وارد می‌شود، بگونه‌ای که بلایی شدیدتر از آن شنیده نشده باشد، تا اینکه زمین با همه وسعتش بر آنان تنگ آید و از ظلم و جور پر شود، مؤمن جایی نیابد که از ظلم و ستم بدانجا پناه ببرد در آن هنگام خداوند مردی از عترتم را برمی‌انگیزد، او زمین را از عدل و داد پر می‌کند آن سان که از ظلم و جور پر شده است، اهل آسمان و زمین از او خشنود می‌شوند، همه گونه گیاه از زمین می‌روید و باران بطور فراوان از آسمان خواهد بارید... (۲)

□ همو نقل می‌کند که پیامبر (ص) فرمود:

۱ - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۲، دار احیاء التراث العربی.

۲ - عقدا الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۱۴۱.

در آخر امتم (آخرالزمان) مهدی خروج می‌کند، خداوند باران را فرود می‌آورد، زمین انواع گیاهان را می‌رویاند و مهدی (عج) مال و ثروت را با رعایت تساوی در بین مردم تقسیم می‌نماید.^(۱)

از این گونه روایات استفاده می‌شود که بعد از ظهور حضرت مهدی (عج)، علاوه بر استقرار عدالت اجتماعی و نایل شدن مردم به حقوق خود، موانع نزول رحمت الهی رفع شده و مردم از برکات زمین و آسمان بهره‌مند خواهند شد؛ زیرا از دیدگاه توحیدی گناهان مردم از جمله عواملی است که موجب سلب برکات و منع خیرات آسمانی می‌گردد و هر گناهی که واقع می‌شود، همان گونه که اثر منفی بر حیات اخروی انسان دارد، آثار سوئی نیز بر زندگی دنیوی و معیشت مردم بر جا می‌گذارد و با ظهور حضرت مهدی (عج) و برچیده شدن بساط گناه و سوق مردم به سوی بندگی خدا، هر گونه مانع از بین رفته و انسان در بعد معنوی و مادی به تکامل می‌رسد. او در آن روز لذت واقعی زندگی را خواهد چشید.

ح - ظلم به اهل بیت (ع) پس از رحلت پیامبر (ص)

دسته دیگری از روایات موجود در منابع اهل سنت بیانگر آن است که اهل بیت پیامبر بعد از او، مورد تعدی و ظلم قرار می‌گیرند و با خروج حضرت مهدی (عج) مردم به منزلت و جایگاه ائمه (ع) پی می‌برند و اهل بیت (ع) پیروان زیادی پیدا کرده، دشمنانشان خوار می‌گردند.

□ شخصی به نام عبدالله می‌گوید: نزد رسول خدا (ص) بودیم که عده‌ای از جوانان بنی‌هاشم آمدند، پیامبر (ص) با مشاهده آنان، چشمانش پر از اشک شده و رنگ رخسارش دگرگون شد. گفتم: ای رسول خدا، در چهره شما آثار ناخوشایندی می‌بینم؛ فرمود:

ما اهل بیته هستیم که خداوند عوض دنیا آخرت را برای ما برگزیده است و اهل بیتم بعد از من دچار بلا، تبعید، آوارگی و سختی می‌شوند تا وقتی که گروهی از ناحیه مشرق زمین با

پرچمهای سیاه بیایند و خیر و نیکی^(۱) را بطلبند ولی به آنها داده نشود، آنان به مبارزه ادامه داده و پیروز می‌شوند. در آن شرایط خواسته آنان مورد پذیرش قرار می‌گیرد (به رهبری و حکومت آنها تن می‌دهند) اما آنان نمی‌پذیرند تا اینکه آن (حکومت) را به مردمی از اهل بیت تسلیم می‌نمایند و او زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن گونه که از ظلم و جور پر شده است، هر کس آن زمان را درک کرد، به آنها پیوندد و نزد آنان رود، گرچه سینه خیز روی برفها راه برود.^(۲)

□ این ابی لیلی از پدرش از پیامبر (ص) این گونه نقل کرده است:

«جبرئیل به من خبر داد که مردم به علی بن ابی طالب ظلم کرده، حقش را پایمال می‌کنند و این ظلم و ستم (بر اهل بیت) همچنان باقی می‌ماند تا قائم اهل بیت قیام کند و آنان برتر شوند. امت بر دوستی و محبتشان اجتماع کنند. در آن روز دشمنان اهل بیت کم و خوار شده و دوستان آنها فراوان گردند و آن (خروج حضرت مهدی و عزت یافتن اهل بیت) وقتی است که وضع شهرها دگرگون شده و بندگان خدا ضعیف می‌شوند، ناامیدی از فرج (و ظهور حضرت مهدی (عج)) بر آنان حکمفرما می‌گردد، در آن هنگام «مهدی قائم» از فرزندانم با گروهی (از مردان الهی) ظهور می‌کند، خداوند حق را به وسیله آنها چیره و غالب می‌گرداند، باطل به شمشیرهای آنان نابود می‌شود و مردم از روی رغبت و اشتیاق یا بیم و هراس از آنان پیروی می‌کنند...»^(۳)

این روایات، از اخبار غیبی است که برخی از مفاد آنها تحقق پیدا کرده است؛ همان‌گونه که پیامبر (ص) فرمود، حرمت اهل بیتش بعد از او شکسته شد و آنان از رهبری جامعه اسلامی کنار گذاشته شدند، اما همیشه چنین نخواهد بود، بلکه با ظهور آخرین حجت الهی، جهان تحت رهبری اهل بیت اداره خواهد شد و مردم بعد از قرن‌ها دوری از معصوم، حکومت به رهبری امام را تجربه خواهند کرد.

در ضمن از این روایات استفاده می‌شود که علی‌رغم انتشار کفر و ظلم در جهان،

۱ - شاید منظور حکومت بر مبنای مکتب اهل بیت باشد.

۲ - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶.

۳ - منابع الموده، ج ۳ - ۱، ص ۹۸.

نه تنها اهل حق بکلی نابود نمی‌شوند، بلکه افراد زبده و ممتازی در روی زمین خواهند بود که به هنگام ظهور، به حضرت مهدی (عج) می‌پیوندند و ایشان را یاری می‌کنند.

* ملاحظه: آنچه در این چند درس ذکر شد، نمونه‌های برگزیده‌ای از روایات فراوان موجود در منابع شیعه و اهل سنت است که راه روشنی را درباره امامت حضرت مهدی (عج) ترسیم می‌کند؛ بگونه‌ای که اعتقاد به امامت آن حضرت و ایمان به دین اسلام، دو امر تفکیک‌ناپذیر جلوه می‌کنند و صحیح نخواهد بود که انسان به رسالت پیامبر (ص) و دین او ایمان بیاورد، ولی با وجود این همه روایات که فوق‌تواتر^(۱) است، به امامت حضرت مهدی (عج) معتقد نگردد و به وجود او به عنوان آخرین جانشین پیامبر (ص) در روی زمین، مؤمن نباشد؛ به بیان دیگر، اعتقاد به امامت حضرت مهدی (عج) یک اعتقاد اسلامی است؛ زیرا روایات مربوط به آن بطور فراوان از خود پیامبر (ص) توسط اهل بیت (ع) و غیر آنان نقل شده و بزرگان شیعه و محدثین اهل سنت آنها را در کتب صحاح و کتابهای معتبر دیگر ذکر کرده‌اند و حتی افرادی از دانشمندان اهل سنت، کتاب مستقلی در این زمینه نگاشته‌اند.

اگر با وجود این همه روایات از پیامبر (ص)، امامت حضرت مهدی (عج) پذیرفته نشود و کسانی بخواهند منکر آن شوند، دیگر هیچ مسأله‌ای از مسائل اسلامی قابل اثبات نخواهد بود؛ زیرا روایات مربوط به آنها در بسیاری از موارد بمراتب کمتر از روایاتی است که در مورد امامت حضرت مهدی (عج) در دسترس است.

۱ - خبر متواتر خبری است که تعداد خبردهندگان در جدی باشد که احتمال توافق آنان بر دروغ نرود و خبر موجب قطع و

یقین باشد.

خلاصه

دسته دیگری از روایات اهل سنت بیان می‌کند که حضرت عیسی (ع) از آسمان برای یاری حضرت مهدی (عج) فرود می‌آید و با ایشان بیعت می‌کند تا با برچیده شدن بساط کفر و ظلم، بندگی خداوند تحقق یابد.

دسته دیگری از روایات بیانگر آن است که قبل از ظهور حضرت مهدی (عج) بلاها و فشارهای زیادی بر جامعه وارد می‌شود، ولی با ظهور حضرتش مردم از برکات آسمان و زمین بهره‌مند می‌شوند، زیرا موانع نزول رحمت الهی که گناهان است، در حکومت حضرت مهدی (عج) از جامعه برچیده می‌شود.

بخش دیگر از روایات از مظلوم واقع شدن اهل بیت پیامبر خبر می‌دهد و اینکه با ظهور حضرت مهدی (عج) جامعه به منزلت و ارزش آنان پی می‌برد و بعد از آن دوستانشان زیاد می‌شود. همچنین از این روایات استفاده می‌شود که گروه زبده و ممتازی در روی زمین خواهند بود که از یاران حضرت مهدی (عج) محسوب می‌شوند.

نتیجه اینکه اعتقاد به دین اسلام و اعتقاد به امامت حضرت مهدی (عج) یک امر تفکیک ناپذیر است و اگر با وجود این همه روایات، امامت حضرتش پذیرفته نشود، هیچ مسأله‌ای از مسائل اسلامی قابل اثبات نخواهد بود.

پرسش

- ۱ - دو روایت در مورد فرود حضرت عیسی (ع) و استفاده‌ای که از آنها می‌شود بنویسید.
- ۲ - راز بهره‌مندی مردم از برکات آسمان و زمین پس از ظهور حضرت مهدی (عج) چیست؟
- ۳ - سه روایت درباره ظلم به اهل بیت پس از رحلت پیامبر (ص) بنویسید.
- ۴ - نتیجه همه روایات ذکر شده درباره حضرت مهدی (عج) را در سه سطر خلاصه کنید.

حضرت مهدی (عج) یک واقعیت موجود

تا اینجا امامت حضرت مهدی (عج) با دلایل متقن و استوار به اثبات رسید و معلوم شد که آن حضرت تولد یافته و جهان باید در انتظار ظهورش باشد. از آنجا که انسان موجودی است که نخست یا محسوسات سر و کار دارد و یا مادیات، بیشتر مأنوس می‌باشد، لازم است جنبه حسی قضیه نیز مورد توجه باشد. از این رو در این درس به بررسی این مسأله می‌پردازیم که حضرت مهدی (عج) مانند سایر انسانها و با خصوصیات بشری، هم‌اکنون در روی زمین زندگی می‌کند و کسانی از خواص شیعه قبل از غیبت کبری و بعد از آن، حضرتش را مشاهده کرده، به خدمتش رسیده‌اند تا خواننده محترم اطمینان بیشتری یابد و به آن حضرت به عنوان یک واقعیت موجود و زنده‌ای که هم‌اکنون امام روی زمین است، ایمان بیاورد.

دیده شدن ایشان در زمان حیات پدرش

□ مردی از شیعیان امام عسکری (ع) از اهالی فارس می‌گوید: به سامرا آمدم و در خانه امام عسکری (ع) به خدمتکاری مشغول شدم. روزی آن حضرت در بیرونی خانه‌اش بود، خواستم نزدش روم که او صدا زد فلانی همان جا بایست. من در جایم ایستادم؛ ناگهان کنیزی بیرون آمد که با خودش چیز پوشیده‌ای را می‌برد. سپس حضرت صدا زد، فلانی داخل شو. من داخل شدم و حضرت آن کنیز را صدا زد که برگردد. او برگشت. حضرت فرمود: از آنچه با خود داری پرده بردار. کنیز پوشش را برداشت. پس‌ریچه سفید رنگ و نیکو صورتی را دیدم؛ امام عسکری (ع) فرمود:

صاحب شما (بعد از من) این کودک است... (۱)

□ محمد بن عثمان عمّری (ره) می‌گوید: در یک اجتماع چهل نفره از شیعیان و خواص اصحاب امام عسکری (ع) که در منزل آن حضرت حضور داشتیم، ایشان مهدی (عج) را به ما نشان داد و فرمود:

این کودک بعد از من امام و پیشوا و جانشین من بر شماست، او را پیروی کنید و در دینتان دچار تفرقه نگردید که هلاک می‌شوید... (۲)

با اینکه شیعیان و خواص اصحاب امام عسکری (ع) بارها خبر وجود امام دوازدهم (ع) را از امامان اهل بیت شنیده بودند و در آن شکی نداشتند، اما امام عسکری (ع) کودک خود را به آنان نشان داد تا اطمینان بیشتری یابند؛ چنان که حضرت ابراهیم (ع) با اینکه ایمان داشت خداوند مردگان را زنده می‌کند، اما به خدا عرض کرد:

خدایا به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ خداوند فرمود: مگر ایمان نیاورده‌ای؟! عرض کرد: آری، می‌خواهم قلبم آرامش یابد. (۳)

و خداوند نیز برای اطمینان او اینکار را به دست وی انجام داد.

□ عبدالله بن جعفر حمیری می‌گوید: به عمّری (یکی از سفیران چهارگانه) عرض کردم: از تو سؤالی دارم (تا قلبم آرامش یابد) همچنان که خداوند در قصه ابراهیم (ع) فرمود: ابراهیم مگر ایمان نیاورده‌ای؟ عرض کرد: آری، ولی می‌خواهم قلبم آرامش یابد، و آن سؤال این است که آیا تو صاحبم را دیده‌ای؟ عمّری پاسخ داد: آری او را دیده‌ام. عرض کردم اسمش چیست؟ فرمود: در مورد اسمش جستجو نکن و این راز را فاش ننما؛ مخالفین ما باور کرده‌اند که این نسل (با رحلت امام عسکری (ع)) قطع گردیده و به پایان رسیده است. (۴)

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۵۱۴-۵۱۵، دارالکتب الاسلامیه.

۲- کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲-۱، ص ۴۳۵.

۳- بقره (۲)، آیه ۲۶۰.

۴- کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲-۱، ص ۴۴۲.

دیده شدن ایشان پس از رسیدن به مقام امامت

□ ابو الادیان می گوید: بعد از آنکه امام عسکری (ع) از دنیا رفت، او را کفن کرده، در تابوت نهادند. جعفر بن علی (عموی حضرت مهدی (عج)) پیشقدم شد تا بر جنازه برادرش نماز بخواند. همین که خواست تکبیر بگوید، کودکی ظاهر شد و عبای جعفر را کشید و فرمود: ای عمو عقب بایست من سزاوارترم که بر جنازه پدرم نماز بخوانم.

جعفر عقب رفت، در حالی که رنگ رخسارش دگرگون شده و زرد گردیده بود، سپس آن کودک جلو ایستاد و نماز خواند... (۱)

حضرت مهدی (عج) ضمن اینکه با این کار ثابت کرد، جعفر وارث امامت نیست، عقیده پیروانش را نیز تحکیم نمود و با آشکار شدن و نماز خواندن بر جنازه پدر، امامت خود را بر حاضران آشکار کرد. همچنین قدرت ملکوتی آن حضرت موجب شد که جعفر از دستور ایشان مبنی بر کنار رفتن سربچی نکند و با حال تحیر و تعجب شاهد نماز آن کودک بر پدرش باشد.

□ محمد بن صالح می گوید: صاحب الزمان (عج) از جای غیر مشخصی خارج گردید و با جعفر کذاب در مورد میراث پدرش به خصومت پرداخت و به او گفت:

ای جعفر چرا متعرض حقوقم می شوی؟*

جعفر متحیر شده و مبهوت گردید. سپس صاحب الزمان (عج) از دیده اش غایب شد. جعفر به جستجوی او در میان مردم برخاست، ولی وی را نیافت... (۲)

آغاز غیبت صغری

علی بن سنان موصلی می گوید: گروهی از اهالی قم برای پرداخت وجوه شرعی خود

۱ - کمال الدین و تمام النعمه ، ص ۴۷۵ .

* - گفتنی است که با وجود یسر، به برادر ارث نمی رسد ، اما جعفر به گمان این که امام عسکری (ع) فرزندی ندارد ، اموال او را تصرف کرد و اعتراض امام مهدی (عج) در این زمینه بود .

۲ - کمال الدین و تمام النعمه ، ص ۴۴۲ .

به امام عسکری (ع) وارد سامرا شدند و با حادثه رحلت آن حضرت رو به رو گشتند. مردم آنان را به سوی جعفر برادر امام عسکری (ع) هدایت کردند. آنان خواستار دلایل امامت از او شدند، ولی هنگامی که ناتوانی و ضعف وی را مشاهده نمودند، با حال یأس و ناامیدی برگشته و از شهر خارج شدند. حضرت مهدی (عج) خدمتکار خانه‌اش را در پی آنان فرستاد و دستور داد که آنها را به نامهایشان بخواند و بگوید: مولا و امامتان را اجابت کنید. آنان احساس کردند که این فرد علم غیب می‌داند و خیال کردند او خودش امام است. خدمتکار حضرت فرمود: من بنده مولای شما هستم. او آنان را به خانه امام عسکری (ع) راهنمایی کرد. آنها داخل خانه شدند و حضرت مهدی (عج) را دیدند که بر تختی نشسته و همچون ماه می‌درخشد، بر او سلام کردند. سپس آن حضرت از مقدار اموالی که آورده بودند و از نام صاحبان آن خبر داد. آنان با مشاهده اخبار غیبی آن حضرت، از اینکه به امام خود دست یافته بودند، سجده شکر گزار شدند. پس از آن حضرت مهدی (عج) دستور داد، بعد از این هیچ مالی را به سامرا نیاورند و نیز فرمود: در بغداد نماینده‌ای منصوب می‌کنم، اموال را به سوی او ببرید و نامه‌ها از طریق او جواب داده خواهد شد.^(۱)

این قضیه در روز وفات امام عسکری (ع) یا روز بعد از آن اتفاق افتاد و حضرت مهدی (عج) ضمن معرفی خود به عنوان جانشین پدر و ارائه دلایل امامت، به شروع غیبتش اشاره کرد، زیرا فرمود: اموال را به نماینده‌اش در بغداد تحویل دهند و سؤالات نیز از طریق او جواب داده خواهد شد.

شیعیان در ایام غیبت ضغری توسط سفیران چهارگانه^(۲) با حضرت مهدی (عج) ارتباط داشتند. این ارتباط بشکلی بود که وجود امام غایب (عج) را به روش حسی برای آنان اثبات می‌کرد؛ زیرا آنان جواب نامه‌های خود را به خط حضرت مهدی (عج) از طریق سفیران دریافت می‌کردند و اموال و وجوه شرعی را نزد وکلای آن حضرت

۱ - کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ص ۴۷۶ - ۴۷۹.

۲ - که به ترتیب عبارتند از: عثمان بن سعید عمروی، محمد بن عثمان بن سعید عمروی، حسین بن روح، شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمري.

می بردند و در مواردی «قبض رسید» را به خط امام دریافت می کردند^(۱) و در مواردی هم پیام شفاهی حضرت مهدی(عج) که در بردارنده خبر غیبی^(۲) و نوعی اعجاز بود، توسط سفیران به افراد خاصی ابلاغ می شد. بدین گونه غیبت صغری سپری شد و افراد زیادی^(۳) به حضور مبارک ایشان شرفیاب شدند که تعدادشان زیاد و نامعلوم است، از جمله آنان خود سفیران چهارگانه هستند.

عبدالله بن جعفر حمیری می گوید: از محمد بن عثمان عمری شنیدم که می گفت:

حضرت مهدی(عج) را دیدم که پرده کعبه را به دست گرفته و عرضه می دارد؛ پروردگارا از دشمنانم انتقام گیر.^(۴)

تشرّف افراد به حضور آن حضرت در غیبت کبری

با وفات آخرین سفیر، دوره ارتباط با حضرت مهدی(عج) از طریق سفیران خاص به پایان رسید و دوره غیبت کبری و اختفای کامل آغاز شد، اما این غیبت بدین معنا نبود که کسی به دیدار حضرتش نایل نگردد، بلکه در طول این مدت افراد زیادی به خدمتش رسیده اند و اخبار آن در حد تواتر است کسانی که خدمت ایشان شرفیاب شدند، برخی هنگام شرفیابی، آن حضرت را شناخته اند و در موارد دیگری بعد از جدایی با شواهد قطعی مشخص شده که شخص مورد مشاهده حضرت مهدی(عج) بوده است. بطور کلی می توان گفت: قسمت عمده شرفیابیها در مواردی بوده که شخص در حال اضطرار قرار گرفته، برای رهایی خودش به آن حضرت متوسل شده است.

در این زمینه کتابهایی نگاشته شده و نام و نشان علما و بزرگانی که به خدمت

۱ - کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲ - ۱، ص ۴۸۶.

۲ - اسحاق بن یعقوب می گوید: از محمد بن عثمان عمری شنیدم که می گفت: مردی از اهل عراق مقداری وجوهات به من داد که برای آن حضرت بفرستم. امام آن مال را برگرداند و فرمود: به او بیگو چهارصد درهمی را که حق پسر عموهایت است، ادا کن. مرد عراقی از این سخن متحیر و شگفت زده شد و در بررسی اموالش متوجه شد که از حقوق پسر عموهایش چهارصد درهم پرداخت نشده است. (ر. ک. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۶).

۳ - ر. ک. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲ - ۱، ص ۴۴۴ - ۴۷۹.

۴ - همان، ص ۴۴۰.

حضرتش رسیده‌اند، در آنها ثبت گردیده است.^(۱)

حضور هر ساله امام در موسم حج

حضرت مهدی (عج) به عنوان امام زنده و غایب، هر سال در موسم حج حضور می‌یابد همانند مسلمانان مناسک حج را به جای می‌آورد و مردم را می‌بیند، اما آنان او را نمی‌شناسند. عیید بن زراره می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود:

(روزی می‌رسد که) مردم از داشتن امام قابل دسترس محروم می‌شوند، او در موسم حج حضور می‌یابد و مردم را می‌بیند، ولی آنان او را نمی‌بینند.^(۲)

مصلحت در این است که او قبل از وقت قیام و ظهور برای دیده‌ها آشکار نشود و به عنوان امام روی زمین در پرده غیبت به سربرد. در این میان علاوه بر اخبار رسیده از پیامبر (ص) و اهل بیت او در مورد امامت حضرت مهدی (عج) و ظهورش که استوارترین سند وجود آن حضرت می‌باشد، شرفیابی افراد زیادی به خدمتش از هنگام تولد تا وفات پدر و در دوره غیبت صغری و کبری و مشاهده معجزات و برآورده شدن حاجتها و نیازهای متوسلین، خود دلیل دیگری است بر اینکه حضرت مهدی (عج) هم‌اکنون به عنوان امام با ویژگیهای بشری در روی زمین زندگی می‌کند.

افراد مشتاق می‌توانند با ایجاد صلاحیتهای لازم در خود و ارتقای حالت معنوی و عرفانی خویش و ناراحتی از فراق و جدایی و داشتن آرزوی وصال و مشاهده، در شرایط خاصی به خدمتش شرفیاب گردند.

۱- ر. ک. نجم‌الثاقب یا زندگانی مهدی موعود، حاج میرزا حسین نوری، باب هفتم، از انتشارات کتابفروشی جعفری.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۹.

خلاصه

برای حصول اطمینان بیشتر به امامت حضرت مهدی (عج) لازم است به بررسی این مسأله بپردازیم که آن حضرت هم‌اکنون زنده است و افرادی از خواص شیعه قبل از غیبت کبری و بعد از آن، ایشان را دیده‌اند. امام عسکری (ع) نیز آن حضرت را در کودکی به پیروانش نشان داد تا آرامش قلبی بیشتری داشته باشند.

حضرت مهدی (عج) بعد از وفات پدر نیز دیده شد، بر جنازه پدرش نماز خواند و با عمویش در مورد میراث پدر به مخاصمه پرداخت.

غیبت صغری از روز وفات امام عسکری (ع) آغاز شد و شیعیان از طریق سفیران چهارگانه بطور محسوس با امام مهدی (عج) رابطه داشتند؛ نامه‌ها و قبض رسید اموالشان را به خط آن حضرت از طریق سفیران دریافت می‌کردند. سفیران تلاش می‌کردند که اخبار حضرتش پوشیده بماند؛ تا اینکه دوره غیبت کبری آغاز گردید، اما به این معنا نبود که کسی آن حضرت را نبیند، بلکه افراد زیادی به خدمتش رسیده‌اند و اخبارش در حد تواتر است.

بر اساس روایات، حضرت مهدی (عج) هر سال در موسم حج حضور دارد و مردم را می‌بیند اما آنان ایشان را نمی‌بینند.

افراد علاقه‌مند می‌توانند با کسب صلاحیتهای لازم در بعد معنوی، به خدمتش شرفیاب گردند.

پرسش

- ۱ - چگونه امامت حضرت مهدی (عج) بطور محسوس برای شیعیان ثابت شد؟
- ۲ - حضرت مهدی (عج) در چند دوره دیده شده است؟
- ۳ - ارتباط شیعه با امام مهدی (عج) در غیبت صغری چگونه و از چه راهی بود؟
- ۴ - کدام روایت بر حضور حضرت مهدی (عج) در موسم حج هر سال دلالت دارد؟
- ۵ - چگونه می توان به خدمت حضرت مهدی (عج) شرفیاب شد؟

طول عمر حضرت مهدی (عج)

با توجه به دلایل یاد شده در مورد امامت بلافصل حضرت مهدی (عج) بعد از پدرش و با ملاحظه دلایل قطعی بر تولد و وجود ایشان در حیات امام عسکری (ع)، شیعیان معتقدند که او قرنهاست به عنوان امام غایب، در روی زمین زندگی می کند و تا روزی که خدا بخواهد، به حیات خود ادامه خواهد داد.

ممکن است گفته شود: ما افرادی با چنین عمر طولانی ندیده ایم و علم و دانش نیز آن را نمی پذیرد. در پاسخ این مطلب، مسأله طول عمر حضرت مهدی (عج) را مورد بررسی قرار می دهیم.

امکان طول عمر

واژه امکان دارای یکی از دو معنای زیر است:

۱- امکان عقلی: بدین معنا که وقوع یک امر از نظر عقل مانعی نداشته و محال نباشد. به عنوان مثال، تناقض، امکان عقلی ندارد، چرا که هستی و نیستی یک چیز در آن واحد قابل اجتماع نیست؛ و نیز امکان ندارد که عدد دو بزرگتر از عدد سه باشد، زیرا لازم می آید که عدد دو، در یک آن عدد دو باشد و عدد دو نباشد و آن خلاف فرض و تناقض است. بنابراین، هر چه که تناقض نباشد و منتهی به تناقض هم نشود، امکان عقلی دارد و طول عمر این گونه نیست، بنابراین امکان دارد.

۲- امکان وقوعی: یعنی این که چیزی محال ذاتی نبوده و از نظر عقل مانعی از وقوع آن در خارج نباشد. به عنوان مثال، سرطان هر چند تاکنون معالجه نشده است اما امکان

علمی و وقوعی معالجه آن هست و امکان دارد علم بشری در آینده به آن دست یابد. طول عمر نیز این‌گونه است، زیرا گرچه عملی نشده و زیست شناسان نمی‌توانند به آسانی آن را در مورد همه افراد تجربه کنند، اما آنان در تلاشند تا عمر انسان را افزایش دهند. به چند نظریه در این زمینه توجه کنید:

الف - پروفیسور اسمیس استاد دانشگاه کلمبیا می‌گوید:

همان‌گونه که سرانجام دیوار صوتی شکسته شده و وسایل نقلیه‌ای با سرعتی ما فوق صوت به وجود آمد، یک روز دیوار سن انسانی نیز شکسته خواهد شد و از آنچه تا کنون دیده‌ایم فراتر خواهد رفت.^(۱)

ب - گروهی از پزشکان عقیده دارند، پیری یک نوع بیماری است که بر اثر تصلب شرایین و یا اختلال متابولیسم بدن پدید می‌آید و اگر ما بتوانیم از طریق تغذیه صحیح و داروهای مؤثر بر این عوامل پیروز شویم، پیری را شکست خواهیم داد و از یک عمر طولانی برخوردار می‌گردیم.^(۲)

ج - روان شناسان می‌گویند: طول عمر انسان بستگی زیاد به طرز تفکر و عقاید او دارد و با داشتن روحیات و عقاید سازنده و آرامبخش، طول عمر انسان افزایش می‌یابد.^(۳)

آزمایشهای به عمل آمده روی بعضی از موجودات نیز، طول عمر آنها را عملی ساخته است.

دانشمندان با آزمایش روی نوعی از مگس میوه که عمر بسیار کوتاهی دارد، توانسته‌اند عمر آن را به نهمصد برابر افزایش دهند. در آزمایش به عمل آمده روی گیاهی که عمر معمولی آن دو هفته بیش نیست، معلوم شده که می‌توان آن را تا شش ماه نگهداشت.^(۴)

۱ - مهدی انقلابی بزرگ، ناصر مکارم شیرازی، ص ۲۲۴، انتشارات هدف، اقتباس.

۲ - همان، ص ۲۲۶، اقتباس.

۳ - همان.

۴ - همان، ص ۲۲۴، اقتباس.

بنابراین، طول عمر انسان از دیدگاه دانش بشری «ممکن» است، مگر اینکه گفته شود چرا حضرت مهدی (عج) بر دانش بشری پیشی گرفته و قبل از اینکه علم، عوامل طول عمر را کشف و عملی کند، از عمر طولانی برخوردار شده است؟ پاسخ آنکه این اولین بار نیست که اسلام بر دانش بشری پیشی گرفته است؛ مگر قوانین حیات بخش اسلام که علم روز به حکمت و راز برخی از آنها پی برده است، قرن‌ها پیش توسط پیامبر اسلام به بشریت ابلاغ نشد؟! بنابراین، اگر مسأله طول عمر حضرت مهدی (عج) را در محدوده قوانین طبیعی بررسی و مطالعه کنیم، باید بگوییم، خداوند دانش دستیابی به طول عمر را به آن حضرت عنایت کرده، بگونه‌ای که با استفاده از عوامل طبیعی بتواند، از عمر طولانی برخوردار شود.

وجود افراد استثنایی

با چشم پوشی از بحث گذشته و قبول این فرضیه که نوع انسان عمر طبیعی ثابتی دارد که فراتر از آن نمی‌رود، این فرضیه را نمی‌توان به تمام افراد تعمیم داد؛ زیرا همیشه افرادی استثنایی وجود دارند که با ضوابط علوم طبیعی مطابقت ندارند و علم از تفسیر وضع آنها عاجز می‌گردد. به عنوان مثال، در مناطق استوایی زمین، درختانی با عمر جاویدان وجود دارند یعنی مرتب در حال ریشه زدن و جوانه زدن هستند و هیچ‌گاه عمرشان پایان نمی‌پذیرد. در میان جانوران دریایی، حلزونهایی با عمر چند هزار سال دیده شده‌اند.

در حالات بوعلی سینا می‌نویسند که می‌گفت: موقعی که به مکتب می‌رفتم، هر چه شاگردان برای استاد می‌خواندند من حفظ می‌کردم. در ده سالگی آن قدر از علوم فراگرفتم که در بخارا از من تعجب می‌کردند. در سن دوازده سالگی بر مسند فتوا نشستم، در سن شانزده سالگی کتاب قانون را در علم طب تصنیف کردم.^(۱)

بررسی موارد دیگری از این قبیل نشان می‌دهد که بی‌تردید امکان دارد، در میان هر نوع از موجودات، افراد استثنایی وجود داشته باشند و وضع استثنایی آنها دلیل بر غیر

علمی بودن آنها نیست، زیرا همیشه طبیعت در دامن خود افراد استثنایی می‌پروراند و این خود، عین طبیعت است.

دراز عمرهای تاریخ از جمله افراد استثنایی هستند که بر دیگر افراد انسان پیشی گرفته‌اند و در این زمینه غیر از حضرت مهدی (عج)، افراد دیگری نیز بوده و هستند که از عمر طولانی برخوردار شده‌اند. یکی از آنها حضرت نوح (ع) است که به گفته قرآن^(۱) فقط نهصد و پنجاه سال قبل از طوفان، قومش را به آیین توحید دعوت می‌کرد و عمر وی خیلی بیش از این بوده است.^(۲)

شداد بن عاد نهصد سال عمر کرد.^(۳) هبل بن عبدالله بن کنانه ششصد سال زندگی نمود.^(۴) از این قبیل نمونه‌ها فراوان در تاریخ یافت می‌شود که با ملاحظه آنها هیچ‌گونه استبعادی در مورد طول عمر حضرت مهدی (عج) باقی نمی‌ماند.

طول عمر در قلمرو قدرت الهی

با چشم‌پوشی از مطالب گذشته و قبول اینکه عمر طولانی خارج از محدوده قوانین طبیعی است، در این مطلب نمی‌توان تردید کرد که خداوندی که محیط بر قوانین و نظام طبیعت است، می‌تواند خرق عادت کرده و در موردی که اراده نماید، عمر طولانی به کسی ببخشد و از آنجا که اراده خداوند بر این تعلق گرفته که حضرت مهدی (عج) زمین را از عدل و داد پر کند و تمدن بشری را در شکل دیگری از نو آغاز نماید، به آن حضرت عمر طولانی عنایت کرده تا همچنان در پس پرده غیبت باقی بماند و پس از آماده شدن شرایط ظهور، قیام کند؛ چنان که به حضرت خضر (ع) عمر طولانی تا نفع صور عنایت کرده است. در این زمینه اهل سنت نیز به زنده بودن حضرت خضر (ع) و عمر طولانی اش^(۵) اعتراف دارند. طبق بعضی از روایات، ایشان مونس و همنشین حضرت مهدی (عج) در زمان غیبتش می‌باشد.

۱- عنکبوت (۲۹)، آیه ۱۴.

۲- عمر حضرت نوح بنا بر روایات ۲۵۰۰ سال بوده است. ر. ک بخارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۸۵ به بعد.

۳- کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲- ۱، ص ۵۵۴.

۴- همان، ص ۵۶۰.

۵- ر. ک. البیان فی اخبار صاحب الزمان (عج)، ص ۱۴۸- ۱۴۹.

حسن بن علی بن فضال می گوید: از امام رضا (ع) شنیدم که می فرمود:

حضرت خضر از آب حیات آشامیده و تا روزی که در صور دمیده شود، زنده خواهد بود، او نزد ما می آید و به ما سلام می کند، ما صدایش را می شنویم و شخصش را نمی بینیم و در هر محفلی (از پیروان اهل بیت علیهم السلام) که از خضر (ع) یاد شود، حضور پیدا می کند^(۱) پس هر که از شما او را یاد کرد، به او سلام دهد. وی در موسم حج هر سال حضور دارد و تمام مناسک حج را به جا می آورد و در عرفه وقوف می کند و بر دعای مؤمنان آمین می گوید. بزودی خداوند او را همدم و مونس قائم ما در غیبتش قرار می دهد تا وحشت تنهایی را از او بزداید.^(۲)

از قرآن کریم مورد دیگری از امکان طول عمر به اعجاز الهی استفاده می شود؛ چون در مورد حضرت یونس (ع) فرموده است:

و اگر او از تسبیح کنندگان نبود تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند.^(۳)

مستفاد از آیه شریفه آن است که در آن صورت یونس و آن ماهی که او را در شکم داشت، هر دو تا روز قیامت عمر می کردند و از دراز عمرانی می شدند که عمر جاودانه دارند. با توجه به آنچه یاد شد، عمر طولانی حضرت مهدی (عج) از اموری است که از دیدگاه دانش بشری ممکن و قابل وقوع است و بر فرض آنکه در این مطلب تردید شود، اما شکی وجود ندارد که خداوند می تواند به هر کس اراده نماید، عمر طولانی یا جاودانه ببخشد؛ چنان که برای اثبات نبوت پیامبرانش به دست آنها امور خارق العاده جاری می کند، همانند حضرت موسی (ع) که عصا را اژدها می کرد، یا حضرت عیسی (ع) که مردگان را زنده می نمود و پیامبر اسلام که قرآن را آورده و کسی نمی تواند مثل آن را بیاورد و نیز معجزات دیگر آن حضرت.

با توجه به دلایل قطعی و روشن در مورد طول عمر حضرت مهدی (عج)، منطقی نیست که به شبهات واهی و بی اساس اعتنا شده و آن دلایل قطعی کنار گذاشته شود.

۱ - این حضور همانند عمرش امری خارق العاده است که به اذن خداوند واقع می شود.

۲ - کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲ - ۱، ص ۳۹۰ - ۳۹۱.

۳ - عنکبوت (۲۹)، آیه ۱۴.

خلاصه

بر اساس ادله قطعی، حضرت مهدی (عج) در زمان حیات پدرش متولد شده و تاکنون در قید حیات هستند و مانند سایر انسانها در روی زمین زندگی می کنند. در مورد امکان چنین عمر طولانی باید گفت:

امکان دارای دو معناست:

۱ - امکان عقلی؛ چیزی که متناقض نبوده و منتهی به تناقض هم نشود، امکان عقلی دارد؛ و طول عمر این گونه است.

۲ - امکان وقوعی یعنی از نظر عقلی مانعی از وقوع شیء در خارج نباشد هر چند دانش بشری هنوز آن را تجربه نکرده باشد و طول عمر این گونه است زیرا دانشمندان گفته اند روزی بشر بر پیری غلبه خواهد کرد و عمر طولانی خواهد یافت. آزمایشهای به عمل آمده روی بعضی از حیوانات و گیاهان نیز، طول عمر آنها را افزایش داده است.

اگر سؤال شود که چگونه حضرت مهدی (عج) قبل از کشف عوامل طول عمر از عمر طولانی برخوردار شده، پاسخ این است که اگر عمر حضرتش را در محدوده قوانین طبیعی مطالعه کنیم، باید بگوییم خداوند دانش دستیابی به طول عمر را به حضرت مهدی (عج) عنایت کرده است.

با چشم پوشی از آنچه گفته شد، تردیدی نیست که حضرت مهدی (عج) می تواند از جمله افراد استثنایی باشد که همیشه در میان انواع موجودات جهان، وجود دارد و از جمله دراز عمرهای تاریخ همانند حضرت نوح (ع) است. علاوه بر آن تردیدی نیست که خداوند می تواند خارج از محدوده قوانین طبیعی به کسی عمر طولانی یا جاودانه ببخشد، چنان که به حضرت خضر (ع) تا نفع صور عنایت کرده است. آن حضرت در زمان غیبت، همنشین حضرت مهدی (عج) و مونس اوست.

پرسش

۱ - امکان چند معنی دارد؟

۲ - با توجه به آزمایشهای به عمل آمده، طول عمر چگونه است؟

۳ - مطالعه عمر طولانی حضرت مهدی (عج) در محدوده قوانین طبیعی چه نتیجه ای می دهد؟

۴ - چه کسانی از دراز عمرهای تاریخ محسوب می شوند؟

۵ - مطالعه عمر حضرت مهدی (عج) در خارج از محدوده قوانین طبیعی چه نتیجه ای می دهد؟

راز غیبت

معلوم شد که امکان طولانی شدن عمر، وجود دارد و حضرت مهدی (عج) با عمری طولانی در پس پرده غیبت به سر می برد. اکنون این سؤال مطرح است که چرا آن حضرت ظاهر نمی شود^(۱) و راز این غیبت طولانی چیست؟
فلسفه غیبت حضرت مهدی (عج) را می توان در امور زیر خلاصه کرد:

الف - آماده نبودن جامعه جهانی برای پذیرش آن حضرت

گرچه قسمتی از شرایط ظهور حضرت مهدی (عج) خارج از حوزه اختیار مردم است، اما اجرای کلی مأموریت آن حضرت در گرو فراهم شدن شرایط خارجی و عینی است که مردم در آن نقش تعیین کننده دارند و تا آماده شدن مردم جهان برای پذیرش حکومت جهانی به رهبری حضرت مهدی (عج) همچنان غیبت ادامه داشته و ظهور آن حضرت به تأخیر خواهد افتاد، و این آمادگی، عمدتاً به بُعد فکری و فرهنگی مردم مربوط می شود.

توضیح اینکه باید سطح افکار مردم جهان چنان بالا رود که بدانند تفاوت جغرافیایی، نژادی، رنگ و زبان هیچ گونه امتیازی برای انسانها محسوب نمی شود و باید همه از حقوق یکسان و برابر برخوردار گردند. و همه انسانها مانند اعضای یک خانواده در کنار همدیگر زندگی کنند. به عبارت دیگر، باید مردم جهان بعد از تجربه تلخ ظلم و ستم

۱ - باید توجه داشت که این سؤال تنها متوجه شیعه نیست، بلکه هر ملت و قومی که بگونه ای به ظهور مصلح کل اعتقاد دارد تا با قیامش جهان را پر از عدل و داد کند، در این سؤال شریک هستند و باید پاسخ دهند که چرا آن مصلح ظهور نمی کند؟

حکومت‌های فاسد، این احساس را پیدا کنند که انتظار عدالت، از حکومت‌های بشری بی‌جا و بی‌مورد است؛ به هر حال بشر باید از حصار مادیت رهیده و دست نیاز به سوی آسمان دراز کند و از خداوند استمداد جوید.

بدیهی است بدون آمادگی فکری مردم، اصلاحات اجتماعی امکان‌پذیر نیست. از این رو، پیامبران نیز برای پیشبرد اهدافشان نخست از تعلیم و تربیت و پرورش افراد زبده و لایق استفاده می‌کردند و با ایجاد تحول فرهنگی در جامعه، راه را برای اصلاحات دیگر باز می‌نمودند. حضرت مهدی (عج) نیز به تقدیر الهی باید به ظلم و ستم در جهان پایان بخشد و عدالت را در پهنه زمین بگستراند و اجرای این طرح بزرگ، بدون آمادگی فرهنگی مردم جهان امکان‌پذیر نیست. مردم باید بقدر کافی تلخی بی‌عدالتیها و ضعف قوانین بشری را لمس نمایند و آن قدر چوب سربچی و انحراف از دین را بخورند تا بطور واقعی در طلب مصلح برآیند.

خداوند متعال فرموده:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ»^(۱)

خداوند وضع هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد تا اینکه آنان خود را تغییر دهند.

خواجه طوسی در این باره فرموده:

«وَجُودُهُ لُطْفٌ وَ تَصَرُّفُهُ لُطْفٌ آخَرٌ وَ عَدَمُهُ مِثْلٌ»^(۲)

وجود امام، لطف خداوند است و تصرف او (بودنش در میان مردم و تدبیر امور ایشان) لطف دیگری است و نبودن آشکار او (در میان ما) از ناحیه خود ماست.

ابو حمزه ثمالی می‌گوید: از امام باقر (ع) شنیدم که فرمود:

ای ثابت (اسم ابی حمزه) خداوند وقت این کار (استقرار فرمانروایی اهل بیت) را در سال ۹۰ هجری قرار داده بود، هنگامی که حسین (ع) کشته شد، غضب خداوند (بر بندگان) شدت

۱- رعد (۱۳)، آیه ۱۱.

۲- کشف‌المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۲۸۵، مکتبه المصطفوی قم.

گرفت و آن کار را تا سال ۱۴۰ به تأخیر انداخت. ما شما را از این راز آگاه کردیم و شما آن را کتمان نکرده و در میان مردم افشا نمودید، از این رو خداوند برای آن کار (استقرار حکومت اهل بیت) وقتی نزد ما معین و مشخص نکرده است. خداوند آنچه را بخواهد محو می‌کند و اثبات می‌نماید و «ام‌الکتاب» نزد اوست. (۱)

از این روایت استفاده می‌شود که حتی شیعیان نیز در ایجاد و طولانی شدن غیبت ولی عصر (عج) نقش دارند، زیرا با افشای راز اهل بیت، موجب شدند که خداوند وقتی را برای ظهور تعیین نکند.

ب - بیم از کشته شدن

هر یک از رهبران الهی اعم از انبیا و جانشینان آنها همواره از سوی دشمنان کینه توز مورد تهدید قرار می‌گرفتند که به صورتهای آزار، شکنجه، به زندان افکندن، تبعید کردن و کشتن عملی می‌شد. نیاکان حضرت مهدی (عج) هر کدام به نحوی متحمل این آزارها شده بودند. با توجه به این مطلب، برای آن حضرت سه راه بیشتر وجود ندارد:

۱ - حضور در میان مردم و صبر کردن تا هنگامی که شرایط قیام فراهم شود که در این صورت کشته شدن حضرت مانند اجداد بزرگوارش به دست دشمنان بسیار محتمل خواهد بود.

۲ - ظهور و قیام قبل از فراهم شدن شرایط و آمادگیهای لازم که در این صورت بی‌تردید بدون دستیابی به نتیجه کشته خواهد شد.

۳ - غیبت و عدم ظهور تا روزی که مصلحت ظهور فراهم شده و آن حضرت بتواند بر ستمکاران چیره گردد.

زراره می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود:

برای قائم قبل از قیامش غیبتی خواهد بود. عرض کردم: چرا؟ فرمود: زیرا می‌ترسد و اشاره به شکمش کرد.

زراره می‌گوید: مقصود حضرت کشته شدن بود.^(۱)

باید توجه داشت که هر چند شهادت آرزوی اولیای خداست اما حضرت مهدی (عج) جانشین ندارد و امام دیگری بعد از او نخواهد بود. بنابراین لازم است تا قبل از فراهم شدن شرایط ظهور، همچنان در پرده غیبت به سر برد.

ج - آزمایش مردم

یکی از اسرار غیبت که در روایات به آن اشاره شده، مسأله آزمایش مردم در غیبت ولی خداست؛ زیرا گردن نهادن به اطاعت یک امام ظاهر و آشکار، ممکن است از روی ترس یا طمع باشد، اما ایمان به اطاعت از امام غایب از این عیبها به دور است.^(۲)

در درسهای پیش گذشت که امامت حضرت مهدی (عج) مسأله‌ای است که به دست پیامبر (ص) در جدول عقاید و معارف اسلامی قرار گرفته است و مسلمانان باید به امامت آن حضرت و ظهورش ایمان داشته و در انتظار ظهورش باشند. طولانی شدن غیبت موجب می‌شود که افکار و عقاید باطنی افراد بروز کرده و مشخص گردد که چه کسانی به وعده‌های پیامبر (ص) ایمان دارند و همچنان بر اعتقاد به امامت حضرت مهدی (عج) استوار می‌مانند و آزمایش یکی از اهداف آفرینش انسان است.

در قرآن چنین می‌خوانیم:

او خداوندی است که مرگ و زندگی را آفرید تا بیازماید که کدامین از شما عمل نیکوتری دارد.^(۳)

منصور می‌گوید: امام صادق (ع) فرمود:

ای منصور، این امر (گشایش به واسطه ظهور آخرین حجت الهی) به سویتان نخواهد آمد، مگر بعد از اینکه مردم مایوس می‌گردند. همچنین سوگند به خدا، (این امر نخواهد بود) مگر

۱ - اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۸.

۲ - ر. ک. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲ - ۱، ص ۱۱.

۳ - ملک (۶۷)، آیه ۲.

اینکه از همدیگر جدا شده و آزمایش شوید (صفوف حق و باطل مشخص گردد)... (۱)

زید شحام از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود:

حضرت صالح (ع) مدتی از میان قومش^(۲) پنهان شد... سپس به سوی آنها آمد، در حالی که به سه دسته تقسیم می‌شدند: دسته‌ای که او را انکار کردند و به او معتقد نگشتند، گروهی که به او شک داشتند و عده‌ای که بر ایمان به صالح وفادار باقی ماندند. حضرت صالح (ع) ابتدا به سوی گروه دوم رفت و به آنان گفت: من صالح هستم. آنان او را تکذیب کردند و از خود راندند و گفتند: خداوند از تو بیزار باشد، همانا صالح به شکل تو نبود.^(۳) سپس به سوی دسته اول رفت. آنان نیز او را نپذیرفتند و به شدت وی را رد کردند. بعد به طرف گروه مؤمن رفت و فرمود: من صالح هستم. آنان گفتند: به ما خبری بده که توسط آن یقین کنیم تو همان صالح هستی (و تغییر قیافهات مهم نیست): زیرا تردیدی نداریم که خداوند انسان را به هر شکلی که بخواهد درمی‌آورد... صالح به آنان گفت: من همان صالحی هستم که ناقه را برایتان آورد. آنان گفتند: راست گفتی، حال ناقه صالح چه نشانه‌ای داشت؟ او پاسخ داد: یک نوبت آشامیدن آب مال شما و یک نوبت هم مخصوص ناقه بود. آنان گفتند: به خداوند و به آنچه تو آوردی ایمان داریم....

سپس حضرت صادق (ع) فرمود:

همانا قائم (عج) مانند صالح خواهد بود (که غیبتش موجب می‌شود عده‌ای از پیروانش در او به شک و تردید افتند و عده‌ای نیز انکارش نمایند و همه آنان نمی‌توانند از آزمایش غیبت، موفق بیرون آیند).^(۴)

مشخص شدن راز واقعی غیبت پس از ظهور

تا اینجا بعضی از رموز غیبت را ذکر کردیم و ممکن است غیبت طولانی آن حضرت

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۰.

۲- غیبت حضرت صالح (ع) پس از هلاک شدن قومش به عذاب الهی واقع شد و پس از سپری شدن زمان غیبت، به سوی قومی آمد که پیشتر به خاطر ایمان به صالح (ع)، از عذاب رها شده بودند. (ر.ک. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲ - ۱، پاورقی ص ۱۳۶).

۳- زیرا در مدت غیبت، قیافه ظاهری صالح (ع) تغییر کرده بود، اما مهم این بود که آنان دلایل نبوت را از صالح (ع) بخواهند.

۴- ر.ک. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲ - ۱، ص ۱۳۶ - ۱۳۷.

رازها و حکمت‌های بیشتری داشته باشد که ما از آنها آگاهی نداریم و در روایات به این مطلب اشاره شده است.

عبدالله بن فضل می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود:

بناچار صاحب این امر دارای غیبتی خواهد بود که تبهکاران در آن به شک و تردید می‌افتند. عرض کردم: فدایت شوم چرا؟ فرمود: به خاطر امری که اجازه بیانش را (بطور تفصیل) نداریم. عرض کردم: حکمت غیبتش چیست؟ فرمود: (اجمالش این است که) راز غیبت مهدی (عج) همان راز غیبت حجت‌های پیش از اوست و حکمت (واقعی) غیبت بعد از ظهور آشکار می‌گردد، چنان که راز کارهایی که خضر (ع) انجام داد، کشتی را سوراخ کرد، پسر بچه‌ای را کشت و دیواری را بنا کرد، بعد از جدایی او از موسی (ع) روشن گردید. (و موسی (ع) قبل از جدایی، راز آنها را نمی‌دانست و از آن رو به خضر (ع) نیز اعتراض نمود). ای پسر فضل، این امر (غیبت مهدی (عج)) کار خداوند، از اسرار او و از امور غیبیه الهی است و چون می‌دانیم خداوند حکیم است باید تصدیق کنیم که کارهای او (از جمله در غیبت نگه داشتن ولی خودش) همه دارای حکمت و راز است، گر چه برای ما آشکار نباشد.^(۱)

نتیجه اینکه عدم آمادگی جامعه جهانی برای پذیرش یک حکومت واحد به رهبری حضرت مهدی (عج) موجب شده که غیبت آن حضرت به طول انجامد و چنانچه آن حضرت قبل از آمادگی عمومی ظهور کند در صورت عدم قیام محتملاً و در فرض قیام بدون شک به دست تبهکاران کشته خواهد شد. یکی دیگر از اسرار غیبت، آزمایش مردم است هر چند راز واقعی آن بعد از ظهور حضرت مهدی (عج) آشکار می‌گردد.

خلاصه

برخی از رازهای غیبت حضرت مهدی (عج) به شرح زیر است:

۱ - جامعه جهانی به حدی از رشد فکری و فرهنگی نرسیده که خواهان عدالت حضرت مهدی (عج) و پذیرای حکومت واحد جهانی آن حضرت باشد. بدیهی است هر چند بعضی از شرایط ظهور، خارج از اختیار مردم است، اما قسمت عمده آن به آمادگی مردم برمی گردد و تا مردم آمادگی لازم را پیدا نکنند، آن حضرت ظهور نخواهد کرد.

۲ - اگر آن حضرت قبل از فراهم شدن شرایط، ظهور کند، ممکن است همانند دیگر رهبران الهی بدون دستیابی به نتیجه کشته شود، از این رو مصلحت، در غیبت است تا روزی که بتواند با ظهورش بر تبهاران پیروز گردد.

۳ - یکی از اهداف آفرینش انسان، آزمایش است و مردم عصر غیبت در مورد باقی ماندن بر اعتقاد به امامت حضرت مهدی (عج) آزمایش می شوند، چنان که امتهای پیشین به غیبت رهبران الهی خود آزمایش می شدند.

البته ممکن است غیبت آن حضرت اسرار دیگری نیز داشته باشد که بعد از ظهورش مشخص می شود، چنانچه به فرموده امامان معصوم (ع) حکمت واقعی غیبت حضرت مهدی (عج) بعد از ظهور روشن می شود.

پرسش

- ۱- برای تحقق ظهور، مردم در چه زمینه‌ای باید آمادگی پیدا کنند؟
- ۲- اگر حضرت مهدی (عج) قبل از تحقق شرایط، ظهور کند چه خواهد شد؟
- ۳- مردم عصر غیبت چگونه امتحان می‌شوند؟
- ۴- روایات در مورد دیگر اسرار غیبت چه می‌گویند؟

آثار وجود حضرت مهدی (عج) در زمان غیبت

سؤال دیگر در مورد حضرت مهدی (عج) این است که وجود یک رهبر در صورتی مفید است که با پیروانش تماس مداوم داشته باشد، در صورتی که زندگی آن حضرت در دوران غیبت یک زندگی خصوصی است، نه یک زندگی اجتماعی به عنوان امام و پیشوا؛ بنابراین اثر وجودی این ذخیره الهی برای مردم چیست و امت اسلامی در زمان غیبت از وجود ایشان چه بهره‌ای می‌برند؟

این سؤال در عصر حاضر و تنها برای ما مطرح نشده، بلکه از روایات بر می‌آید که قبل از تولد حضرت مهدی (عج) هنگامی که پیامبر (ص) و امامان (ع) در مورد غیبت ایشان سخن می‌گفتند، با این سؤال رو به رو بودند؛ به عنوان نمونه:

جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر (ص) سؤال کرد: آیا شیعیان از وجود امام در غیبتش بهره‌مند می‌شوند؟ آن حضرت فرمود:

آری سوگند به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخته، مردم زمان غیبتش از او بهره‌مند گشته و به نور ولایت و رهبری‌اش راهنمایی می‌شوند، همان‌گونه که از خورشید هنگام قرار گرفتن پشت ابرها بهره‌مند می‌گردند.^(۱)

خورشید دو نوع نورافشانی می‌کند: مستقیم و غیر مستقیم. در نورافشانی مستقیم و آشکار، اشعه آفتاب بخوبی دیده می‌شود، اما در تابش غیر مستقیم، ابرها همانند یک شیشه مات، نور خورشید را گرفته و پخش می‌کنند.

نور آفتاب مهمترین نقش را در حیات موجودات زنده ایفا می‌کند؛ رشد و نمو موجودات، تغذیه و تولید مثل آنها، حس و حرکت و جنبش، زنده شدن زمینهای مرده و... همه و همه بطور مستقیم یا غیر مستقیم به نور آفتاب بستگی دارد و بدون آن همه به خاموشی خواهند گرایید و این برکات و آثار حیات بخش، مخصوص زمانی نیست که نور بطور مستقیم می‌تابد، بلکه بسیاری از این آثار در نور مات خورشید نیز وجود دارد و تنها قسمتی از آن آثار که نیاز به تابش مستقیم دارد، موجود نیست.

خورشید وجود امام مهدی (عج) در زمان غیبت، دارای آثار گوناگونی است که علی‌رغم تعطیل بودن رهبری ظاهری‌اش، فلسفه وجودی او را آشکار می‌سازد. بعضی از آن آثار عبارتند از:

الف - وساطت فیض

اراده خداوند بر این تعلق گرفته که آنچه از ذات مقدسش به موجودات افاضه می‌شود، از طریق اسباب و مجاری مشخص صورت گیرد و همه امور از راه علت و سبب خود به جریان افتند. فیوضات الهی بر دو قسم است:

فیوضات تکوینی: تمام هستی و سراسر کاینات از کوچکترین موجودات تا کهکشانهای بزرگ و عوالم دیگر، همه فعل خدا و صادر شده از اراده اوست. فیوضات تکوینی خداوند با واسطه به موجودات می‌رسد و آن واسطه وجود «ولی الله» (پیامبر یا وصی معصوم او) است. وجود «ولی الله» دارای چنین مرکزیتی در عالم هستی است که معبر پیدایش و ادامه هستی و تسلسل آفرینش است و خود او نخستین فیض^(۱) الهی است که سبب سایر افاضه‌ها و انعامهای خداوند است؛ بنابراین، جهان به وجود «ولی الله» برقرار است.

امام هادی (ع) به پیروانش تعلیم می‌دهد که بگویند:

۱ - پیامبر (ص) فرمود: «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي» (بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۰۵).

«و بِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ»^(۱)

و به واسطه شماست که خداوند باران را نازل می‌کند و از فرود آمدن آسمان به زمین جلوگیری می‌نماید مگر اینکه خود بخواهد.

ای حمزه می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: آیا زمین بدون امام ماندگار است؟
فرمود:

اگر زمین بدون امام باشد، اهلش را فرو می‌برد.^(۲)

جریان شب قدر و نزول فرشتگان بر امام و تقدیر امور، در جهت همین تأثیر تکوینی امام در جهان خلقت است و نشان می‌دهد که فیوضات الهی و سرنوشتها بطور اجمال بر امام (ع) عرضه می‌شود و از طریق اراده آن حضرت بطور تفصیل تحقق می‌یابد.
امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید:

ای گروه شیعه، به سوره «آنا أنزلناه» (بر وجود امام و جانشین پیامبر) احتجاج کنید که پیروز می‌شوید. سوگند به خدا، این سوره حجت خدا بر بندگانش بعد از پیامبر (ص) است.^(۳)

همو فرمود:

اراده حتمی خدا بر این تعلق گرفته که در هر سال شبی باشد که فرشتگان برای تنظیم و تفسیر امور فرود آیند... و خداوند بزرگتر از این است که روح و فرشتگان را بر کافر و فاسقی (رهبران و خلفای جور) نازل کند، (پس آنان بر قلب امام معصومی فرود می‌آیند).^(۴)

بنابر مضمون این سوره، شب قدر، هر سال وجود دارد، پس صاحب شب قدر نیز باید همیشه وجود داشته باشد، چرا که تداوم تقدیر در امر آفرینش، سنت تغییر ناپذیر الهی است و آن مستلزم تداوم مجری تقدیر یعنی وجود مقدس حضرت مهدی (عج) است.

۱- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، زیارت جامعه کبیره.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۳- همان، ص ۲۴۹.

۴- همان، ص ۲۵۳.

از دیگر فیوضات تکوینی امام عصر (عج)، نفوذ روحانی او در دلهای مستعد است که موجب می شود آنان کشش و جذبه خاصی نسبت به ولایت «ولی الله» پیدا کنند و تحت تأثیر هدایت باطنی آن حضرت قرار گرفته، در ضراط مستقیم الهی ثابت قدم بمانند.

فیوضات تشریحی: امر هدایت و تشریح، خود فیضی بزرگ بوده، نیازمند واسطه‌ای قابل است که آن را دریافت کند و به مردم برساند. این گونه نیست که هر نفسی مستعد قبول وحی و علوم الهی باشد. واسطه فیض تشریحی در مصداق خارجی، پیامبر یا امام است که هم‌اکنون منحصر به وجود مقدس حضرت مهدی (عج) است. نفس پاک و معصوم ایشان، حامل علوم پیامبر (ص) است و با ظهورش به تعلیم و تربیت و ارشاد مردم خواهد پرداخت و نفوس بشری را به کمال خواهد رسانید. در حال حاضر به خاطر آماده نبودن شرایط ظهور، مردم جهان از فیض تشریحی حضرتش محرومند؛ هر چند در مواردی ممکن است جاهلی را ارشاد کند و افرادی را به صلاح و درستی راهنمایی نماید، اما این مطلب عمومی نیست.

نتیجه اینکه می توان گفت: حضرت مهدی (عج) در شأن هدایت تشریحی که شأنی از شئون امامت است، غایب و پنهان است، اما در دیگر شئون امامتش، در جهان، حاضر، ناظر، فعال و نافذ است و اگر او از تمام شئون امامتش برکنار باشد، جهان هستی اهلیش را فرو خواهد برد؛ چرا که تا «ولی خدا» هست، جهان هست؛ چنان که تا جهان هست، حجت خدا نیز هست.

ب - امید بخشی

در میدانهای نبرد همت سربازان بویژه فرماندهان، این است که پرچم در برابر حملات دشمن همچنان در اهتزاز باشد؛ چرا که برقرار بودن پرچم، مایه دلگرمی سربازان و تلاش و کوشش مستمر آنهاست. همچنین وجود فرمانده لشکر در مقر فرماندهی - هر چند در ظاهر خاموش و ساکت باشد - خون گرم و پر حرارتی را در عروق سربازان به حرکت در می آورد و آنها را به تلاش بیشتر وامی دارد، اما هرگاه خبر قتل فرمانده در میان سپاه پخش شود، ممکن است یک لشکر بزرگ در اندک زمانی متلاشی گردد.

شیعه طبق عقیده‌ای که به وجود امام زنده و غایب دارد، خود را تنها نمی داند و

همواره انتظار ظهور آن سفر کرده را می‌کشد. اثر روانی این طرز فکر در زنده نگه داشتن امید در دلها و وادار ساختن افراد به خودسازی و آمادگی برای انقلاب جهانی او، بخوبی قابل درک است، بویژه اینکه، امام (ع) در دوران غیبت بطور مداوم مراقب حال شیعیان و پیروان خویش است و طبق الهام الهی از اعمال آنها آگاه می‌گردد.^(۱) این فکر سبب می‌شود که همه معتقدان به آن حضرت در یک مراقبت دائمی فروروند و هنگام ورود در هر کاری توجه به آن نظارت عالی داشته باشند. اثر تربیتی این طرز فکر نیز قابل انکار نیست.

توسل به حضرت مهدی (عج) و الطاف ویژه

توسل به بندگان خاص خداوند یکی از وسایل تقرب به درگاه خداست. در این میان توسل به حضرت مهدی (عج) به عنوان مقربترین بنده خدا در روی زمین، می‌تواند مشکلات متوسلین را برطرف کند.

افراد زیادی در گذشته و حال بوده و هستند که این امر را تجربه کرده‌اند و به خواسته‌های خود رسیده گرفتارشان رفع شده است. چه انسانهایی که با سوز و گداز به ساحت مقدس آن امام همام متوسل گردیده و از الطاف حضرتش بهره‌مند شده‌اند.^(۲) و این خود از دلایل تجربی وجود حضرت مهدی (عج) در پشت پرده غیبت و فایده‌رسانی‌اش به مردم است. اگر ما در حجاب گناه خود زندانی و از الطاف ویژه آن حضرت محروم هستیم، دلیل بر نبودن آن نیست. ما می‌توانیم به عنوان یک منتظر واقعی امام زمان (عج) با توسل به ساحت مقدسش، از عنایات ایشان بهره‌مند گردیم و از انوار تابناک خورشید وجودش، راه خود را در تاریکیها بیابیم.

نباید انتظار داشت که آفتاب برای نورافشانی مستقیم از پشت ابرها پایین بیاید، بلکه ما باید همچون مسافران هواپیما بر فراز ابرها قرار گیریم و از شعاع حیات بخش آفتاب بهره مستقیم گیریم.^(۳)

۱- ر. ک. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۲- ر. ک. نجم‌الناقب، باب هفتم.

۳- ر. ک. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، ص ۲۲۱-۲۲۶، دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ مهدی انقلابی بزرگ، بخش ۳، فلسفه وجود امام به هنگام غیبت.

خلاصه

سؤال: مردم در زمان غیبت چه بهره‌ای از وجود حضرت مهدی (عج) می‌برند؟ قبل از تولد ایشان نیز این سؤال از پیشوایان دین شده و پیامبر (ص) آن حضرت را به خورشید پشت ابر تشبیه کرده است که از آثار حیات بخش آن، همه موجودات زنده بهره‌مند می‌شوند. خورشید وجود امام مهدی (عج) دارای آثار زیر است:

۱ - وساطت فیض، اراده خداوند بر اداره جهان از طریق اسباب است و فیوضات خدا در جهان دو قسم است:

الف - فیض تکوینی؛ همه موجودات چه در اصل پیدایش و چه در ادامه هستی به واسطه، از خداوند فیض هستی می‌گیرند و آن واسطه وجود ولی الله (پیامبر یا امام) است. جریان شب قدر و نزول هر ساله فرشتگان بر امام (ع) برای تقدیر امور، به وساطت تکوینی امام در عالم هستی برمی‌گردد و در حال حاضر حضرت مهدی (عج) عهده‌دار این وساطت است. نفوذ روحانی او در دل‌های مستعد، از دیگر موارد وساطت تکوینی ایشان در عالم هستی است.

ب - فیض تشریحی؛ امر هدایت و ارشاد مردم نیز فیض الهی است که واسطه‌ای قابل (پیامبر یا امام) آن را گرفته و به مردم می‌رساند. بنابراین، حضرت مهدی (عج) تنها در شأن هدایت و رهبری مستقیم مردم غایب است، اما در دیگر شؤون امامتش حاضر و نافذ است.

۲ - وجود امام مهدی (عج) در پشت پرده غیبت، امید بخش پیروان اوست، چرا که آنان خود را تنها و بی‌سرپرست نمی‌بینند، و این طرز فکر آنان را به خودسازی وامی‌دارد، چنانچه اعتقاد آنان به مراقبت امام اثر تربیتی دیگری نیز دارد. از دیگر آثار وجودی حضرت مهدی (عج) برآوردن حاجت‌های متوسلان است که دلیل تجربی فایده رسانی آن حضرت به مردم در زمان غیبت است.

پرسش

- ۱ - پیامبر (ص) امام غایب را به چه چیز تشبیه کرده است؟ وجه شباهت را بیان کنید.
- ۲ - وساطت حضرت مهدی (عج) در رساندن فیض تکوینی و تشریحی را شرح دهید.
- ۳ - جریان شب قدر چیست و بر چه دلالت دارد؟
- ۴ - چگونه حضرت مهدی (عج) امید بخش پیروانش است؟
- ۵ - چگونه می‌توان از الطاف ویژه حضرت مهدی (عج) برخوردار شد؟

در انتظار حضرت مهدی (عج)

پیش از این گفته شد که اندیشه پیروزی نهایی حق بر باطل و غلبه قطعی صالحان و پرهیزکاران و کوتاه شدن دست ستمکاران و جباران از اجتماعات بشری، ریشه قرآنی دارد^(۱) که در روایات اسلامی از آن به «انتظار فرج» تعبیر شده است. اصل انتظار فرج از یک اصل کلی قرآنی دیگر استنتاج می شود و آن «حرمت یأس از رَوْحِ اللّهِ»^(۲) است. افراد با ایمان در هیچ شرایطی تسلیم یأس و ناامیدی نمی شوند، لیکن این انتظار فرج و امیدواری به رحمت خدا، در مورد یک عنایت عمومی برای همه بشر است، نه شخصی یا گروهی؛ بعلاوه این انتظار با نویدهای خاص و مشخصی توأم است و ظهور حضرت مهدی (عج) که مظهر رحمت خداوندی است، یک حادثه قطعی در آینده تاریخ است. این اندیشه مشتمل بر عنصر خوش بینی نسبت به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است.

انتظار سازنده و مخرب

اکنون باید ماهیت و مفهوم انتظار فرج و پیامدهای آن را بررسی کرد و انتظار سازنده و مثبت را از انتظار ویرانگر و منفی، باز شناخت. گروهی این گونه فکر می کنند که اگر ظهور حضرت مهدی (عج) جز با پر شدن زمین از ظلم و فساد واقع نخواهد شد، بنابراین دست زدن به هر گونه اصلاحات اجتماعی

۱- ر. ک. توبه (۹)، آیه ۳۳، صف (۶۱)، آیه ۹ و انبیا (۲۱)، آیه ۱۰۵.

۲- «إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» همانا از رحمت خدا جز گروه کافران ناامید نمی شوند، یوسف (۱۲)، آیه ۸۷.

کمک به تأخیر ظهور است و برای تسریع آن لازم است از اقدامات اصلاحی خودداری کرده، انجام آن را بر عهده حضرت مهدی (عج) گذاشت. بنابراین دیدگاه، مفهوم انتظار دست روی دست گذاشتن به دور از هر گونه مسؤلیت‌پذیری اجتماعی و انجام وظیفه است. روشن است که این برداشت منفی از انتظار، با تعالیم عمومی اسلام، بخصوص وظایف منتظران در زمان غیبت، منافات دارد. انتظار فرج که از عبادات و بلکه برترین آنها شمرده شده، نمی‌تواند یک چنین بار منفی داشته باشد.

پیامبر اکرم (ص) فرموده است:

«أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^(۱)

برترین اعمال امتم انتظار فرج (حضرت مهدی) از سوی خداوند بزرگ است.

حدیث بالا بیانگر این است که انتظار فرج از سنخ عمل است، نه دست روی دست گذاشتن و سکوت. بنابراین، لازمه انتظار، حالت آماده باش داشتن و تهیه مقدمات آن ظهور بزرگ است.

دوران دولت حضرت مهدی (عج) به تعبیر قرآن، دوران حکومت «بندگان صالح»^(۲) است، یعنی آنان که صالحند وارث زمین می‌شوند. آیا انتظار این دوران، بدون به وجود آمدن بندگان صالح و شایسته، درست است یا انتظاری است کاذب؟! پس باید نخست در زمره بندگان صالح درآییم، آنگاه طالب نویدی که به آنان داده‌اند، باشیم. پس خلقی که در انتظار ظهور مصلح به سر می‌برد، باید خود صالح باشد.

به بیان دیگر، چگونگی انتظار همواره متناسب با هدفی است که در انتظار وقوع آن هستیم:

- انتظار آمدن یک مسافر عادی از سفر

- انتظار بازگشت یک دوست بسیار عزیز

- انتظار فرار سیدن فصل چیدن میوه از درخت و برداشت محصول.

- ارتشی که هر لحظه در انتظار آمدن فرمانده و فرمان او برای جهاد آزادی بخش

۱ - منتخب‌الآثر، ص ۴۹۶.

۲ - انبیا (۲۱)، آیه ۱۰۵.

به سر می‌برند و... .

هر یک از این انتظارها آمیخته با نوعی آمادگی است. به عنوان مثال، انتظار آمدن یک مسافر عزیز از راه دور به این است که خود را برای استقبال از او آماده کنیم و برای پذیرایی از وی وسایل و امکانات لازم را تهیه کرده باشیم. انتظار یک مصلح جهانی نیز به معنی آماده باش کامل فکری و عملی برای پیشبرد اهداف اوست. به عبارت دیگر، در دوران انتظار یعنی پیش از ظهور، باید آن‌گونه باشیم که اگر امام ظهور نمود از ما انتظار می‌رود که آن‌گونه باشیم.

پاداش منتظران

منتظران راستین در روایات، ستوده شده و مورد تمجید قرار گرفته‌اند که با بررسی آن روایات، بهتر به مفهوم درست انتظار پی می‌بریم. کسی به امام صادق (ع) عرض کرد: درباره کسی که انتظار ظهور حکومت حق را می‌کشد و با این حال از دنیا می‌رود چه می‌گویید؟ امام فرمود:

او همانند کسی است که در خیمه «قائم» (عج) (ستاد ارتش او) با او باشد. سپس کمی سکوت کرد و فرمود: بلکه مانند کسی است که همراه پیامبر (ص) بوده است.^(۱)

این مضمون با تعبیرات دیگری نیز نقل شده است:

او مثل کسی است که در محضر پیامبر (ص) شهید شده است.^(۲)

او به منزله کسی است که پیش روی پیامبر (ص) جهاد کند.^(۳)

همانند کسی است که خورش در راه خدا ریخته باشد.^(۴)

امام صادق (ع) در روایت دیگری فرمود:

۱ - منتخب‌الآثر، ص ۴۹۸.

۲ - همان.

۳ - همان.

۴ - همان.

... کسی که دوست دارد از یاران «قائم» (عج) باشد، پس منتظر بماند و به پرهیزکاری و روشهای نیک خو بگیرد؛ اگر او بمیرد و بعد از او «قائم» (عج) قیام کند، برای او پاداش کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده باشد؛ بنابراین (در عمل به دین) جدیت و تلاش کنید؛ و ای گروهی که مورد عنایت و رحمت خدا هستید (پاداش الهی) گوارایتان باد، منتظر بمانید. (۱)

عبارات یاد شده، روشنگر این واقعیت است که یک نوع رابطه و تشابه، میان مسأله انتظار و جهاد وجود دارد و انتظار چنین انقلابی، همیشه با جهادی وسیع و دامنه‌دار همراه است.

وظایف منتظران در زمان غیبت

منتظران راستین آن حضرت علاوه بر انجام دستورات عمومی اسلام، باید تکالیف خاصی را در مورد حضرت مهدی (عج) مراعات نمایند که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱ - شناخت درست از امامت و صفات آن حضرت، زیرا اعتقاد به امامت ایشان از ارکان اعتقادی دین اسلام است که مرگ بدون آن از نوع مرگ ضلالت و جاهلیت است.
- ۲ - دعا برای سلامتی آن حضرت بگونه‌ای که ائمه (ع) تعلیم داده‌اند. (۲)
- ۳ - صدقه دادن برای سلامتی ایشان، همان‌گونه که وقتی یکی از عزیزان ما در سفر است، صدقه می‌دهیم تا سالم برگردد. این صدقه نوعی ابراز مودت به آن حضرت است که همه اُمت بدان مأمورند. (۳)
- ۴ - اندوهناک بودن در فراق آن حضرت، از این رو، سزاوار است دعای ندبه در هر صبح جمعه خوانده شود، و آن دعا ناله عاشقی است که در فراق آن حضرت اشک می‌ریزد، همان‌گونه که امام صادق (ع) در فراقش اشک ریخت.

سدیر صیرفی می‌گوید: من و مفضل و ابوبصیر و ابان بر امام صادق (ع) وارد شدیم،

۱ - منتخب‌الاثار، ص ۴۹۷-۴۹۸.

۲ - همان، ص ۵۰۳.

۳ - ر. ک. شوری (۴۲)، آیه ۲۳.

دیدیم روی خاک نشسته و مانند زن جوانمرده گریه می کند و حزن و اندوه از چهره اش نمایان است، در حالی که می فرماید:

آقای من غیبت تو خوابم را ربوده، بستم را بر من تنگ کرده و آرامش قلبی ام را گرفته است. ای آقای من، غیبت مصیبتی را ابدی کرده، پس احساس نمی کنم اشکی را که از چشمم بیرون می آید و ناله ای که از سینه ام برمی خیزد. از مصائب گذشته آرام می گیرم، اما حوادث آینده (در مورد غیبت تو) جای آنها را می گیرند.

سدید می گوید: با دیدن این منظره عقل از سر ما پرید و گمان کردیم، حادثه ای برای آن حضرت پیش آمده است. عرض کردیم: ای پسر بهترین آفریدگان، خداوند چشمانتان را نگریند، چه حادثه ای پیش آمده که اشک شما روان است؟ در این هنگام آن حضرت نفس عمیقی کشید و فرمود:

امروز صبح در کتاب جعفر نگاه می کردم، کتابی که شامل بر حوادث گذشته و آینده تا روز قیامت است و خداوند آن را به محمد (ص) و امامان بعد از او اختصاص داده است. در آنجا به اخبار قائم (عج) برخوردم و در مورد غیبت و طول عمر او و آزمایش مؤمنان در فکر فرو رفتم که چگونه طول غیبتش موجب شک و تردید آنان و ارتداد عده زیادی می شود، از این رو غم و اندوه بر من غلبه کرد و متأثر شدم... (۱)

۵- انجام طواف و حج مستحبی به نیابت از ایشان.

موسی بن قاسم می گوید: به امام جواد (ع) عرض کردم: می خواهم به نیابت از طرف شما و پدرتان طواف کنم، اما به من می گویند نباید به نیابت از طرف اوصیا طواف کرد. آن حضرت در پاسخ فرمود:

نه این چنین نیست، هر چه برایت امکان دارد طواف کن (۲)

۶- توسل و استغاثه به آن حضرت، چرا که او فریادرس بیچارگان و درماندگان است

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲ - ۱، ص ۲۵۳ - ۲۵۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۴۱ و ۱۳۸.

و چه بسیار مشکلات و نیازهایی که بر اثر استغاثه به آن حضرت رفع شده است.^(۱)

۷ - هنگامی که نام آن حضرت برده می‌شود، همه برای تعظیم و تکریمش به پا خیزند، چنان که روایت شده که حضرت رضا (ع) در مجلسی در خراسان وقتی نام «قائم» (عج) برده شد، ایستاد و دست بر سرش نهاد و فرمود:

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ»^(۲)

۸ - آشنا کردن مردم با امامت آن حضرت و راهنمایی آنان به لزوم پیروی از ایشان که نوعی «تواصی به حق» است.^(۳)

۹ - بزرگداشت و تجلیل از مقام افرادی که از نظر نسبی یا کاری، منسوب به آن حضرت هستند، از قبیل سادات، علما و صالحان.

۱۰ - برای ثبات عقیده و ایمان خود به خواندن دعای زیر مداومت نماید.

زراره می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: فدایت شوم، اگر زمان غیبت را درک نمودم، چه کار کنم؟ آن حضرت فرمود:

ای زراره، اگر آن زمان را درک کردی، این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»^(۴)

خداوندا، خودت را به من بشناسان، زیرا اگر خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. پروردگارا، فرستاده‌ات را به من بشناسان، چون اگر او را به من معرفی نکنی، حجت تو را نخواهم شناخت. بار الهی، حجت (امام وقت) خود را به من معرفی کن، چرا که اگر او را به من نشناسانی، در دینم گمراه خواهم شد.

۱ - ر. ک.، نجم‌الثاقب یا زندگانی مهدی موعود (عج)، ص ۵۳۱ - ۵۳۸.

۲ - منتخب‌الاثار، ص ۵۰۶.

۳ - ر. ک.، عصر (۱۰۳)، آیه ۴.

۴ - منتخب‌الاثار، ص ۵۰۱.

خلاصه

انتظار فرج از اصل قرآنی «حرمت ناامیدی از رحمت خدا» استنتاج می‌شود، جز اینکه فرج و ظهور حضرت مهدی (عج) یک رحمت عمومی است و بطور قطع واقع خواهد شد. انتظار فرج، سرباز زدن از انجام وظایف و سکوت در برابر بی‌عدالتیها نیست، چرا که این معنی با تعالیم اسلام سازگار نیست و نمی‌تواند برترین عبادت شمرده شود. عصر امام مهدی (عج) دورانی است که پندگاران صالح وارث زمین می‌شوند، پس باید نخست در زمره آنها درآییم، سپس در انتظار آن دوران روزشماری کنیم.

هر انتظاری متناسب با هدفی است که در انتظارش هستیم. انتظار یک مصلح جهانی به معنی آماده باش کامل فکری و عملی برای یاری اوست و این معنی از پاداشی که برای منتظران بیان شده نیز استنباط می‌شود. در روایات می‌خوانیم منتظری که قبل از قیام حضرت مهدی (عج) بمیرد، همانند این است که با پیامبر جهاد کرده، یا در حضور او شهید شده، یا به منزله کسی است که دوران مهدی (عج) را درک نموده است. از این تشبیهات تلازم بین انتظار و جهاد بخوبی استفاده می‌شود. منتظران حضرت مهدی (عج) علاوه بر وظایف عمومی اسلامی باید وظایف زیر را نیز عملی کنند: شناخت درست از امامت حضرت مهدی (عج)، اندوهناک بودن در فراقش، برخاستن هنگامی که نام ایشان برده شود، توسل و استغاثه به آن حضرت، انجام عبادات مستحبی به نیابت از ایشان و خواندن دعا برای ثبات عقیده و ایمان.

پرسش

- ۱- انتظار فرج چه اندیشه‌ای است و از کدام اصل قرآنی استنتاج می‌شود؟
- ۲- انتظار سازنده و مثبت کدام است؟
- ۳- پاداش منتظران چیست؟
- ۴- وظایف منتظران را در زمان غیبت بیان کنید.

شرایط و علائم ظهور

برای ظهور حضرت مهدی (عج) علائم و نشانه‌هایی قرار داده شده تا حق طلبان با تحقق هر یک از آنها، مؤذنه نزدیکی ظهورش را دریافت کنند و نیز حجتی برای عموم باشد تا مبدا فریب مدعیان دروغین مهدویت را خورده، گمراه شوند و این جدای از ویژگیهای جسمی و نسبی حضرت مهدی (عج) است که در درسهای گذشته یادآور شدیم.

و باید توجه داشت که بیشتر شرایط و علائم ظهور،* اموری هستند که پیدایش هر یک از آنها بیانگر آن است که ظهور تا اندازه‌ای نزدیک شده است، اما دلیل آن نخواهد بود که بعد از وقوع آنها، بلافاصله حضرت مهدی (عج) ظهور می‌کند؛ البته در مورد بعضی از علائم تصریح شده که مقارن ظهور واقع می‌شوند.

علائم حتمی و غیر حتمی

از روایات اهل بیت (ع) استفاده می‌شود که بعضی از علائم ظهور حضرت مهدی (عج) حتمی و بعضی غیر حتمی است.

* - ممکن است بین شرایط ظهور و علائم آن فرق بگذاریم، بدین معنی که شرایط ظهور اموری باشد که در زمرة علل ظهور آن حضرت است و ظهور متوقف بر تحقق آنهاست، چنان که ممکن است پیدایش عدد کافی از یاران خالص آن حضرت را از جمله شرایط ظهور بدانیم که تعدادشان در روایات به ۳۱۳ نفر مشخص شده است، اما علائم ظهور اموری هستند که حکایت از نزدیکی ظهور دارند، بدون اینکه ظهور متوقف بر آنها باشد. البته نقطه اشتراک علائم و شرایط در این خواهد بود که هر دو قبل از ظهور واقع می‌شوند، اما تشخیص اینکه کدام یک از آنچه در روایات بیان شده از شرایط یا علائم است، کار مشکلی است، بلکه ممکن است همه حوادث قبل از ظهور، بگونه‌ای در نزدیکی و تحقق ظهور مؤثر باشند که ما از آنها آگاهی نداریم. (ر. ک. تاریخ الغیبة الکبری، سید محمد صدر، ج ۲، ص ۳۹۵).

علائم حتمی حوادثی هستند که بطور حتم قبل از ظهور واقع می‌شوند و مشروط به شرط یا قیدی نیستند.

علائم غیر حتمی اموری هستند که مشروط به شرط یا شرایطی هستند که اگر آنها تحقق یابند، «مشروط» نیز واقع خواهد شد و مصلحت بوده که بطور اجمال از علائم ظهور شمرده شوند.

معلى بن خنيس مى‌گويد: از امام صادق (ع) شنيدم که فرمود:

بعضى از امور (ى که از علائم ظهورند) حتمى و بعضى غير حتمى است از جمله امور حتمى خروج سفیانی در ماه رجب است. (۱)

تقسیم شدن علائم ظهور به حتمی و غیر حتمی، بخوبی از این روایت استفاده می‌شود.

علائم حتمی:

روایات زیادی دلالت دارند که علائم حتمی پنج تا است.

عمرو بن حنظله مى‌گويد: از امام صادق (ع) شنيدم، فرمود:

قبل از قيام قائم (عج) پنج علامت حتمى واقع خواهد شد: (خروج) یمانی و سفیانی، (شنیده شدن) ندای آسمانی، کشته شدن «نفس زکیه» و فرو رفتن (شکری) در صحرا (بین مدینه و مکه). (۲)

خروج سفیانی: در روایات آمده که سفیانی از نسل ابوسفیان و نامش عثمان بن عنبسه است، پنج شهر شام - دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرین - را به تصرف خود درمی‌آورد. (۳)

امام صادق (ع) فرمود:

۱ - بخاراالنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۹.

۲ - همان، ص ۲۰۴.

۳ - ر. ک. منتخب‌الانوار، ص ۴۵۷.

ما و خاندان ابوسفیان دو اهل بیتی هستیم که در مورد خداوند با همدیگر دشمنی کردیم، ما گفتیم خداوند راست می‌فرماید و آنان گفتند دروغ می‌گوید. ابوسفیان یا پیامبر (ص)، معاویه با علی (ع) و یزید بن معاویه با حسین (ع) جنگیدند و سفیانی با قائم (عج) می‌جنگد.^(۱)

خروج یمانی: او شخصی از اهل یمن است که از دوستان اهل بیت (ع) است و برای یاری آنان قیام می‌کند.^(۲)

صیحه آسمانی: منظور از صیحه، ندایی آسمانی است که نام حضرت مهدی (عج) را می‌برد و همه ساکنان زمین، آن را به زبان خودشان، می‌شنوند. زراره می‌گوید: امام صادق (ع) فرمود:

کسی نام قائم (عج) را (در جهان) می‌برد. عرض کردم: آیا این صدا را افراد خاصی می‌شنوند یا همگانی است؟ فرمود: این صدا عمومی است و هر کس به زبان خودش آن را می‌شنود...^(۳)

فرو رفتن لشکر سفیانی در صحرا: حضرت علی (ع) در این زمینه فرمود:

نزدیک زمان قیام مهدی (عج) سفیانی خارج می‌شود و نه ماه به اندازه دوران حاملگی زن فرمانروایی می‌کند. لشکر او به سوی مدینه می‌آید تا اینکه وقتی به صحرا رسید، خداوند آن را در زمین فرو می‌برد.^(۴)

باید توجه داشت که سفیانی لشکر خودش را برای جنگ با حضرت مهدی (عج) به سوی مدینه گسیل می‌دارد؛ ناگهان متوجه می‌شود که آن حضرت به سوی مکه روانه شده است؛ لشکر او به دنبال آن حضرت راهی مکه می‌شود، اما در بین راه به امر الهی در زمین فرو می‌رود.^(۵)

کشته شدن «نفس زکیه»: امام باقر (ع) فرمود:

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰.

۲ - همان، ص ۲۷۵.

۳ - منتخب الاثر، ص ۴۵۰، ۴۵۳ و ۴۵۵.

۴ - همان، ص ۴۵۵.

۵ - ر. ک. الامام المهدی من المهدی الی الظهور، سید محمدکاظم قزوینی، ص ۴ - ۳۶۳، مؤسسه النور بیروت.

قائم (عج) به یارانش می گوید: ای اصحاب من، اهل مکه مرا نمی خواهند، اما من کسی را به سوی آنان خواهم فرستاد تا حجت را بر آنان تمام کنم. پس مردی از یاران خود را فرا خوانده و به او می گوید: به سوی مکه رفته و اعلام کن ای اهالی مکه، من فرستاده مهدی (عج) به سوی شما هستم. و او خطاب به اهل مکه چنین اظهار می دارد: ما اهل بیت رحمت و معدن رسالت و خلافتیم، ما ذریه محمد و از نسل پیامبرانیم، از هنگامی که پیامبر (ص) از دنیا رفته، ما مورد ظلم و ستم قرار گرفته ایم، از شما یاری می طلبیم مرا یاری کنید. اما اهل مکه او را در بین رکن (حجرالاسود) و مقام (ابراهیم (ع)) سر می برند و او دارای نفسی پاک است. (زیرا بدون هیچ گناهی کشته می شود).^(۱)

امام صادق (ع) فرمود:

بین قیام قائم آل محمد (ع) و بین کشته شدن «نفس زکیه» پانزده شب بیشتر فاصله نمی افتد.^(۲)

در بعضی از روایات امور دیگری از علائم حتمی شمرده شده است:
عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود:

... و دستی که از طرف آسمان آشکار می شود، از جمله امور حتمی است.^(۳)

ثمالی از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود:

... و اختلاف و انقراض فرزندان عباس از امور حتمی است...^(۴)

خروج دجال: نزال بن سبره می گوید: صعصعة بن صوحان از حضرت علی (ع) سؤال کرد: دجال کی خروج می کند؟ آن حضرت در پاسخ فرمود:

... سوگند به خدا کسی که از او سؤال کردی (در این زمینه) داناتر از سؤال کننده نیست ولی

(خروج دجال) علائمی دارد که پشت سر هم ظاهر می شوند اگر بخواهی از آنها خبر دهی...^(۵)

۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۲ - همان، ص ۱۹۲.

۳ - همان، ص ۲۳۳.

۴ - همان، ص ۲۰۶.

۵ - همان، ص ۱۹۳؛ کتاب النبی، شیخ طوسی، ص ۲۶۷. (بر اساس روایت شیخ طوسی، خروج دجال حتمی است.)

در منابع اهل سنت نیز ذکر شده که دجال خروج می‌کند و عیسی بن مریم (ع) او را می‌کشد. (۱)

علائم غیر حتمی

امور و حوادث زیادی به عنوان علائم ظهور در روایات مطرح شده بدون این که به حتمی بودن آنها تصریح شود که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

گرفتن خورشید و ماه در ماه رمضان: عیید بن خلیل می‌گوید: امام باقر (ع) فرمود:

دو چیز قبل از قیام قائم (ع) خواهد بود که از زمان آدم تا آن روز نبوده است: گرفتگی خورشید در وسط ماه رمضان و ماه در آخرش. (۲)

خرابی دیوار مسجد کوفه: از امام حسین (ع) نقل شده که فرمود:

هنگامی که دیوار مسجد کوفه از طرف خانه عبدالله بن مسعود خراب شد، سلطنت ستمکاران پایان می‌پذیرد و مهدی (عج) خروج می‌کند. (۳)

هلاکت بسیاری از مردم: از حضرت علی (ع) نقل شده که فرمود:

مهدی خروج نمی‌کند مگر اینکه $\frac{1}{3}$ مردم کشته شوند، $\frac{1}{3}$ بمیرند و $\frac{1}{3}$ باقی بمانند. (۴)

ممکن است در اثر جنگهای جهانی و وقوع زلزله‌ها یا حوادث دیگری بیشتر مردم از بین بروند.

ظهور علم و دانش در قم: از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود:

بزودی کوفه از مؤمنان خالی می‌شود و علم و دانش از آن فروکش می‌کند، آن گونه که مار در لانه‌اش فرو می‌رود. سپس علم و دانش در شهری که قم نامیده می‌شود، آشکار می‌گردد و آن شهر منبع علم و دانش خواهد شد، بگونه‌ای که همه حتی زنان پشت پرده از دین آگاه

۱ - ر. ک. صحیح بخاری، ج ۷ - ۹، ص ۶۹۶ - ۶۹۸؛ سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۴۴ - ۳۵۰، مطبعة الفجالة الجدیدة.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۱۸۱، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات بیروت.

۳ - عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۵۱.

۴ - همان، ص ۶۳؛ منتخب الاثر، ص ۴۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷.

می‌گردند و این امور نزدیک ظهور قائم ما خواهد بود...^(۱)

فراگیر شدن ظلم و فساد در جامعه: روایات زیادی بیانگر آن است^(۲) که قبل از ظهور حضرت مهدی (عج) جهان از ظلم و فساد پر می‌گردد، ولی باید توجه داشت که در عین حال، جناح حق و عدل از بین نمی‌رود و جامعه مؤمنان گرچه به صورت اقلیت باقی خواهد بود و قیام مهدی (عج) نیز برای یاری این گروه است که مستحق یاری هستند.^(۳) بخشی از علائم ذکر شده واقع گردیده و در مورد بعضی دیگر باید در انتظار وقوعش بود.

توجه به مطالب یاد شده ما را به این نتیجه می‌رساند که در روایات، فقط علائم ظهور حضرت مهدی (عج) بیان شده، و وقت ظهور نه تنها تعیین نشده، بلکه تعیین‌کننده آن دروغگو شمرده شده است.

ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق (ع) در مورد (وقت ظهور) قائم (ع) سؤال کردم، فرمود:

آنان که وقت تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند، ما اهل بیته هستیم که برای ظهور وقتی مشخص نمی‌کنیم.^(۴)

فضیل می‌گوید: از امام باقر (ع) سؤال کردم، آیا برای این امر (ظهور حضرت مهدی) وقت مشخصی هست؟ فرمود:

آنان که وقت تعیین می‌کنند دروغ می‌گویند، دروغ می‌گویند.^(۵)

۱ - منتخب‌الانوار، ص ۴۴۳.

۲ - ر. ک. همان، ص ۴۲۸ - ۴۳۲.

۳ - ر. ک. قیام و انقلاب مهدی (عج)، شهید مطهری، ص ۶۴ - ۶۸.

۴ - غیبت نعمانی، ص ۱۹۸.

۵ - کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۶۲، مکتبه نینوی الحدیثه، طهران.

خلاصه

علائم ظهور، اموری هستند که بر نزدیکی ظهور حضرت مهدی (عج) دلالت دارند، نه اینکه بعد از وقوع آن علائم، بلافاصله ظهور صورت می‌گیرد. برخی از آن علائم حتمی و برخی غیر حتمی است. علائم حتمی بنابر مفاد بسیاری از روایات، پنج تا است: خروج سفیانی و یمانی، پیدایش صیحه آسمانی که نام حضرت مهدی (عج) را می‌برد و همه به زبان خود آن را می‌شنوند، فرو رفتن لشکر سفیانی بین مکه و مدینه و کشته شدن «نفس زکیه» فرستاده حضرت مهدی (عج) بین رکن و مقام به دست مردم مکه.

علائم غیر حتمی عبارتند از: گرفتن خورشید در نیمه ماه رمضان و ماه در آخرش، خرابی دیوار مسجد کوفه از طرف خانه عبدالله بن مسعود، هلاک شدن بسیاری از مردم به وسیله جنگها و حوادث طبیعی، ظهور علم و دانش در قم، خالی شدن کوفه از اهل علم و غلبه ظلم و فساد در اکثر جوامع بشری.

آنچه ذکر شد فقط علائم ظهور است، اما وقت ظهور نه تنها تعیین نشده، بلکه تعیین کننده آن دروغگو دانسته شده است.

پویش

- ۱- علائم ظهور بر چه چیزی دلالت می‌کنند؟
- ۲- علائم حتمی با غیر حتمی چه فرقی دارند؟
- ۳- علائم حتمی کدامند؟
- ۴- علائم غیر حتمی را نام ببرید.
- ۵- مفاد روایات در مورد تعیین وقت ظهور چیست؟

پایان انتظار و آغاز انقلابی بزرگ

منتظران حضرت مهدی (عج) می آیند و می روند و سالها و قرن‌ها سپری می شود و آن حضرت همچنان در پرده غیبت به سر می برد، اما این وضعیت برای همیشه ادامه نخواهد داشت؛ پایان انتظار فرا خواهد رسید و مردم جهان روزی شاهد طلوع ستاره ولایت در سپیده دم این شب ظلمانی خواهند بود و زمین با تابش نور معنویت امام مهدی (عج) درخشش نوینی خواهد یافت.

برای آگاهی از حوادث آن ایام به سخنان اهل بیت (ع) توجه می کنیم. از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود:

مهدی (عج) از گردنه کوه طوی با ۳۱۳ مرد به عدد رزمندگان بدر فرود می آید تا آنکه وارد مسجد الحرام می شود و چهار رکعت نماز در مقام ابراهیم می خواند. سپس با تکیه بر حجرالاسود، حمد و ثنای الهی به جا آورده و بر پیامبر (ص) درود می فرستد و بگونه ای سخن می گوید که تا به حال کسی آن گونه سخن نگفته باشد. نخستین کسانی که با او دست بیعت می دهند، جبرئیل و میکائیل خواهند بود.^(۱)

طبق روایات، یاران حضرت مهدی (عج) شبانگاه به اذن الهی از بستر بیرون آمده و همگی در یک ساعت نزد آن حضرت در مکه اجتماع می کنند. سپس ایشان ظهور می کند و با یارانش وارد مسجد الحرام می شود. آنان پس از بیعت جبرئیل، با آن حضرت بیعت می کنند و حضرت مهدی (عج) رسالت انقلابی خود را اعلام می کند تا اینکه تعداد

یارانش افزایش می‌یابد؛ وقتی که به ده‌هزار نفر رسیدند، آن حضرت از مکه خارج می‌شود^(۱) تا زمین را از لوث وجود تبه‌کاران و ستمکاران پاکسازی کند.
امام صادق (ع) فرمود:

آیه «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً»^(۲) در مورد یاران قائم (عج) نازل شده، آنان شب از بسترشان بیرون می‌آیند، در حالی که صبح در مکه هستند...^(۳)

عبدالعظیم حسنی از امام جواد (ع) نقل می‌کند که فرمود:

وقتی ۳۱۳ نفر از اهل اخلاص نزد مهدی (عج) اجتماع کردند، او ظهور می‌کند و هنگامی که تعداد یارانش به ده هزار نفر رسید، به اذن خداوند خروج می‌کند، سپس بحدی از دشمنان خدا را می‌کشد که خداوند از او خشنود گردد...^(۴)

ویژگیهای یاران حضرت مهدی (عج)

امام صادق (ع) در حدیثی، ویژگیها و خصوصیات یاران حضرت مهدی (عج) را این چنین یادآور می‌شود:

... مردانی که قلبهایشان همانند تکه‌های آهن است (از ایمانی راسخ برخوردارند)، هرگز در مورد خدا شکمی به دلشان راه نیافته است. اگر به کوهها حمله کنند، آنها را از جایشان می‌کنند، با پرچمهای خود وارد شهری (از شهرهای کفار) نمی‌شوند، مگر آن را ویران می‌سازند، برای تیمن و تبرک به اسب امام مهدی (عج) دست می‌مالند، آنان گرد امام مهدی (عج) را گرفته و در جنگها خود را سپر بالای ایشان می‌کنند و آنچه از آنان بخواهد بطور رسا و کامل انجام می‌دهند، مردانی که شب را نمی‌خوابند و در نمازشان زمزمه‌ای همانند زمزمه زنبوران دارند، شب را به عبادت سپری کرده و صبحگاهان بر اسبهای خود سوارند، راهبان شب و شیران روزند، آنان نسبت به قائم (عج) مطیعتر از کنیز نسبت به آقایان

۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۲ - بقره (۲)، آیه ۱۴۸. یعنی: هر کجا باشید خداوند همگی شما را می‌آورد.

۳ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۶.

۴ - همان، ص ۲۸۳، ۳۰۶، ۳۰۷.

هستند، برافروخته و نورانی هستند، انگار در قلبشان چراغی است، از خداوند بیمناکند، برای شهادت دعا می‌کنند و آرزو می‌کنند که در راه خدا کشته شوند، شعارشان خونخواهی امام حسین (ع) است. وقتی که سیر می‌کنند رعب و وحشت تا مسافت یکماه راه، در پیشاپیش آنها در حرکت است (تبهکاران از مسافتهای دور از آنان می‌ترسند) خداوند امام مهدی (عج) را به وسیله آنان یاری می‌کند.^(۱)

اگر ما بخواهیم از یاوران حضرت مهدی (عج) باشیم، نخست باید از چهره‌های مصمم و با ایمانی باشیم که در بیان فوق ترسیم شده‌اند.

فرود حضرت عیسی (ع)

یکی از آیات خداوند، فرود عیسی بن مریم (ع) از آسمان، هنگام قیام حضرت مهدی (عج) است.

حذیفه از پیامبر (ص) این گونه نقل می‌کند:

مهدی (عج) متوجه فرود عیسی بن مریم می‌شود، گویا قطرات آب از موهایش جاری است. او به عیسی می‌گوید: جلو بایست و با مردم نماز بخوان. عیسی پاسخ می‌دهد: نماز برای شما بر پا شد، (امروز امام مردم شما هستی) پس عیسی پشت سر مردی از فرزندانم نماز می‌خواند. هنگامی که نماز تمام شد، عیسی برمی‌خیزد و با مهدی (عج) (به عنوان رهبر و امام) بیعت می‌کند.^(۲)

فرود حضرت عیسی (ع) از آسمان و بیعتش با حضرت مهدی (عج)، صداقت و حقانیت قیام آن حضرت را برای جهان مسیحیت آشکار می‌سازد و ایشان نقش مؤثری در پیشبرد اهداف و توسعه حکومت امام مهدی (عج) در کشورهای مسیحی نشین خواهد داشت.^(۳)

سؤال: با وجود سلاحهای مدرن و پیشرفته کنونی، چگونه حضرت مهدی (عج) پیروز می‌شود؟

۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸.

۲ - عقدا الدر فی اخبار المنتظر تحقیق دکتر عبدالفتاح محمد الحلو، ص ۲۳۰، مکتبه عالم الفکر.

۳ - بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۵۰.

پاسخ:

الف - همان طور که گفته شد، ممکن است فرود حضرت عیسی (ع) از آسمان و بیعتش با حضرت مهدی (عج) موجب شود که دولتهای مسیحی نشین همچون اروپا و آمریکا، بدون جنگ مهمی تسلیم شوند. و بنابر روایات، حضرت مهدی (عج) تورات را از غاری بیرون می آورد^(۱) و امکان دارد یهودیان نیز با مشاهده تورات اصلی، به آن حضرت ایمان بیاورند و جنگی میان حضرت و آنان واقع نشود و تسلیم شدن جهان مسیحیت و یهودیان البته تأثیر عمیقی بر دیگر کشورها خواهد گذاشت و شاید آنان با احساس رعب و وحشت، راهی جز تسلیم در برابر رهبر جدید جهان نداشته باشند. امام باقر در این باره فرمود:

... رعب و وحشت پیشاپیش مهدی (عج) در حرکت است...^(۲)

قرآن کریم نیز درباره پیامبر (ص) چنین می فرماید: رسول خدا (ص) با ایجاد رعب در دل دشمنانش، یاری شد.^(۳)

ب - ممکن است بر اثر وقوع جنگهای جهانی، سلاحهای پیشرفته نابود گردد، چنانچه در روایات از کشتارهای دسته جمعی و وسیع خبر داده شده است. چنانکه پیشتر از حضرت علی (ع) نقل شد که:

مهدی (عج) خروج نمی کند، مگر اینکه $\frac{۱}{۳}$ (مردم) کشته شوند و $\frac{۱}{۳}$ بمیرند و $\frac{۱}{۳}$ باقی بمانند.^(۴)

ج - نمونه پیروزی بر سلاحهای مدرن را همه ملتهای جهان در پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر رژیم شاهنشاهی و هشت سال دفاع مقدس مشاهده کردند و بر همگان ثابت شد که پیروزی تنها مرهون داشتن سلاح مدرن نیست، بلکه اراده های استوار و مقاومی می طلبد که بتوانند از آنها استفاده کنند. پس چه مانع دارد، همان گونه که ملت

۱ - غیبت نعمانی، ص ۱۵۷.

۲ - همان، ص ۱۵۵.

۳ - ر. ک. احزاب (۳۳)، آیه ۲۶؛ حشر (۵۹)، آیه ۲.

۴ - منتخب الأثر، ص ۴۵۳.

ایران توانست با سلاحهای معمولی برابر تمام جهان کفر بایستد و پیروز شود، امام زمان (عج) و یارانش نیز با استقامت بی نظیر بتوانند سلاحهای مدرن جهان را به غنیمت گرفته و پیروز شوند. البته در این میان از امدادهای ویژه الهی که نصیب آنان می شود نیز نباید غفلت کرد.

روایات نیز مؤید این مطلب است. مفضل از یاران امام صادق علیه السلام نقل می کند که روزی در حضور ایشان سخن از قائم (عج) پیش آمد و من گفتم: امیدوارم کارش به آسانی پیش رود.

امام علیه السلام فرمود: چنین نخواهد بود و این پیروزی دست نخواهد داد، جز در غرقاب خون و عرق بدن.^(۱)

بنابر روایت دیگری یکی از یاران امام باقر علیه السلام به ایشان عرض کرد:

می گویند وقتی مهدی علیه السلام قیام کند، همه کارها برایش خود به خود رو به راه می شود، بی آنکه قطره خونی ریخته شود.

امام فرمود:

ابدا چنین نیست، به حق آن که جانم در دست اوست، اگر بنا بود کارها بدین آسانی پا گیرد، برای پیامبر اسلام چنین می شد؛ پس چرا در راه مبارزاتش دندانش شکست و صورتش زخم برداشت. نه چنین نیست به خدا قسم (پیروزی حاصل نخواهد شد) جز اینکه ما و شما غرق در عرق و خون زخمهای خود گردیم.^(۲)

در بیانی دیگر امام صادق علیه السلام فرمود:

گویا قائم علیه السلام و یارانش را می بینم که خطر از هر سو بر سرشان سایه انداخته، توشه های آنان تمام شده، جامه هایشان فرسوده گشته، سجده بر پیشانی آنان اثر گذارده است، روزها همچون شیر ژیان و شب هنگام نیایشگر حق، دلهایشان چون پاره های آهن است...^(۳)

۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۸.

۲ - همان.

۳ - همان، ص ۲۸۶.

د - شاید سلاح حضرت مهدی (عج) و یارانش برتر از سلاح مدرن روز باشد، چون دستیابی بشر امروزی به سلاحهای پیشرفته در پرتو علم و دانش ویژه‌ای است که کسب کرده است و یا توجه به اینکه یکی از ویژگیهای عصر امام زمان (عج) بلوغ علم و ظهور همه ظرفیتها و تواناییهای آن است، ممکن است بگوئیم امام زمان (عج) و یاران آن حضرت نخستین کسانی خواهند بود که از این دانش به منظور دستیابی به سلاحهای پیشرفته روز و حداقل خنثی سازی اثر سلاحهای موجود در دست دشمنان استفاده می‌کنند.

البته در روایات، از سلاح او به شمشیر تعبیر شده که ممکن است یک تعبیر سمبولیک باشد، یعنی شمشیر کنایه از قدرت و منظور از قیام به شمشیر، اتکای به قدرت باشد.

شیوه حکومت حضرت مهدی (عج)

برآورده شدن تمام آمال و خواسته‌های طبیعی و فطری انسانها و تکامل فکری و روحی آنان در تمام ابعاد، تنها در سایه حکمرانی امام معصوم امکان پذیر است. این ایده با ظهور حضرت مهدی (عج) جامه عمل خواهد پوشید و جامعه بشری شیوه حکمرانی معصوم را تجربه خواهد کرد.

روش حکمرانی آن حضرت بر اساس اصول و محورهایی خواهد بود که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

اجرای صحیح و دقیق قوانین الهی:

عمده مشکلات مادی و معنوی مردم، معلول عملی شدن قوانین نادرستی است که از مغز بشر تراوش می‌کند و مستند به وحی الهی و جهان غیب نیست و یا اگر قانون درست در دسترس هست، اما مجریان لایق و شایسته‌ای نیست که بتواند آن را اجرا کند.

حضرت مهدی (عج) به عنوان آخرین خلیفه پیامبر (ص) با آگاهی کامل به شریعت رسول خدا (ص) و به عنوان فردی معصوم، قوانین اسلام را در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، فردی و اجتماعی زنده کرده و به مرحله عمل می‌گذارد تا جایی که گفته می‌شود او دین

جدیدی آورده است،^(۱) چرا که حتی جامعه‌های اسلامی نیز فاصله زیادی با اسلام واقعی دارند و عادت آنان به وضع موجود و حکمرانی افراد فاسد و تبه‌کار، این تفکر را در آنها تقویت کرده که دین اسلام همانی است که آنان فهمیده‌اند^(۲) و در کشورشان عملی می‌شود. / امام صادق (ع) فرمود:

مهدی (عج) به روش پیامبر (ص) عمل می‌کند، هر چه (از عادات و سنتهای نامشروع) بوده، آنها را محو می‌نماید، چنان که پیامبر (ص) امور (رایج در) جاهلیت را از بین برد. او اسلام را از نو آغاز می‌کند (قوانین تعطیل شده آن را پیاده می‌کند).^(۳)

قضاوت به روش حضرت داوود (ع):

اغلب قضاوت‌ها در محاکم بشری بر اساس شهادت شهود و جمع‌آوری قرائن انجام می‌گیرد. حضرت مهدی (عج) بر اساس علم خود و به روش داوود (ع) در منازعات قضاوت می‌کند. امام صادق (ع) فرمود:

وقتی قائم آل محمد (ع) قیام می‌کند، همانند حضرت داوود در بین مردم داوری می‌کند، احتیاجی به بیینه (شهود عادل) ندارد، خداوند به او الهام می‌کند و به هر کس از آنچه که پنهان کرده و انجام داده، خیر می‌دهد...^(۴)

تقسیم عادلانه ثروت:

یکی از روشهای نادرست حکومت‌های بشری، تقسیم غیر عادلانه ثروت‌های عمومی است که موجب پیدایش فقر و فاصله طبقاتی در جامعه می‌گردد. حضرت مهدی (عج) ثروت را بطور مساوی تقسیم می‌کند و بگونه‌ای فقر را ریشه کن می‌نماید که برای مصرف صدقه موردی نمی‌ماند.

ابو سعید خدری از رسول خدا (ص) چنین نقل می‌کند:

۱- ر. ک. بخارااتوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸ و ۳۵۲.

۲- ر. ک. همان، ص ۳۶۲.

۳- منتخب‌الاثار، ص ۳۰۵.

۴- بخارااتوار، ج ۵۲، ص ۳۲۵ و ۳۳۹.

در پایان (عمر) ائمتهم مهدی (عج) خروج می کند، در دوران او باران (بحد کافی) می بارد و زمین گیاه خود را می رویاند و مهدی (عج) مال را بطور مساوی و درست به مردم می دهد... (۱)

همو از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود:

مهدی (عج) به عنوان دادگری عادل خروج می کند، صلیب را می شکند، خوک را می کشد، و مال و ثروت در میان مردم گردانده می شود، ولی کسی پیدا نمی شود که آن را قبول کند (همه بی نیاز می شوند). (۲)

ساده زیستی:

حضرت مهدی (عج) به عنوان رهبر حکومت اسلامی با آنکه ثروتهای زمین را در اختیار دارد، از غذا و لباس ساده استفاده خواهد کرد تا الگویی برای زهد و بی اعتنایی به دنیا باشد.

امام صادق (ع) در این زمینه فرمود:

مهدی جز جامه زبر و خشن نمی پوشد و جز غذای خشک و سخت نمی خورد. (۳)

عمرو بن شمر می گوید: در خانه امام صادق (ع) بودم؛ مردم از چیزی سؤال نمی کردند، مگر اینکه آن حضرت پاسخ می داد؛ من به گریه افتادم. فرمود: ای عمرو، چرا گریه می کنی؟ گفتم: چگونه گریه نکنم؛ در میان امت، مثل تو نیست، اما در به رویت بسته است (یعنی از مقام اجتماعی و ثروت و مکننت برخوردار نیستی!). امام (ع) فرمود:

ای عمرو، گریه نکن؛ بیشترین غذاهای پاکیزه و لذیذ را می خوریم و لباس نرم می پوشیم و حال آنکه اگر چنان شود که تو می گویی (رهبری امت به دست ما بیفتد)، همانند امیر مؤمنان (ع) جز غذاهای سخت و لباس خشن نخواهد بود و اگر جز این باشد عاقبتی جز غل و زنجیر آتشین نخواهد داشت. (۴)

۱ - منتخب الاثر، ص ۴۷۳؛ عقدالدرر، ص ۱۶۴.

۲ - عقدالدرر، ص ۱۶۶ و ۱۷۱.

۳ - منتخب الاثر، ص ۳۰۷.

۴ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۰.

از این روایات استفاده می‌شود که هر چند در زمان ظهور زمینه برای استفاده از هر نوع لذت مادی فراهم می‌شود، اما اهل بیت پیامبر کسانی هستند که اگر به زعامت برسند، بیشتر از گذشته به دنیا پشت پا می‌زنند و این از وظایف و ویژگیهای رهبری امام معصوم است.

خلاصه

بنابر روایات اهل بیت (ع) ظهور حضرت مهدی (عج) بعد از اجتماع ۳۱۳ نفر در مکه انجام خواهد گرفت و بعد از اینکه تعداد یارانش به ده هزار نفر رسید، از مکه خارج می‌شود.

یاران آن حضرت در نهایت اخلاص، استقامت و بندگی خدا بوده و تسلیم محض آن حضرت هستند. عیسی بن مریم (ع) برای بیعت و یاری امام مهدی (عج) از آسمان فرود می‌آید و آن حضرت نقش مؤثری در توسعه حکومت امام مهدی (عج) به کشورهای مسیحی نشین خواهد داشت.

در پاسخ این سؤال که حضرت مهدی (عج) چگونه بر سلاحهای مدرن امروزی غلبه می‌کند، باید گفت: - امکان دارد جهان مسیحیت با فرود حضرت عیسی (ع) از آسمان بدون جنگ تسلیم شوند و کشورهای دیگر نیز مرعوب قدرت رهبر جدید گشته و تسلیم شوند.

- ممکن است با وقوع جنگ جهانی، سلاحهای مدرن امروزی همه از بین بروند.

- شاید همان‌گونه که مردم ایران بر رژیم شاه غلبه کردند و با سلاح معمولی هشت سال دفاع مقدس را ادامه دادند، حضرت مهدی (عج) و یارانش نیز با سلاح معمولی بر اسلحه‌های مدرن غلبه کرده و آنها را به غنیمت گیرند.

- شاید سلاح آن حضرت برتر از سلاح ابرقدرتها باشد و تعبیر «قیام به شمشیر» کنایه از اتکا به قدرت باشد.

روش حکمرانی حضرت مهدی (عج) بر اساس محورهای زیر خواهد بود:

اجرای صحیح قوانین اسلام در تمام زمینه‌ها و محو مظاهر باطل، قضاوت بر اساس علم خود و بدون نیاز به اقامه شهود، تقسیم عادلانه ثروت تا حدی که همگان بی‌نیاز شوند و ساده زیستی که از وظایف و ویژگیهای رهبری امام معصوم (ع) است.

پرسش

- ۱- کیفیت ظهور حضرت مهدی (عج) را بیان کنید.
- ۲- ویژگیهای یاران امام مهدی (عج) را توضیح دهید.
- ۳- حضرت مهدی (عج) چگونه بر سلاحهای کنونی غلبه می‌کند؟
- ۴- روش حکمرانی آن حضرت چگونه خواهد بود؟

ترسیم از حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)

با ظهور حضرت مهدی (عج) مسیر تاریخ دگرگون شده و فصل نوینی در زندگی انسانها گشوده می شود. آن روز اوج اقتدار مستضعفین مؤمن و خواری ستمگران است. با تحقق ظهور، صلح و صفا، امنیت و عدالت، رشد و شکوفایی، توحید و یکتاپرستی با جنگ و خونریزی، ظلم و ستم و شرک و خرافه پرستی مبادله می شوند و ثمره تلاش تمام پیامبران، اولیا و اوصیا در آن روز آشکار می گردد. در اینجا به بررسی بخشی از ابعاد حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) از دیدگاه روایات می پردازیم.

پاک شدن زمین از لوٹ وجود ستمگران

با ظهور حضرت مهدی (عج) دوران ستمگران به سر رسیده و زمین از لوٹ وجودشان پاکسازی می شود. امام جواد (ع) در این باره فرمود:

وقتی شمار لشکر مهدی (عج) به ده هزار نفر رسید، به فرمان خدا خروج می کند و پیوسته دشمنان خدا را از دم تیغ می گذراند تا آنکه خداوند از او خشنود شود.^(۱)

حاکمیت مطلق بر جهان

تمام نقاط زمین در سیطره حکومت امام مهدی (عج) قرار می گیرد و عدالتش بر

همه جا سایه می افکند.

امام باقر (ع) در مورد آیه «آنها که اگر در زمین استقرارشان بخشیم (به حاکمیت برسند) نماز را به پا می دارند و زکات می دهند، به معروف امر کرده و از زشتی باز می دارند و پایان امور از آن خداوند است.»^(۱) فرمود:

این آیه در مورد خاندان محمد (ص) است؛ در مورد مهدی (عج) و یارانش می باشد، خداوند آنان را فرمانروای شرق و غرب زمین قرار می دهد و دین آشکار می گردد، خداوند به وسیله مهدی (عج) و یارانش بدعتها و باطل را می میراند، همان گونه که سفیهان حق را میرانده بودند تا اینکه نشانه ای از ستم باقی نماند. آنان به معروف فرمان داده و از زشتی باز می دارند و پایان امور از آن خداست.^(۲)

برقراری امنیت در سراسر دنیا

از ضروری ترین نیازهای انسان، برقراری امنیت و صلح و صفا در جامعه است. زندگی در محیط نا امن، تلخ و دشوار است. با استقرار حکومت امام مهدی (عج) و سرکوبی اشرار و تبهاران، امنیت در حد عالی و در سراسر گیتی برقرار می شود و ثبات و آرامش روانی، جای اضطراب حاصل از ناامنی می نشیند.

امام باقر (ع) فرمود:

قائم (عج) و یارانش می جنگند تا همه به توحید و یکتاپرستی رو آورند و چیزی را شریک خدا قرار ندهند. پیرزن ناتوان از شرق زمین به غرب آن مسافرت می کند، بدون اینکه از ناحیه کسی آسیب ببیند...^(۳)

پیشرفت برق آسای علم

علم و دانش بشری با تمام دستاوردها و مظاهر شگفت انگیزش، هنوز دوران کودکی

۱ - حج (۲۲)، آیه ۴۱.

۲ - منتخب الاثر، ص ۴۷۰.

۳ - همان، ص ۳۰۸.

خود را سپری می کند و با تحقق ظهور امام مهدی (عج) به بلوغ کامل می رسد.
امام صادق (ع) فرمود:

علم و دانش ۲۷ حرف (شعبه و شاخه) است و مجموع آنچه پیامبران آورده اند، دو حرف است. مردم تا روز ظهور بیش از آن دو حرف را نمی دانند، وقتی قائم (عج) قیام کند، ۲۵ حرف بقیه را بیرون آورده و در میان مردم منتشر می سازد و بدین سان مجموع ۲۷ جزء دانش را نشر می دهد.^(۱)

امام باقر (ع) می فرماید:

... مردم در زمان قائم (عج) از حکمت برخوردار می شوند تا آنجا که زن در خانه اش به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) قضاوت می کند.^(۲)

و نیز فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می نهد و به آن، عقلهاشان جمع شده و افکار و اندیشه شان کامل می شود.^(۳)

بطور خلاصه، در پرتو هدایت امام مهدی (عج) مردم با افکاری باز، همتی والا و پیشینی وسیع پرورش می یابند. و یک انقلاب فکری و علمی با امواجی گسترده در همه قشرهای جامعه به وقوع می پیوندد.

رشد مواد غذایی و گیاهی

هم اکنون رشد جمعیت کره زمین، زلزله کمبود مواد غذایی در آینده را به وجود آورده است، در زمان امام مهدی (عج) خداوند برکات آسمان و زمین را به روی مردم می گشاید و هیچ نوع قحطی در هیچ نقطه ای از زمین مشاهده نمی شود.
حدیفه از پیامبر (ص) این گونه نقل می کند:

۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۱۵۸.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

آبها در دوران حکومت مهدی (عج) فراوان می شود، نهرها پر آب می گردد، زمین خوراکیهای خود را چند برابر می کند و گنجهای خود را بیرون می دهد.^(۱)

و نیز فرموده است:

زمین گنجهایش را برای او (مهدی (عج)) خارج می کند و وی مال و سرمایه بی شمار بین مردم پخش می کند.^(۲)

همچنین از آن حضرت نقل شده است که فرمود:

باران بطور فراوان فرود می آید و زمین انواع گیاهان خود را می رویاند.^(۳)

آبادانی شهرها و گسترش مساجد

در عصر حکومت امام مهدی (عج) شهرهای وسیع و آباد، جاده های پهن و مساجد بزرگ اما ساده و بدون زرق و برق ساخته می شود.
امام باقر (ع) فرمود:

گنجهای زمین برای قائم (عج) آشکار می شود، سلطنت و حکومتش شرق و غرب زمین را فرا می گیرد، خداوند به وسیله او دینش را بر تمام ادیان چیره می گرداند، گرچه برای مشرکان ناپسند باشد و همه خرابیهای زمین آباد می گردد...^(۴)

مفضل می گویند: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود:

وقتی قائم آل محمد (عج) قیام کند، در پشت کوفه مسجدی بنا می کند که دارای هزار در است و خانه های کوفه به رودخانه کربلا می پیوندند.^(۵)

ابوبصیر از امام باقر (ع) چنین نقل کرده است:

۱ - منتخب الاثر، ص ۴۷۲.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۸.

۳ - عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۶۰.

۴ - کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲ - ۱، ص ۲۳۱.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷.

هنگامی که قائم قیام کند... مساجد در عصر او همگی دارای دیوارهای کوتاه و بدون کنگره خواهد بود، همان گونه که در عصر رسول خدا (ص) بود. او جاده‌های بزرگ و اصلی را توسعه می‌دهد و به شصت ذراع می‌رساند و تمام مساجدی را که در مسیر راه قرار گیرند، خراب می‌کند... (۱)

از این روایات استفاده می‌شود که در زمان قائم (عج)؛ در کنار آبادانی شهرها و راهها، مساجد نیز توسعه یافته و آباد می‌گردد؛ چرا که با رهبری آن حضرت، مردم در مسیر بندگی که هدف آفرینش انسان است قرار می‌گیرند و رفاه و آبادانی در خدمت فضایل و کمالات انسانی در می‌آید.

شکوفایی روحیه برادری و مساوات

در پرتو ارشاد و تربیت امام مهدی (عج)، نفوس انسانی رشد و تکامل پیدا کرده و ارزشهای اخلاقی به اوج خود می‌رسد. شیعیان به امام باقر (ع) عرض کردند: ما در کوفه گروه بسیاری هستیم. اگر شما فرمان دهی، همه فرمان برند و از شما پشتیبانی و حمایت خواهند کرد. آن حضرت در پاسخ فرمود: آیا چنین هست که یکی از این گروه بیاید و آنچه نیاز دارد، از جیب برادرش بردارد؟

گفتند: نه. فرمود:

پس این گروه (که در راه دادن مال به یکدیگر این گونه بخل می‌ورزند) برای دادن خون خویش (در راه اصلاح جامعه) بخیلتر خواهند بود. مردم هم اکنون آسوده‌اند، (که در حال توقف حرکت تربیتی اسلام به سر می‌برند) از مردم همسر می‌گیریم و به آنان همسر می‌دهیم، از یکدیگر ارث می‌بریم، حدود را بر آنان اقامه می‌کنیم، امانتشان را باز می‌گردانیم (یعنی زندگی مردم در همین حد است و نه کاملاً اسلامی) اما با قیام قائم (عج) آنچه هست، دوستی و یگانگی است تا آنجا که هر کس هر چه نیاز دارد، از جیب برادرش بدون هیچ ممانعتی برمی‌دارد. (۲)

۱- کتاب الفیبه، شیخ طوسی، ص ۲۸۲.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

اسحاق بن عمار می گوید: نزد امام صادق (ع) بودم که درباره تساوی مردم با دیگر برادرانشان و حقی که هر کس بر دیگری دارد، سخن می گفت: من سخت در شگفت شدم و برایم وظیفه بزرگ و خطیری جلوه کرد. آن حضرت فرمود:

این، در وقت قیام قائم ماست که در آن روزگار بر هر کس واجب است برادران مؤمنش را تقویت و یاری کند و وسائل لازم را در اختیار آنان قرار دهد.^(۱)

راوی گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم که این روایت: «سود گرفتن مؤمن، از مؤمن رباست.» معنایش چیست؟ فرمود:

این، به هنگام قیام قائم اهل بیت و ظهور حق است، اما اکنون اگر کالایی بفروشید و سود بگیرید، اشکالی ندارد.^(۲)

ترسیم زمان پس از ظهور در گفتار امام علی (ع)

حضرت مهدی (عج) امیرانش را به تمام کشورها می فرستد تا عدالت را پیاده کنند.
- گوسفند در کنار گرگ می چرد.

- کودکان با مارها و عقربها بازی می کنند و هیچ آسیبی به آنها نمی رسد.

- شر برداشته شده و خیر می ماند.

- انسان یک مدّ (چارک) می کارد و هفتصد مدّ حاصل برداشت می کند، همان گونه که

قرآن می فرماید: «همانند یک دانه که از آنها هفت سنبل بروید و در هر سنبل صد دانه باشد.»

- ربا و زنا برداشته می شود و اثری از شراب خواری و ربا و خودنمایی باقی نمی ماند.

- مردم به اطاعت و عبادت و نماز جماعت رو می آورند.

- عمرها طولانی می شود.

- امامتها رعایت می شود.

۱ - وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۱۵.

۲ - همان، ج ۱۲، ص ۲۹۴.

- درختان پرثمر و برکات افزون می گردد.

- اشرار هلاک شده و نیکان می مانند.

- از دشمنان اهل بیت (ع) کسی باقی نمی ماند. (۱)

گفتنی است، همان قدر که ترسیم چنین جهانی در افق خیال آسان است، از نظر عمل فوق العاده مشکل و طاقت فرسا است، اما حضرت مهدی (عج) به عنوان معمار این جامعه نوین، بقدری از تواناییهای روحی و معنوی برخوردار است که می تواند جهانی را که از ظلم و جور پر شده است، از عدل و داد پر کند و فراتر از مدینه فاضله ای که فلاسفه و دانشمندان ترسیم کرده اند، به وجود آورد.

خلاصه

با تحقق ظهور حضرت مهدی (عج)، جهانی نو براساس ارزشهای الهی ساخته می‌شود. بخشی از ابعاد حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) این گونه است:

پاک شدن زمین از لوث وجود تبهکاران، حاکمیت همه جانبه مهدی (عج) بر گیتی، صلح و صفا به جای ناامنی و تفرقه می‌نشینند، سپری شدن دوران کودکی علم و دانش و رسیدن به بلوغ کامل، بگونه‌ای که حتی زنان در خانه بر طبق کتاب و سنت حکم کنند و استعدادهای فکری انسان شکوفا شود، قحطی و گرسنگی با فراوانی و سیری مبادله شوند و زمین گنجهای خود را بیرون ریزد، شهرها و راهها گسترش یافته و آباد گردند، مساجد بدون زرق و برق ساخته شده و توسعه یابند، رفاه مادی در خدمت معنویت قرار گیرد، روحیه برادری و مساوات شکوفا شده، بگونه‌ای که از مؤمن سود گرفته نمی‌شود و همه به یاری همدیگر برمی‌خیزند.

معمار این جامعه برین وجود مقدس مهدی (عج) است، چرا که خداوند آن حضرت را بر انجام آن توانا ساخته است.

پرسش

- ۱- جهان بعد از ظهور را ترسیم کنید.
- ۲- ابعاد حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) را توضیح دهید.
- ۳- امام علی (ع) زمان بعد از ظهور را چگونه ترسیم کرده است؟
- ۴- با توجه به ابعاد حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) چه تحلیلی از آن دارید؟

منابع و ماخذ

قرآن كريم

نهج البلاغه، فيض الاسلام، مركز نشر آثار فيض الاسلام.

البيان في اخبار صاحب الزمان، محمد بن يوسف كنجي شافعي، مؤسسة الهادي للمطبوعات.

اديان و مهديويت، محمد بهشتي، مؤسسة انتشارات امير كبير.

ارشاد، شيخ مفيد، مؤسسة الاعلمي بيروت.

اصول كافي، شيخ كليني، با حواشي علي اكبر غفاري، دارالكتب الاسلاميه، چاپ سوم.

الامام المهدي من المهدي الى الظهور، سيد محمد كاظم قزويني، مؤسسة النور للمطبوعات، بيروت.

بحار الانوار، علامه مجلسي، مؤسسة الوفا بيروت.

تاريخ الغيبة الصغرى، سيد محمد صدر، مكتبة الامام علي (ع).

تفسير نمونه، با همكاري جمعي از دانشمندان، دارالكتب الاسلاميه.

خورشيد مغرب، محمدرضا حكيمي، دفتر نشر فرهنگ اسلامي.

ديوان حافظ، به اهتمام سيد ابوالقاسم انجومي شيرازي، سازمان انتشارات جاويدان، چاپ چهارم.

سنن ابن ماجه، با حواشي محمد فؤاد عبدالباقي، دار احياء التراث العربي.

سنن ابي داوود، با حواشي محمد يحيى الدين عبدالحميد، نشر دار احياء السنة النبويه.

سنن ترمذي، ناشر محمد عبدالحسين الكتبي، چاپ العجالة الجديده.

صحيح بخاري، دارالقلم بيروت.

صحيح مسلم، دارالمعرفه بيروت.

- عقد الدرر فی اخبار المنتظر، یوسف بن یحیی شافعی سلمی، مكتبة عالم الفكر، قاهره.
- عهد عتیق، كتاب مزامير داود، انجمن پخش كتب مقدسه.
- عهد جدید، انجیل متی، انجمن پخش كتب مقدسه.
- الفتوحات المكيه، محی الدین عربی، دار صادر بیروت.
- فرق الشيعه، ابی محمد حسن بن موسی نوبختی، المطبعة الحیدریه نجف.
- قیام و انقلاب مهدی، شهید مطهری، انتشارات حکمت.
- كتاب الغیبه، شیخ طوسی، تهران، مكتبة نینوی.
- كتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی معروف به ابن ابی زینب، مؤسسه الاعلمی بیروت.
- كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، مكتبه المصطفوی قم.
- كفاية الموحدين، آقا سید اسماعیل طبرسی نوری، انتشارات اسلامیه.
- كليات فی علم الرجال، جعفر سبحانی، انتشارات مركز مدیریت حوزه علمیه قم.
- كمال الدين و تمام النعمه، شیخ صدوق، تصحیح و حواشی علی اكبر غفاری، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسين بقم.
- لسان العرب، دار صادر بیروت.
- مجمع البيان، طبرسی، دارالمعرفه بیروت.
- مستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، دارالفکر بیروت.
- مسند احمد حنبل، دارالفکر.
- مفاتيح الجنان، شیخ عباس قمی.
- مقاتل الطالبیین، ابی الفرج اصفهانی، مؤسسه دارالكتاب الطباعة و النشر قم - ایران.
- منتخب الاثر، لطف الله صافی گلپایگانی، انتشارات مكتبة الصدر، چاپ سوم.
- منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، انتشارات كتابفروشی اسلامیه.
- مهدی انقلابی بزرگ، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات هدف قم.
- المهدی الموعود المنتظر، شیخ نجم الدین جعفر بن محمد عسکری، نشر مؤسسه امام المهدی.
- نجم الثاقب یا زندگانی مهدی موعود، حاج میرزا حسین نوری، انتشارات علمیه اسلامیه.
- ینابيع المودة، شیخ سلیمان قندوزی حنفی، مؤسسه الاعلمی بیروت.
- وسائل الشيعه، شیخ حر عاملی، المكتبة الاسلامیه.